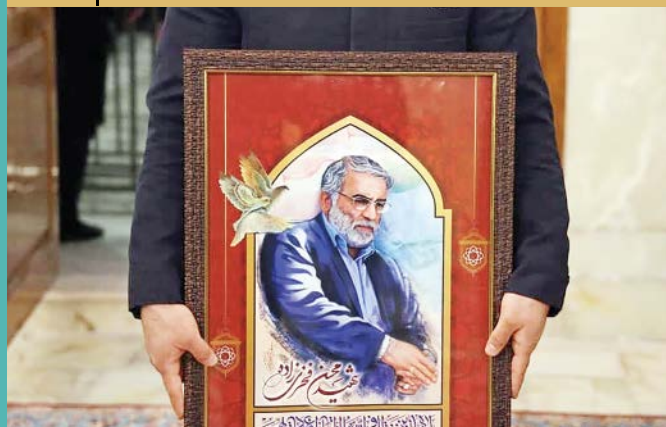


فهرست

۲	شهید پیشرفت
۲	راست قامتان جاودانه تاریخ می مانند
۳	فخری زاده درست می گفت
۴	فخر هسته ای مهر پایان بر خط سازش
۵	رهرو مصمم
۶	شهید محسن که بود؟
۸	میدان دار هسته ای
۹	به خون فخری زاده خیانت کردند
۱۲	جعبه سیاه صنعت هسته ای
۱۴	دانشمندی که مرعوب غرب نبود
۱۸	قانون جنگل روح حاکم بر سازمان های بین المللی
۱۹	نگاه بین المللی با هدف اقتدار ملی
۲۱	ماجرای ترور
۲۲	شهید محسن مرید خاص آقا
۲۶	شهیدان علم
۲۸	اهمیت دشمن شناسی در مکتب شهید محسن
۳۴	نخ تسبیح منافع ملی
۳۸	فخری زاده دانشمند برجای نبود
۴۱	تهدید سپند به تعطیلی
۴۶	قاب های ماندگار از شهید محسن
۴۸	خلق دفاع بدیع و نو

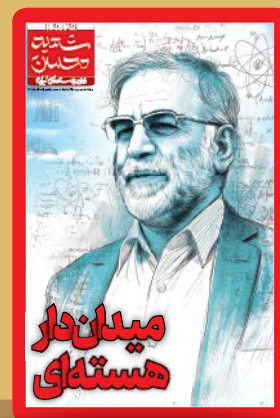


شناسنامه

ویژه نامه «جام جم»

به مناسبت سالگرد

شهادت محسن فخری زاده



■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیما

جمهوری اسلامی ایران

■ مدیرمسئول: مهدی گیوه کی

■ سردبیر: امین صبحی

■ تحریریه: فرشته مسلمی، مجتبی برزگری،

عبدالکامی، علیرضا زالی، مریم عاقلی، صباکلانی

■ مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی

■ صفحه آرا: حسین ناصری

■ ویراستاران: سودابه تندرو، فاطمه شاهی،

امیرعباس صباغ زاده، سیدمهدی یکه سادات،

مهرداد مهرنیا، همایون بیات، امیر فکری

■ ویرایش عکس: زرناز حسینی

■ طراح لوگو: سپهر سهامی فرد

■ چاپ و توزیع: موسسه جام جم

■ نشانی: میرداماد - جنب مسجد الغدیر -

پلاک ۱۲۹

■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۴۰۰۰

■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

■ وبگاه: jamejamdaily.ir

با تشکر از روابط عمومی وزارت دفاع

و پشتیبانی نیروهای مسلح

شهید پیشرفت



امیر محمد رضا
آشتیانی
وزیر دفاع و پشتیبانی
نیروهای مسلح

شهید فخری زاده، شهید عرصه پیشرفت و تعالی کشور است. وی راه نجات کشور و تضمین پیشرفت و امنیت آن را در دستیابی به علم می دانست و معتقد بود استعمارگران تفکر و شیوه آن رانه تنها ربودند بلکه بقایای آن را تخریب کردند. غرب نه تنها منابع مادی بلکه منابع فکری و تفکرساز ایران را به یغما برد.

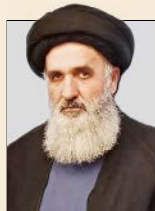
وی معتقد بود بررسی دلایل سال ها شکوه و عظمت ایران نشان می دهد کشورمان با وجود تهاجماتی

همانند مغول ها و سایر جنگ ها، باز توانست سر بلند کند ولی غرب با علم به این توان و قابلیت ایرانیان، تلاش کرد کارخانه های تولید علم و قدرت را با غریزدگی و جریانات روشنفکری خود باخته از کار بیندازد تا رقیبی همچون ایران نتواند در آینده خود را باز یابد. شهید دکتر محسن فخری زاده در دوران مبارزات علیه رژیم ستم شاهی و در دوران دفاع مقدس تحت تاثیر روح بلند امام خمینی (رض) تحولی شگرف فکری یافت. او راز دشمنی دشمنان با انقلاب اسلامی را بیداری و تحول مردم متأثر از اسلام ناب محمدی (ص) می دانست و به عمق کینه دشمنان و وسعت نگرانی آنان از بیداری ایرانیان آگاه بود. تنها راه مقابله با کینه و اتمام دشمنی آنان رادستیابی به فناوری های شگفتی ساز و شگرف علمی و آینده ساز می دانست از این رو رقابت در عرصه فناوری را اصلی ترین صحنه رقابت در دنیای آینده می دانست و با تفکری زیبا، طرحی نو در دستیابی به این عرصه در انداخت. او به خوبی می دانست که پا در چه مسیری مهم از چالش ها و دشواری ها گذاشته است و با آگاهی، انتخاب و با آغوش باز به استقبال این رقابت جانفروا رفت. شهید دکتر محسن فخری زاده وجود عرصه اسلامی و ایرانی را مزیت مطلق با جهان غرب و شرق و بخش متمایزکننده و برتری بخش می دانست. با این نگاه با ورود به عرصه های قرآنی و حدیث و جست و جوی علم ناب از این منبع نورانی الهی وبا دسترسی به وجود علمای بزرگ اسلامی و حکمای فاضل در حوزه های علمیه و ارتباط آنان با دانشگاه را فرصتی مغتنم برای پیش افتادن و کشف راه های میانبر و جبران عقب ماندگی های دانست و اولین بار پژوهشکده های مرتبط را با بهره گیری از دانشمندان دانشگاه و حوزه بنا نهاد و خود ایشان شخصا در جلسات آن شرکت می کرد. تربیت شاگردان ممتاز با اعتماد به نفس، خطریذیر، پرکار و خلاق و نوآور از ویژگی های منحصر به فرد او بود که به مدد این تدبیر، امروز شاگردانش در جایگاه های خود می درخشند و مسیر نورانی پایه گذاری شده او را می پیمایند و در پیمودن این راه مصمم هستند.

اوبی شک از شهیدان پیشرفت و ترقی ایران است که سال ها از مجاهدت های علمی او خواهیم شنید.

راست قامتان

جاودانه تاریخ می ماند



حجت الاسلام
سید ضیاءالدین
آقا جانیپور
رئیس سازمان عقیدتی
سیاسی وزارت دفاع

شهید فخری زاده دانشمند ممتاز و بی نظیر هسته ای و دفاعی کشور، مردی بود که تا آخرین نفس بر سر عهد و پیمان خود با خدا ایستادگی کرد.

او در زمان حیات خود گمنام بود و می خواست برای خدا گمنام بماند و

برای خدا کار کند و خداوند مزد اخلاص او را با شهرت جهانی پرداخت و امروز او جزو پرآوازه های جهان است. از او به عنوان پدر دانش هسته ای و دفاعی کشور و یکی از ۵۰۰ شخصیت قدرتمند دنیا نام برده می شود.

اقتدار او در مقابله با سلطه گری های نظام سلطه و اسرائیل غاصب به حدی بود که نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس او را دشمن شماره یک رژیم کودک کش اسرائیل می دانست و می گفت: تا فخری زاده زنده است، اسرائیل خواب راحت نخواهد داشت.

در هفتم آذر سال ۹۹ این دانشمند برجسته به دستور سران نظام سلطه با مسلسل هوشمند کنترل از راه دور ترور و به شهادت رسید.

نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس بعد از شهادت او، پشت تربیون رسانه های گروهی آمد و اعلام کرد: با رفتن فخری زاده، اسرائیل از امشب می تواند راحت بخوابد. این ابلهان نمی فهمند اگر شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید محسن فخری زاده نیستند، مکتب حاج قاسم و مکتب فخری زاده و شاگردان و رهروان آنان وجود دارند و این راه و مسیر که مسیر مقاومت و ایستادگی است، تا محو و نابودی اسرائیل جنایتکار و سران نظام سلطه ادامه دارد.



فخری زاده درست می گفت

محمد حکمت
همکار شهید

تفاوت شهید فخری زاده با سایر متفکران فلسفه علم در ایران نگاه ایشان به بنیان های علمی جهان و مبانی آن بود. وی معتقد بود با وجود عقبه تمدنی و علمی در تاریخ ایران به ویژه دوران شکوه اسلامی و حتی خلافت صفویه، میزان شکاف علمی گذشته و حال جای علامت سؤال بزرگ دارد. سؤال اینجاست که دلیل این شکاف و عقب ماندگی در کجاست؟ چرا بعد از آن دوران در کشور جریان تاثیرگذار علمی بزرگ روی نداده است؟ پاسخ این بوده است که استعمار پس از اشغال و نفوذ در ایران، یک ویروس عقب ماندگی روشی و فکری وارد نظام فکری، اندیشه و فهم ما کرده است. نکته ای که با درک آن نظام آموزشی، تحلیلی و فکری تحول جدی می یابد موضوعی بود که شهید فخری زاده در فلسفه فکری به آن زیاد اشاره می کرد. اجازه دهید یکی از موضوعاتی که با ایشان بحث شده است را مرور کنیم: اساساً شناخت غرب از جهان مبتنی بر نظریه داروین است. نظریه او مبنای شناخت و فلسفه جدید که همان شیوه فکر کردن است شده و این که چگونه این نظریه توانسته سال ها در مدارس ماتدریس شود و مبنای علم و آموزش قرار بگیرد. کمی با داروین پیش برویم.

پیامد نظریه داروین

تا زمان داروین گوناگونی، پیچیدگی و سازگاری مشهود در حوزه های بیولوژیکی به آسانی از طریق فرض وجود خداوند به عنوان نظام دهنده توانا تبیین می شد. بعد از نظریه تکامل، این دیدگاه قوت یافت که اگر هرآنچه رخ می دهد، از راه فرآیندها، قواعد و روابطی که فیزیک، شیمی و زیست شناسی آنها را توضیح می دهند، تبیین پذیر است و جایی برای پذیرش طراح برای طبیعت وجود ندارد. به این ترتیب، این نظریه جدی ترین و مهم ترین چالش ها را در برابر خدا باوری مطرح ساخت.

خداگرایی داروین اهمیت چندانی ندارد اما داروینیسم فلسفی که از لوازم و توابع نظریه اوست با تفسیر حکیمانه خلقت مهم ترین بعد تعارض این نظریه با اندیشه دینی آغاز نمی شود. به زعم برخی متفکران مغرب زمین، طرح انتخاب طبیعی داروین، اساس غایت انگاری طبیعت را که تا قرن نوزدهم برپا بود، کاملاً فرو ریخت. آنان معتقد شدند که تئوری تحول انواع با تفسیر علی از ارگانیسم ها، ما را از تفسیر غایی بی نیاز می گرداند و راه را برای تفسیر تصادفی در عالم حیات باز می نماید.

داروینیست هانیز که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان،

نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان هستند انسان هم با دیگر حیوانات فرقی نمی کند؛ فقط کمی پیچیده تر است. از نظر داروینیست ها و ماتریالیست ها چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش خاصی قائل شد؛ مثلاً اگر انسان به اخلاق و فضایل اخلاقی توجه کند به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

از طرفی همان طور که گفتیم، مفهوم داروینی منشأ مشترک، همواره دوا دیده دیگر را به همراه دارد: اول نفی خلقت یکباره و مستقل؛ دوم رد وجود هرگونه تفاوت ماهوی و بنیادی بین گونه ها.

در مورد ارتباط ماتریالیسم و نظریه تکامل، داروینیسم بر دو پایه فلسفی بنا شده است، ماتریالیسم و پوزیتیویسم. در واقع جهان بینی و هستی شناسی داروینیسم، عملاً ماتریالیستی است. در نگاه داروینی، پایه و بنیان همه چیز، ماده است؛ ذهن، روح و همچنین خداوند تنها واژگانی برای ابراز نتایج حاصل از پیچیدگی های عصبی هستند. داروینیسم تمامی پدیده ها و علل ماورای طبیعی را نفی می کند. داروین با ترکیب تغییرات بی جهت و بی هدف با روند کورکورانه و بی تفاوت انتخاب طبیعی، توضیحات دینی و معنوی در مورد حیات و هستی را به توضیحاتی زائد و اضافی تبدیل می کند.

با پیشرفت زیست شناسی مولکولی شواهد انکارناپذیری درباره مشکلات نظریه تکامل در دسترس بسیاری از زیست شناسان قرار گرفت و به نظر می رسد این بنای قدیمی در حال فرو ریختن است. بیشترین تکاپو در این راه مربوط به کشورهای پیشرفته است. گرچه تعصب عجیب و سؤال برانگیزی بر سر راه تحقیقات و مطالعات مخالف این نظریه در همه کشورها و در جامعه جهانی به ویژه جهان سوم و کشورهای مقلد وجود دارد.

با وجود این، سال هاست که جنبش هایی بر ضد این نظریه در تمام نقاط جهان ایجاد شده. دانشمندی که نام برده شد و کتاب های معروف آنان از بزرگ ترین مخالفان نظریه تکامل هستند که همه از دانش آموزان و اساتید دانشگاه های برتر جهانند و جنبش طراحی هوشمند را که کاملاً در جهان شناخته شده است را ایجاد کرده اند.

در کشور ما اما نظریه تکامل به صورت تک بعدی و حتی در کتاب های درسی و دانشگاهی ترویج می شود. کتاب های مخالف این نظریه در کشور ترجمه و چاپ نشده یا قابل دسترسی نیست. هر کتابی درباره تاریخ زمین و زیست شناسی به نحوی به تبلیغ و گسترش این نظریه می پردازد و قفسه های کتابفروشی های ملی سرشار از کتاب های مبلغ این نظریه برای تمام سنین است. اگر تابع مکتب ماتریالیسم باشی و هستی را در جهان مادی خلاصه کنی، باید به دنبال فرضیه ای باشی که آغاز و انجام جهان را خود ساخته و اتفاقی تصویر کند و برای اثبات ادعایت شواهد علمی جمع آوری کنی. اتفاقی که در داروینیسم و نظریه تکامل با آن نگاه ماتریالیستی به وضوح عیان است. اگر فیزیک در حد تجربه باقی می ماند، اسلامی و غیراسلامی نداشت اما نتیجه گیری های عام از آزمایش ها همواره در چارچوب متافیزیک (مرئی یا نامرئی) حاکم بر علم صورت می گیرد. نظریه های علمی متأثر از دیدگاه های متافیزیکی درباره سرشت اصلی واقعیت هستند و این به کرات متأثر از اعتقادات دینی یا فلسفی بوده است.

به عبارتی:

۱- پیش فرض های متافیزیکی علم می تواند متأثر از جهان بینی دینی باشد.

۲- بینش دینی در جهت گیری های کاربردی علم مؤثر است. یعنی اصول و ثابت در همه جهان یکی است؛ تحلیل و نتیجه گیری و در نهایت نظریه پردازی متأثر از بینش و جهان بینی شخص است. درواقع می توان گفت که هیچ دانشی فارغ از قضاوت های ارزشی نیست و تفاوت بین علوم انسانی و طبیعی در شدت و ضعف قضیه است. ما موظفیم تا علوم را با نگاه بومی و اسلامی ببینیم. یک دانش پژوه مسلمان که مقید به جهان بینی اسلامی است باید مفروضات نهفته ای را که ظاهر علمی دارد، ولی درواقع ربطی به علم ندارد را تشخیص دهد و با آنها هوشیارانه برخورد کند. معنای علم دینی این نیست که آزمایشگاه های زیست شناسی و فیزیک را تعطیل کنیم یا علوم را از قرآن و سنت استخراج کنیم، بلکه قراردادن کلیت قضایا در یک متن متافیزیکی دینی است.

شهید فخری زاده، چنین نگاهی به علم داشت. او معتقد بود که باید با پیش فرض اسلامی به جهان علم نگاه کرد. ساعت ها در آزمایشگاه فیزیک آزمایش های سخت و طولانی را انجام می داد، ولی از فلسفه علم و نگاه باطنی و عمیق به جهان علم دریغ نمی کرد.

به دنبال علم اسلامی بود، نهایی ترین حد دانش را جست و جو می کرد، ولی در یک بستر دینی به جست و جو علم می پرداخت، وحی و خلقت را می کاوید و از دریچه فلسفه اسلامی به جهان علم می نگریست و به دنبال تدوین و باز تولید علم از دیدگاه اسلامی بود.

فخر هسته‌ای

مهر پایان بر خط سازش



امین مبعی
سرمدیر

هسته‌ای در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌های رسمی کشور و در اظهاراتی قابل تأمل گفت: «همه دانشمندان صنعت هسته‌ای کشور در سلامت کامل به سر می‌برند و برای هیچ‌کدام آنها حادثه‌ای پیش نیامده است» بعد از آن متن پیام علی اکبر صالحی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی که خطاب به امیرحاتمی، وزیر دفاع صادر شده بود بر این تناقضات افزود. در بخشی از این پیام آمده بود: «خبر ترور ناجوانمردانه برادر خدوم، شهید دکتر محسن فخری زاده، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع که سال‌های طولانی از عمر پرپرکت خویش را صرف مجاهدت و ارتقای توان دفاعی کشور نمود، موجب تأسف و تأثر عمیق گردید.»

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه دولت یازدهم و دوازدهم نیز در بیانیه خود از شهید فخری زاده با عنوان «دانشمند برجسته و مدیر موفق» یاد کرد. در پیام حسن روحانی نیز اشاره‌ای به خدمات هسته‌ای این شهید والامقام نشده و فعالیت شهید فخری زاده در وزارت دفاع لحاظ شده بود. این اقدام معنادار حکایت از سانسور چهره علمی شهید فخری زاده در صنعت هسته‌ای و نادیده گرفتن خدمات ارزشمند ایشان در این عرصه حساس داشت. البته تعجبی ندارد که مسئولان دولت تدبیر و امید که در ذیل توافق نامه، بیشترین خسارت را به صنعت هسته‌ای کشور وارد و مقدمات نابودی آن را فراهم کرده بودند با مجاهدت‌ها و خدمات شهدای هسته‌ای از جمله شهید محسن فخری زاده بیگانه باشند.

اما این پروژه تحریف با پیام نافذ رهبر معظم انقلاب در پی شهادت محسن فخری زاده خنثی شد. در بخش ابتدایی این پیام آمده بود «دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور جناب آقای محسن فخری زاده به دست مزدوران جنایتکار و شقاوت پیشه به شهادت رسید.»

در موضوع حمایت شهید فخری زاده از توافق نامه برجام هم فقط به اظهار نظر فرزند ایشان در برنامه ثریا بسنده می‌کنیم که گفت: برجام اشک پدرمان را درآورد و فشاری که در برجام روی پدرم آمد در دوران زندگی ایشان سابقه نداشت.

حالا سه سال است که از عروج شهید فخری زاده می‌گذرد؛ شخصیتی که آذر ۹۹ برای بیشتر ما غریبه و تنها یک اسم بود اما حالا برای ما تا حد یک قهرمان ملی سرافراز عزیز است و هرکدام می‌کوشیم به سهم خودمان گامی برای اعتلای ایران مقتدر برداریم و به این ترتیب دین خودمان را در قبال کارهای مجاهدانه این شهید بزرگ که خدمات دفاعی و هسته‌ای زیادی را برای کشور به ارمغان آورد، ادا کنیم.

روزهای سیاه کرونایی، کشور را در بر گرفته بود و جهان یکی از تلخ‌ترین حوادث را در پهنه گیتی می‌گذراند و محققان در پی این بودند که راهکار و فرمولی را برای گذر از این بحران پیدا کنند. موضوعی که دانشمندان گمنام ما نیز روی آن متمرکز شده بودند و در آزمایشگاه‌ها و مراکز علمی به دنبال این بودند که دستاوردهای درمانی‌شان را در اختیار جامعه بشری قرار دهند. در همین شرایط خبر کوتاه و شوکه کننده‌ای روی تلکس خبرگزاری‌ها قرار گرفت که محسن فخری زاده، دانشمند ایرانی در آبسرد دماوند ترور شد. نامی که برای اکثر ما ناآشنا بود اما همه پس از یک خاطره جمعی و شهادت حاج قاسم چشم‌مان بیشتر از گذشته ترسیده بود و دل خوشی از خبرهای کوتاه و آنی نداشتیم. با گذشت چند ساعت از انتشار این خبر و تأیید آن توسط نهادهای ذی‌ربط، بازتاب‌های خبری آغاز و گویی بمب دیگری در رسانه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی منفجر شد و سیاستمداران داخلی و نهادهای بین‌المللی نسبت به این اقدام تروریستی واکنش نشان داده و گمانه زنی‌های متفاوتی در خصوص ترور شهید محسن فخری زاده ارائه کردند.

مسئولان، نهادها و مقامات لشکری و کشوری در پیام‌های جداگانه‌ای این اقدام غیرانسانی را محکوم کرده و رد آن را در تحرکات چند وقت اخیر رژیم صهیونیستی پیدا کردند، زیرا منابع اسرائیلی از سال ۲۰۱۸ اعلام کردند سازمان اطلاعات این کشور (موساد) اقدام به ترور محسن فخری زاده کرده اما موفق نشده است و نتانیاهو با نام بردن از فخری زاده و اعلام این‌که وی در صدر یک پروژه هسته‌ای در ایران قرار دارد، خطاب به حاضران گفته بود «این اسم را به خاطر بسپارید». بنا بر اخبار و گزارش‌های رسیده نام دانشمند شهید محسن فخری زاده از طریق فهرست سازمان ملل در اختیار موساد قرار گرفته و وی با عنوان «دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس پیشین مرکز تحقیقاتی فیزیک» معرفی شده بود و همین انگیزه مضاعفی به اسرائیل و ارباب آمریکایی‌اش داده بود تا به هر ترتیبی شده گلوگاه‌های علمی ایران را مسدود کند؛ گاهی با تحریم و گاهی با ترور.

اما ضربه کاری وقتی به پیکر ملت وارد شد که مسئولان دولت وقت اظهارات ضد و نقیضی را در خصوص هویت واقعی شهید فخری زاده منتشر کردند به طوری که ساعتی پس از این اقدام تروریستی، سخنگوی سازمان انرژی

در ستایش همراهی مجاهدانه همسر شهید فخری زاده

رهرو مصمم



فرشته مسلمی
روزنامه نگار و تحلیلگر

یکی از بانوان خوش ذوق درخصوص جنگ شعری سروده است که می گوید «هر سربازی در جیب هایش، موهایش و بین دکمه های یونیفورمش زنی را به

میدان جنگ می برد. آمار کشته های جنگ غلط است؛ هر گلوله دو نفر را از پای در می آورد سرباز و زنی که چشم به راه اوست؛ شاید در نگاه اول به نظر می رسد ذکر این تعابیر احساسی برانزده و یژه نامه ای که به مناسبت گرامیداشت دانشمند شهید محسن فخری زاده منتشر می شود، نباشد اما اگر با اندکی اغماض به موضوع جنگ، شهدا و زندگی خانواده شهدا پس از فراق عزیزان شان نظری بیندازیم متوجه می شویم این عبارات نه فقط احساسی نیست بلکه جان کلام و روایتی شفاف از زندگی واقعی مادران و همسران شهداست که همیشه با اضطراب شهادت عزیزان شان زندگی می کنند. این حقیقت در جای جای سخنان خانواده شهدا دیده می شود و ذکر خاطره شهره پیرانی، همسر دانشمند شهید داریوش رضایی نژاد در این خصوص خالی از لطف نیست. وی در دلنوشته ای برای خانواده شهدای هسته ای به ماجرای لرزش دست های خود و همسر شهید فخری زاده اشاره کرده و می نویسد: «دعوت کرده بودند برای افطار. من و خانم فخری زاده سریع میز بودیم. ایشان محبت داشتند برای من برنج کشیدند. دست شان می لرزید. گفتم حاج خانم من سر ترور داریوش لرزش دست گرفتم. شما چرا دستتان می لرزد. گفتند شما راحت شدید. ما هر روز ترور می شویم. هر روز آماده ترور هستیم. حاج خانم امروز راحت شد.

مثل خانم علیمحمدی

مثل خانم شهریاری

مثل خانم روشن

مثل من در یک مرداد ۱۳۹۰

دیگر لرزش دستان مان دلیل یکسان دارد.» خواندن

این جملات پشت آدم را می لرزاند چه برسد که بخوایم در این جایگاه قرار بگیریم. تنها در این صورت است که می فهمیم کلمات تا چه حد از بیان این احساس قاصر هستند. بی دلیل نیست که رهبر انقلاب پس از ترور دکتر محسن فخری زاده خطاب به همسر ایشان اظهار کردند: همسران شهدا در اجر آنها شریک هستند و از خدماتی که می خواهند بر دل های شما نازل فرماید و به توفیق الهی بتوانید حرکت خود را متناسب با شأن شهید ادامه دهید. دقیقاً همان رویه ای که همسر این شهید بزرگوار در پیش گرفته و پس از ترور ناجوانمردانه این دانشمند هسته ای با مناعت طبعی مثال زدنی و صبری زینبی از مسئولان فقط یک خواسته داشت و آن این بود که خون شهید پایمال نشود چرا که لحظه لحظه عمرش را برای این کار گذاشته بود.

خانم صدیقه قاسمی همسر شهید فخری زاده به گواه نزدیکان و همزمان این دانشمند والامقام، نقش بی بدیلی در زندگی علمی و حرفه ای دانشمند شهید کشورمان ایفا کرده و ذکر خیرشان همیشه در کلام شهید فخری زاده وجود داشته است. این بانوی ارجمند در همه مقاطع زندگی همواره یار و پشتیبان شهید دانشمند بوده و این مهرورزی متقابل حاصل مهر و رنج صادقانه ای است که در طول سال های زندگی شهید فخری زاده و مجاهدت بی دریغ ایشان در راه اعتلای کشور متقبل شده اند.

خانواده شهدا خاصه مادران و همسران این دلاورمردان همواره در پشت صحنه حوادث و ماجراها حضور داشته و تسهیل کننده این شرایط بودند و رهبر انقلاب بحق آنها را خاکریز

دوم نامیده و فرمودند: باب شهادت بسته می شد اگر همسران شهدا زبان به شکوه باز می کردند. شرح این همراهی در آثار سینمایی همچون «بادیگارد» و «هناس» به خوبی به تصویر کشیده شده و می توان گوشه ای از رشادت و فداکاری این بانوان را مشاهده کرد.

شهدای هسته ای کشور نماد پیشرفت، علم، ایمان، شجاعت و پیروزی خون بر شهادت هستند و این نقش ستبر و ماندگار در سایه مجاهدت و تلاش بی وقفه خانواده این عزیزان شکل گرفته است. ان شا... خداوند به این عزیزان صبر جمیل عطا کند.



شهید محسن

محسن فخری زاده
مه‌بابادی



رئیس سازمان پژوهش و نوآوری
وزارت دفاع

استاد فیزیک هسته‌ای در
دانشگاه امام حسین (ع)

تولد

۱۳۳۶
قم



شهادت

۷ آذر ۱۳۹۹ تهران
آب‌سرد دماوند



دارنده لقب پدر برنامه
هسته‌ای نظامی ایران
در منابع غربی

سن که بود؟

قرار گرفتن در لیست تحریم
در سال ۲۰۰۷

تنها دانشمندی که
نتانیا هو در یک برنامه
از او نام برده بود



از فرماندهان سپاه پاسداران
در زمینه موشکی



جزو ۵ شخصیت ایرانی در
فهرست ۵۰۰ نفره قدرتمندترین
افراد جهان

ساخت کیت ایرانی تشخیص کرونا
تحت نظر شهید فخری زاده



میدان دار هسته‌ای

«دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس پیشین مرکز تحقیقاتی فیزیک» در فهرست تحریم‌شدگان ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت و نتایج سال ۲۰۱۸ در یک برنامه تبلیغاتی چند بار نام این دانشمند شهید را تکرار کرد و از حاضران خواست این نام را به خاطر بسپارند و بدین ترتیب مقدمات برای ترور شهید فخری‌زاده برای چندمین بار مهیا و سرانجام این عملیات توسط موساد انجام و صنعت هسته‌ای ایران یتیم شد اما شاگردان و همزمان این شهید گران قدر همچنان در این سنگر حضور دارند و با مجاهدت‌های شبانه‌روزی خویش در جهت سربلندی ایران قوی گام بر می‌دارند.

در این پرونده با برخی از همراهان و آگاهان درخصوص فعالیت‌های شهید فخری‌زاده به گفت‌وگو نشستیم تا ویژگی‌های این شهید بزرگوار را از ابعاد مختلف بررسی کنیم و نمای نزدیک‌تری از چهره شهید فخری‌زاده که سردار سلیمانی عرصه هسته‌ای نام گرفت، به مخاطبان عرضه کنیم.

همزمان شهید نیز همانند خود ایشان از سربازان گمنام هستند و به دلیل حساسیت نوع فعالیت‌شان از ذکر نام کامل، سمت و تصاویر آنها معذوریم و از این بابت از شما مخاطبان عزیز عذرخواهی می‌کنیم و مطمئنیم که به اهمیت این موضوع واقف هستید.

سال‌های زیادی است که ایران سربلند به همت جوانان پرومندش تلاش بی‌وقفه‌ای را برای دستیابی به فناوری‌های مختلف آغاز کرده و بحمد... توانسته است در صنایع مختلف از جمله علوم و فنون پزشکی، هسته‌ای، نظامی و ... پیشگام باشد و به استقلال برسد. برخورداری از این ظرفیت علمی رو به رشد مدت‌هاست که خار چشم دشمنان قسم خورده خارجی و متحدان داخلی آنها شده است. آنها با توطئه‌های مختلف از جمله تحمیل جنگ، تحریم، تهدید و ترور می‌خواهند ما را از این مسیر روشن منحرف کنند اما هیچ‌کدام از این تلاش‌های مذبوحانه نتوانسته اثری بر اراده پولادین فرزندان ایران گذاشته و آنها را از ادامه مسیر دلسرد کند.

این مجاهدان از هیچ خطری ابا ندارند و با تمام قوا می‌کوشند تا قله‌های علم و آگاهی را فتح و به این وسیله راه نفوذ دشمن را مسدود کنند. شهید سرافراز محسن فخری‌زاده یکی از همین سربازان خوشنام است که سال‌ها در گمنامی می‌زیست و عمر پرپرکت خود را وقف توسعه فناوری هسته‌ای کشور کرد تا این‌که هفتم آذرماه سال ۱۳۹۹ توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسید و نامش بر سربازان با افتاد. آمریکایی‌ها، وی را صندوqچه اسرار برنامه هسته‌ای ایران قلمداد می‌کردند. محسن فخری‌زاده از سال ۲۰۰۷ تحت عنوان



به خون فخری زاده خیانت کردند

۹ با توجه به سومین سالگرد شهید فخری زاده، آنچه روشن است این که توان علمی کشور در حوزه‌های مختلف هسته‌ای، دفاعی و علمی قائم بر فرد نیست و به‌رغم جنایات انجام شده، این پیشرفت‌ها روزافزون است. با همه تفاسیر دلیل ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان توسط دشمنان کور دل را چه می‌دانید؟

فناوری‌های برتر کشورمان در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی، نانو فناوری، بیوفناوری و پزشکی و خیلی از فناوری‌های دیگر امروز تبدیل به صنعت و زیست بوم شده است و ما می‌توانیم سرفرازان در خصوص صنعت هسته‌ای، صنعت نانو، صنایع موشکی و دفاع صحبت کنیم. وقتی فعالیت صورت گرفته در کشور به سطح صنعتی می‌رسد یعنی فاصله معناداری با زمانی دارد که توان کشور محدود به فعالیت‌های آزمایشگاهی در این عرصه‌هاست. وقتی صنعت شکل می‌گیرد حتی اگر افراد برجسته آن توسط دشمنان ترور شوند، باز هم نمی‌توان مانع روند روبه رشد و توسعه آن صنعت شد و به این ترتیب آن صنعت پیشرفت خواهد کرد، چون تعداد بسیار زیادی از دانشمندان، صنعتگران و متخصصان ما در این حوزه‌ها رشد و پیشرفت کرده‌اند و واحدهای صنعتی زیادی در این خصوص تشکیل شده و مشغول فعالیت در این عرصه است. فلذا با حذف یک نفر هرچند کلیدی نمی‌توان آن صنعت را ویران کرد، چه هسته‌ای و چه حوزه‌های دیگر. البته نمی‌توان منکر آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از حذف دانشمندان و اندیشمندان نام‌آور در این عرصه شد، زیرا زمان قابل توجهی را برای جبران این خلأها نیاز داریم.

خود دشمنان نیز به این مسأله واقفند که روند آن صنعت و آن حوزه فناوری با عدم حضور یک شخص به طور کامل مختل نمی‌شود و فقط ممکن است در کوتاه مدت دچار آسیب شود اما یکی از دلایلی که دشمنان در پی حذف فیزیکی و ترور دانشمندان و نخبگان هستند، این است که می‌خواهند با ایجاد رعب و وحشت در دل دیگران از حضور نیروهای نخبه جوان در این صنعت جلوگیری کنند و بخش خصوصی را که مشغول سرمایه‌گذاری و کار در این حوزه است، دلسرد کنند. آنها با این خیالات خام، فکر می‌کنند با این حربه‌ها می‌توانند مسیر را کنند کرده و این روند روبه رشد را مختل کنند. موضوعی که در کشور ما بالعکس بود و عملاً چنین اتفاقی در صنعت هسته‌ای رخ نداد و ترور دانشمندان هسته‌ای ما باعث شد تا تعداد بی‌شماری از جوانانی که شاید قبل از این انگیزه زیادی برای ورود به عرصه صنایع و فناوری‌هایی مثل هسته‌ای نداشتند با عزم و اراده وارد این حوزه شده و گام استواری را در این زمینه بردارند.

۹ با توجه به تأکید رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، فخری زاده مؤثرترین فرد کشور در حوزه هسته‌ای بود و نقشه راه هسته‌ای کشور را تهیه کرد اما بخشی از مسئولان دولت دوازدهم در این سازمان حتی وزیر خارجه وقت سعی کردند با سانسور چهره واقعی شهید فخری زاده، وی را دانشمند عرصه دفاعی بنامند و حتی کمالوند و صالحی پس از ترور عنوان کردند همه دانشمندان هسته‌ای در سلامت کامل هستند. دلیل این تناقض را در چه می‌دانید؟

همه ما می‌دانیم دولت آقای روحانی با آن استدلال غلط و موضع بسیار ضعیفی



بازگشت به غنی‌سازی ۲۰ درصد را یکی از واقعیت‌های تلخ صنعت هسته‌ای می‌داند که زحمات شهدای هسته‌ای را به باد داده است. به نظر وی که سابقه زیادی در عرصه هسته‌ای داشته و از همکاران نزدیک شهید احمدی‌روشن و شهید فخری زاده بوده، پذیرش برجام، صنعت هسته‌ای را حداقل یک دهه به عقب برگردانده است و اگر دو سه سال خوب وقت بگذاریم، می‌توانیم صنعت هسته‌ای را به قابلیت‌های سال ۹۲ برگردانیم و این که برخی‌ها می‌گویند ما هر آنچه را که تعلیق کردیم یا از بین بردیم با فشردن یک کلید Undo برمی‌گردانیم، اصلاً صحیح نیست. این حرف‌ها بخشی از سخنان حسین آبنیکی، رئیس اسبق مرکز توسعه و فاوا سازمان انرژی اتمی است که شهید محسن فخری زاده را جزو دانشمندان مقدم صنعت هسته‌ای می‌داند که در صنعت دفاعی نیز بسیار موفق عمل کرد و توسط صهیونیست‌ها ترور شد. آبنیکی از مدیران ارشد سابق صنعت غنی‌سازی بوده و از زیروم‌های این صنعت بومی کشورمان مطلع است. وی در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم می‌گوید: دولت آقای روحانی برای دستیابی به توافق برجام، استمرار و اجرای آن خیلی از واقعیات را نادیده گرفته و آنها را از بین برد و کتمان وجهه علمی شهید فخری زاده در عرصه هسته‌ای یکی از این واقعیات‌هاست. مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظراتان می‌گذرد:

وارد مذاکرات شدند و امتیازات بسیار وسیعی را به طرف های غربی به ویژه آمریکایی ها دادند و نتیجه آن توافق نامه ای با عنوان برجام شد و در این میان تعداد زیادی از متخصصان کشور از صنعت هسته ای اخراج و بسیاری از دستاوردهای ما تخریب شد و به زعم خود فکر می کردند می توانند نتایج مثبت اقتصادی را به بار بیاورند اما گذر زمان نشان داد نه تنها دستاوردی نصیب ما نشد بلکه نتیجه هیچ در هیچ شد. در این میان دشمن به رغم این که از ما امتیازات زیادی گرفته بود هیچ امتیاز اقتصادی به ما نداد. طرف آمریکایی هم علاوه بر تشدید تحریم ها به اقدامات خود در حوزه حذف فیزیکی دانشمندان ایرانی ادامه داد و ترور شهید فخری زاده یکی از این اقدامات شنیع بود. مقامات دولت قبل و وزیر خارجه وقت همواره از نقض برجام توسط آمریکایی ها دفاع می کردند و می گفتند اینها برجام را نقض نکردند تا این که این اواخر بالاخره پذیرفتند طرف قبلی نه فقط تعهدات برجامی خود را انجام نداده، بلکه مرتکب نقض تعهدات نیز شده است. از جمله اقدامات عجیب دولتمردان دولت تدبیر و امید اظهار نظر آنها درخصوص نقش شهید فخری زاده بود؛ آنها درصدد بودند این گونه وانمود کنند که شهید محسن فخری زاده نقشی در باروری صنعت هسته ای نداشته است و ایشان اصلا دانشمند هسته ای نبودند و در حوزه دفاعی کار می کردند، در حالی که ایشان جزو پیشکسوتان صنعت هسته ای کشور و از سالیان بسیار دور جزو موثرترین افراد در صنعت هسته ای ما بودند. دولت آقای روحانی برای دستیابی به توافق برجام، استمرار و اجرای آن خیلی از واقعیات را نادیده گرفته و از بین می برد و کتمان وجهه علمی شهید فخری زاده در عرصه هسته ای یکی از این واقعیات هاست که توسط آنها رد شد و آنها تلاش کردند به این وسیله از موضع آمریکایی ها دفاع کنند و نشان دهند که این ترور ناجوانمردانه از سوی طرف غربی یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت نگرفته و یک بحث نظامی است و ربطی به موضوع هسته ای ندارد. این را بیشتر در این فضای توان تفسیر کرد و چیز عجیبی نیست. این دولت بسیاری از دستاوردهای ما در این حوزه را به منظور جلب رضایت آمریکایی ها و تداوم مذاکرات از بین برده و خیلی از واقعیات را نادیده گرفت که ترور شهید فخری زاده هم یکی از همین مسائل بود و این گونه به خون شهید فخری زاده و زحماتی که طی سال های عمر خود در حوزه هسته ای و سایر حوزه های فناورانه کشیده

بود، خیانت کردند. ایشان دانشمند هسته ای و از جمله مدیرانی بودند که علاوه بر موضوع هسته ای در خیلی از فناوری های مهم و پیشرفته نیز فعالیت مؤثری داشتند و این که در حوزه های دیگر هم کار کرده اند دلیل موجهی برای این نیست که بگوییم فعالیتی در حوزه هسته ای نداشتند و دانشمند هسته ای نبودند.

۱۴۰۲ همان طور که بعدها منتشر شد شهید فخری زاده از سال ۸۷ در معرض ترور قرار داشتند و نتایج ترور احتمالی به این موضوع پرداخته بود. از طرف دیگر مجامع بین المللی نظیر سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه اروپا پس از این ترور ناجوانمردانه با محکومیت این اقدام شنیع، آن را مغایر اصول احترام به حقوق بشر عنوان کردند اما صهیونیست ها همچنان به حربه ترور و حذف فیزیکی متوسل می شوند و مجامع بین المللی هیچ اقدامی را برای توقف این جنایت ها انجام نمی دهند. ارزیابی شما از این سیاست دو گانه چیست؟

صهیونیست ها به هیچ وجه و در هیچ حوزه ای به اصول انسانی پایبند نیستند و اهمیتی به هیچ کدام از مصوبات و اصول سازمان های بین المللی نمی دهند. در قضیه غزه به وضوح می بینیم رژیم صهیونیستی هر کاری که دلش می خواهد، انجام می دهد و حتی بیمارستان ها را بمباران می کند و کودکان، زنان و مردم بی دفاع را که غیر نظامی هستند و زندگی معمولی خود را دارند مورد حمله قرار می دهد و آنها را به شهادت می رساند و امکانات اولیه نظیر آب، غذا و دارو را از مردم غزه دریغ کرده و آمبولانس ها را هم تخریب می کند. این چهره واقعی رژیم صهیونیستی و مدافعان آمریکا و اروپایی است. نباید گول ظاهر لیبرال دموکراسی را بخوریم، البته که باطن آنها نیز همین گونه است؛ یک تمدن وحشی که به هیچ یک از اصول انسانی پایبند و معتقد نیستند و آن را ابزاری برای اعمال فشار، زور و اتهام زدن به دیگران می دانند و قائل به هیچ چیزی نیستند. حتی برخی از مسئولان سازمان ملل هم درخصوص جنایات اخیر رژیم صهیونیستی، آمریکا و کشورهای غربی همچون انگلیس، فرانسه، آلمان و ... اعتراض کرده اند و رژیم صهیونیستی در واکنش به این اعتراضات، برخلاف آنها نظر داده و گفته اینها باید برکنار شوند و لیاقت بودن در فضای بین المللی و مسئولیت داشتن در سازمان بین المللی را ندارند. اعتقاد آنها همین است و به رغم این که برخی از سازمان های بین المللی درخصوص ترور هسته ای موضع انتقادی گرفتند اما رویه آنها تغییر نمی کند، زیرا به هیچ وجه برای این سازمان ها اعتباری قائل نیستند و هر کاری می خواهند انجام می دهند و اعتقادی به هیچ کدام از اصول انسانی ندارند و مادامی که سازمان های بین المللی از جنایت صهیونیست ها حمایت کنند، آنها را می پذیرند ولی اگر بخواهند مطابق مأموریت و نقش خود به حمایت از مردم مستضعف، افراد آسیب دیده و اعتراض به ترور دانشمندان بپردازند و کلامی در محکومیت آنها اعلام کنند، طرد می شوند. از همین رو این جنایت ها به وضوح نشان داد دولت های غربی هیچ واقعی برای مصوبات و چارچوب هایی که ظاهراً به آن اذعان دارند، قائل نیستند.

۱۴۰۲ به ادعای همزمان و دوستان شهید فخری زاده، ایشان صراحتاً اذعان داشتند برخی از مسئولان خاصه در وزارت خارجه نظام سلطه را نمی شناسد و باید در دوره دشمن شناسی شرکت کنند اما برخی سعی دارند ایشان را از موافقان برجام و هم مشی حامیان مذاکره با آمریکا جا بزنند. هدف این تحریف ها و استفاده ابزاری از امثال شهید فخری زاده چیست؟



کتمان وجهه هسته ای شهید فخری زاده در دولت روحانی خیانت به خون این شهید و خدمات فناورانه ایشان است

از نیروی قدس تحویل گرفتند و نیروی مقاومت بر اساس آن شکل گرفت به دلیل نقش بی بدیل شهید سلیمانی بود که توانست این اتفاق بسیار بزرگ و راهبردی را رقم بزند. همین نقش را شهید فخری زاده در فناوری ایفا کرد. ایشان هم بسیاری از فناوری‌ها از جمله هسته‌ای را که امروز مورد نیاز کشور است از صفر شروع کردند و ما توانی در این حوزه نداشتیم؛ طرف‌های غربی هم حاضر به کمک نبودند. به رغم همه این محدودیت‌ها، ایشان توانست این اقدام بزرگ را راهبری کرده و توسعه دهد. شهید بزرگوار محسن فخری زاده با موانع زیادی روبه‌رو بودند و با محدودیت‌های قابل توجهی در حوزه مالی، نیروی انسانی داخلی و خارجی دست و پنجه نرم کردند تا این عرصه را در فضای تحریمی گسترش دهند. امروزه فناوری‌های بسیار بزرگی را در حوزه سپاه قدس و جبهه مقاومت به کار می‌گیریم و بسیاری از آنها در این عرصه تولید شده و توانمندی تولید بسیاری از سلاح‌های پیشرفته در جبهه مقاومت وجود دارد. دستیابی به این توان و اقتدار، قدرتی است که شهید سلیمانی به آنها داده است. شهید سلیمانی در حوزه فناوری به شهید فخری زاده نزدیک و همسنگر ایشان بود. هر دوی این بزرگواران به چارچوب‌های تمدن بین‌المللی اسلام و تمدن ایرانی-اسلامی که مقام معظم رهبری آن را ترسیم کردند و نقشه راه آینده انقلاب اسلامی است به طور کامل اعتقاد داشتند و به آن وفادار بودند و همه هست و نیست خود را در راستای تحقق این آرمان گذاشتند و به نتایج و دستاوردهای بسیار بزرگی هم در این راه رسیدند و ما به دستاوردهای عظیمی در هر دو حوزه دست پیدا کردیم. اخلاص، مجاهدت مستمر و ثبات قدم در تحقق آرمان‌ها از دیگر وجوه مشترک این دو چهره ملی کشورمان است که به مدد آن لیاقت و شایستگی شهادت در راه خدا را به دست آوردند.

آرزیابی حضرتعالی از پیامدهای ترور دانشمندان هسته‌ای از جمله شهید فخری زاده چیست؟

دشمن عملانی تواند با ترورهایی که انجام داده یا احیاناً ممکن است انجام دهد خللی در عزم و اراده جوانان ما ایجاد کند. قطعاً این اقدامات خصمانه در افزایش پایداری و استقامت مدبران و بزرگانی که در سنگرهای مختلف رهبری و پیشروی این صنعت را عهده‌دار هستند، اثرگذار است. به نظر من آنچه اتفاق می‌افتد نهایتاً انگیزه، عشق، علاقه و همت بیشتر جوانان ماست که جای افراد بزرگی مثل شهدای هسته‌ای را پر می‌کنند و از همین رو حوزه دفاعی، امنیتی، هسته‌ای و فناوری‌های دیگر ما همچنان قدرتمندانه به پیش می‌رود و شاهدیم که جبهه مقاومت قوی‌تر از گذشته ادامه حیات می‌دهد. عملاً آنچه دشمنان انجام می‌دهند یک تلاش مذبوحانه است و به خیال خام خود آسیبی به این عرصه‌ها می‌زنند که خوشبختانه نتایجی معکوس دارد. پیامد این اتفاقات این است که مردم ضمن آشنایی با قهرمانان ملی و چهره‌های درخشان کشور از اهداف و نیات پلید دشمن نیز آگاه می‌شوند. در همین نبرد طوفان الاقصی چهره کریه دشمن صهیونیستی بیش از گذشته برای همه مردم دنیا آشکار شد و کل دنیا سبوعیت، وحشیگری و بی‌منطق بودن صهیونیست‌ها را به عینه مشاهده کردند. این ترورها هم دشمن را رسوا می‌کند و علاوه بر آن عزم و اراده صادقانه مردم، جوانان و مسئولان را برای پیگیری آرمان‌های مقدس جمهوری اسلامی بیشتر می‌کند و سرعت ما را در رسیدن به اهداف عالی ملی افزایش می‌دهد.

شهید فخری زاده انسانی بود که در حوزه‌ها و ابعاد بسیار گسترده‌ای فعالیت می‌کرد؛ از حوزه‌های نظری و مباحث فلسفی و ادبیات گرفته تا بحث فناوری‌های نوظهور، فناوری‌های تک و... دامنه فعالیت این دانشمند شهید بسیار گسترده بود و ما از بسیاری از این کارها بی‌خبر هستیم و ممکن است سال‌ها بگذرد تا بتوان از ابعاد وجودی ایشان به صراحت و به راحتی سخن گفت. بنابراین فکر می‌کنم بخشی از این موضوعات به دلیل وجود ذوابعد و نقش‌های گسترده ایشان است. جاهایی ممکن است قدری زمان ببرد تا خلأ وجودی ایشان پر شود یا آن فعالیت ادامه پیدا کند. در برخی جاها نیز احتمال این که کوتاهی رخ داده باشد، وجود دارد ولی به هر حال این اتفاق افتاد و فکر می‌کنم کارها و برنامه‌های خیلی از حوزه‌هایی که ایشان فعالیت داشتند، رو به رشد است و اقدامات با عدم حضور ایشان متوقف نشده است. به برکت خون این شهید، کار قوی‌تر هم پیش می‌رود. در بحث فلسفه که بیان کردید، امیدواریم دوستان و همسنگران ایشان در این حوزه کمی جدیت بیشتری به خرج دهند و این بحث را دنبال کنند.

شهید فخری زاده را قاسم سلیمانی عرصه هسته‌ای می‌نامند. به نظر تان چه وجوه مشترکی بین این دو شخصیت سرافراز و مخلص وجود دارد که هر دوی آنها نیز مورد هدف ترور دشمنان قسم خورده ایران قرار گرفتند؟

ویژگی مشترک شهید سلیمانی و شهید فخری زاده قاعدتاً بیشتر از چند مورد است ولی اگر بخواهیم چند تا از مهم‌ترین ویژگی‌ها را ذکر کنیم هر دو بزرگوار از عزم، اراده و ایمان راسخی برخوردار بودند و کارهای ناممکن بزرگی را ممکن کردند. شهید فخری زاده در حوزه فناوری بسیاری از مرزهای این حوزه را درنوردید و فضاهای جدید و نوینی را پیش روی کشور قرار داد تا حدی که امروزه صاحب توانمندی‌های بسیاری در عرصه فناوری هستیم. شهید سلیمانی نظیر همین توفیقات را در فضای جبهه مقاومت و فضای بین‌المللی کشور ایجاد کرد. ما حاصل زحمت آن شهید بزرگوار این است که امروز جبهه مقاومت را داریم و فضای بین‌المللی و قدرت راهبردی کشورمان توسعه یافته است. هر دو نقش بسیار مهم و کلیدی در حوزه توسعه، گسترش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های راهبردی کشور داشتند. هر یک در حوزه فعالیت خود به شکل تخصصی کار کردند. ویژگی بارز دیگر این است که هر دو از صفر شروع کردند؛ یعنی آنچه شهید سلیمانی

از جمله اقدامات عجیب دولتمردان دولت تدبیر و امید اظهار نظر آنها در خصوص نقش شهید فخری زاده بود؛ آنها در صدد بودند این گونه وانمود کنند که شهید محسن فخری زاده نقشی در باروری صنعت هسته‌ای نداشته است

مردی که غربی‌ها از او به عنوان «اوپنهایمر ایرانی» یاد می‌کنند

جعبه سیاه صنعت هسته‌ای

ترور فخری زاده نشان داد که غربی‌ها

با استانداردهای دو گانه کمر به قتل علوم و استقلال ملت‌ها بسته‌اند

۴ | حرکت پویای شهید فخری زاده چه ویژگی‌هایی

داشت که در نهایت منتهی به حضور ایشان در

قله‌های علم و جهاد شد؟

ایشان به عنوان یک فیزیکدان فرهیخته و فردی که در حوزه فلسفه علم صاحب نظر بود، انسان خوش فکر و خوبی بود و با توجه به شناختی که از ایشان داشتیم، روشن بود این فرد روزی شگفتی‌ساز خواهد شد. ایشان به دنبال مدیریت جهادی برای حضور کشور در قله‌های علمی، رفع عقب ماندگی در زمینه علم و تبدیل آن به فناوری بودند. ثمرات کار ایشان در حوزه‌هایی مانند داروپزشکی، صنعت هسته‌ای، واکسن سازی و مبارزه با کرونا مشهود است. ایشان اعتقاد ویژه‌ای به رفع نقص از حوزه‌های مورد نیاز کشور داشتند و تحقیقات این شهید همواره در راستای رفع نیاز مردم و جامعه بود. به عنوان مثال در زمینه رادیو داروها و پزشکی هسته‌ای ایشان از دل و جان مایه گذاشتند. فخری زاده الگوی جهادی یک دانشمند طراز ایران اسلامی با ویژگی‌هایی نظیر ولایت پذیری، ایمان قوی، عرق ملی و توجه به آینده و نیازهای کشور به شمار می‌رود. در سیره ذاتی شهید شاهد حرکت براساس نقشه راهی هستیم که رهبر معظم انقلاب بر آن تاکید می‌کنند و می‌توان اساس آن را هدف گذاری استقلال و رشد مستمر برای «ایران قوی» دانست.

آغاز حرکت شهید فخری زاده از دل مجموعه دانشی و پژوهشی سپاه پاسداران با هدف تقویت زیرساخت‌های پدافند غیرعامل در کشور بود و در ادامه ایشان وارد کلان پروژه‌های پویاسازی صنعت هسته‌ای و در نهایت چابک سازی علوم و فنون به نفع مردم شدند و در آخرین پروژه‌های خود ساخت کیت‌ها و واکسن و ویروس کرونا را دنبال کردند. چرا غربی‌ها با استانداردهای دو گانه یک مرتبه ایشان را در فهرست ۵۰۰ شخصیت مهم جهان معرفی می‌کنند و همزمان با برجسته سازی توانایی‌های علمی این شهید، اطلاعات و هدف گذاری برای ترور هوشمند این فرد برجسته جمع آوری می‌کنند؟ و در



بعد از ظهر ۷ آذر ۱۳۹۹ بود که صدای شلیک ممتد و یک انفجار مهیب منطقه آبسرد دماوند را تکان داد. دقایقی بعد، رسانه‌ها خبر ترور حاج محسن فخری زاده را منتشر کردند. فخری زاده استاد فیزیک، دانشمند فرهیخته و یکی از شخصیت‌های اثرگذار علم و فناوری کشور بود و گرچه توده مردم با نام او آشنایی نداشتند اما در محافل غربی او را از جزء یکی از ۵۰۰ شخصیت اثرگذار جهان نامیدند و رژیم غاصب صهیونیستی نیز در گزارش‌های ایران هراسی خود به نقش سازنده او در صنایع دفاع و توسعه علوم و فنون دفاعی ایران اشاره مکرر داشت. تلاش‌های مستمر آژانس انرژی اتمی برای گفت‌وگو با محسن فخری زاده و نقش این نهاد بین‌المللی در افشای اطلاعات شخصی از جمله محل سکونت و محل کار وی از یک سو و سرمقاله ژوئن ۲۰۱۶ نیویورک تایمز درباره او بیانگر انگیزه غرب و رژیم صهیونیستی برای ترور این عنصر مهم به شمار می‌رود. مثلاً نیویورک تایمز در تلاش برای تکمیل دروغ پردازی پیرامون توانمندی دفاعی کشورمان، محسن فخری زاده را نزدیک‌ترین فرد ایران به شخصیت و توانمندی جی.رابرت اوپنهایمر که پروژه منهدمکن را برای تولید اولین سلاح هسته‌ای جهان هدایت کرده است، دانست و نوشت: «فخری زاده عضو غیرحاضر اما اثرگذار مذاکرات هسته‌ای ایران است، زیرا او قله‌های علم و فناوری ایران را فتح کرده است.» جهاد علمی بارزترین ویژگی محسن فخری زاده از سوی رهبر معظم انقلاب بود که در پیام تسلیت این دانشمند شهید ذکر شده بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «این عنصر علمی کم‌نظیر جان عزیز و گرانمایه‌اش را به خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا مبدول داشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست.» در گفت‌وگو با دکتر محمد رضا حسینی آهنگر، رئیس دانشگاه جامع امام حسین (ع) به بررسی زوایای مختلف شهید محسن فخری زاده پرداختیم که مشروح آن در ادامه از نظرتان می‌گذرد.



در حفاظت از دانشمندان فعال و قوی عمل می‌کنند و البته چیزی که همواره باید به آن تاکید کرد، عنصر «دقت» است که در اوج دقت بازم باید روی بالا بردن حساسیت و دقت نسبت به پرونده‌های امنیتی و حفاظتی کار کنیم. دکتر فریدون عباسی که هم‌دوره شهید فخری‌زاده بود، در بیان خاطراتی می‌گوید: «از سال ۸۸ بحث احتمال ترور ایشان مطرح بود. در سال ۸۷ من و آقای فخری‌زاده و یک نفر دیگر را که در اصفهان فعال بود، خواستند ترور کنند. اولویت‌شان البته آقای فخری‌زاده بود. از همان زمان نیروهای حفاظت و امنیت، ایشان را محافظت می‌کردند. تا این حد که خانه‌اش را عوض کردند و حتی من که با همه رفت و آمد خانوادگی که داشتم تا زمانی که شهید شد، نمی‌دانستم خانه‌اش کجاست. ایشان ۱۲ سال تحت‌الحفظ بود و محافظ داشت. می‌توان گفت که همین حفاظت‌ها بود که توانست ترورش را به تأخیر بیندازد. سال ۸۷ تیمی آمده بود که ایشان را بزند. نیروهای امنیتی آن تیم را کشف و عملیات ترور را خنثی کردند.» حتی درخصوص تلاش موساد برای به‌شهادت رساندن این شهید بزرگوار از همان زمان بحث مشارکتی بودن الگوی حذف این عالم برجسته مطرح بوده است. دکتر عباسی در ادامه خاطرات‌شان در پاسخ به این‌که آیا موساد به دنبال حذف حاج محسن بوده، می‌گوید: «یک تیم ترکیبی بود. جمع‌آوری اطلاعات بیشتر به وسیله منافقین و نیروهای ضدانقلابی از داخل کشور انجام شده بود. mi6 انگلستان هم خیلی فعال بود و نقش اساسی در شناسایی دانشمندان هسته‌ای داشت و حتی مستقیم نقش خودش را نشان می‌داد. هم سیا، هم موساد و هم گروه‌های ضدانقلاب که در داخل فعالیت می‌کنند در شناسایی افراد، تشخیص دفاترشان، اسناد و اموال موجود در دفتر، میزشان کجاست، کامپیوترشان در کدام قسمت است و چه پروژه‌هایی دارند، در چه کلاس‌هایی درس می‌دهند و تخصص آنها چیست، همکاری می‌کردند.» منظور از این‌که Mİ۶ در پرونده شناسایی و حذف دانشمندان ما خودنمایی می‌کند این است که مأمورش می‌آمد و می‌گفت من از mi6 آمده‌ام و می‌خواهم با شما صحبت کنم. یعنی به محل اقامت یک متخصص یا بازرگان ایرانی در خارج کشور می‌رفتند و درباره کسانی که سوژه ترور بودند، رسماً سؤال می‌پرسیدند. دکتر عباسی با اشاره به این‌که ایشان و شهید فخری‌زاده به سفرهای خارجی نمی‌رفتند، تاکید می‌کند که: «نام من و آقای فخری‌زاده از اسفند ۸۵ در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل مطرح شد و ما و چند نفر دیگر براساس آن قطعنامه تحریم شدیم. همان زمان به ما می‌گفتند که ترور خواهید شد. برای ما معلوم بود که مبارزه و رشد و اعتلای جمهوری اسلامی ایران بهایی دارد که باید بپردازیم.» آقای فخری‌زاده چون مقاله نمی‌داد و عکسی هم از ایشان منتشر نمی‌شد برای‌شان حکم یک جعبه سیاه داشت.

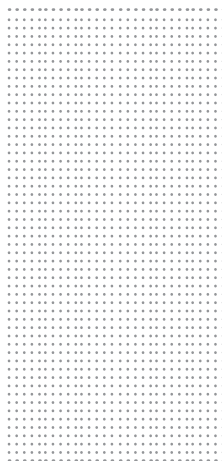
۱۹ چرا ترور شهید فخری‌زاده در آن مقطع زمانی که کشور در شرایط مذاکراتی و تحولات داخلی قرار داشت، رخ داد؟

اسم تشکیلاتی که این اواخر دست آقای فخری‌زاده بوده است، سازمان پژوهش‌ها و نوآوری دفاعی یا پژوهش‌های نوین دفاعی بود. شهید فخری‌زاده این سیستم را ایجاد کرده بود و مسأله‌اش هم فقط دفاع از کشور خودمان نبود. زیرا کشور ما پشتیبان جبهه مقاومت است و وقتی شما وارد این مسائل شوید، صهیونیست‌ها حساس می‌شوند. دشمن تشخیص داد که آقای فخری‌زاده شاخصه‌ای دارد که باید حذف فیزیکی شود. دنبال دیگران هم هستند و هر وقت دست‌شان برسد و اولویت پیدا کنند، نفرات ما را حذف می‌کنند. شهید فخری‌زاده عقیده‌ای داشت که معلوم بود چه کار می‌کند. وقتی دشمن آقای فخری‌زاده را با فضا سازی‌های داخلی و خارجی نتوانست کنار بگذارد، برنامه ترور را در دستور کار قرار داد.

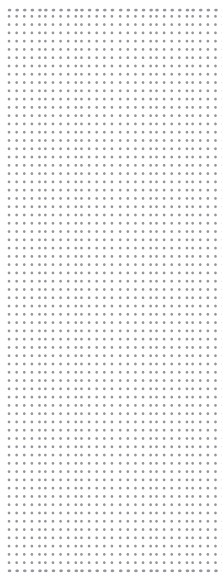
این بین نقش منفی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جریان‌های نفوذی غیر قابل اغماض است. جهاد علمی دارای یک نقشه راه مدیریت دانش و مدیریت مراکز علمی و عملاسند حکمرانی علمی است و به شما این توانمندی را می‌دهد که بتوانید به‌عنوان یک بازیگر مستقل در عرصه فناوری جهانی ایفای نقش کنید. جهاد علمی تعاریف رایج نظام سلطه از علم و فناوری را کنار می‌زند و با همت شهیدایی مثل شهید فخری‌زاده ما شاهد استقلال مدیریت علمی کشور از آن سازمان و ساختاری هستیم که نظام سلطه به دنبال آن است، هرکسی که بخواهد علم را در مسیر رشد ملت‌ها، حل مشکلات مردم و بویاسازی جهان اسلام و استقلال به‌کارگیری کند در لیست ترور سرویس‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرد، از همین رو صهیونیسم بین‌الملل با هدف جلوگیری از حرکت استقلال طلبانه شهید فخری‌زاده، ایشان را در لیست ترور قرار داده بود. صهیونیست‌ها برای کنترل بر جوامع، ابزارهای مختلف علم‌سنجی و نظارت را به‌کار گرفته‌اند و به نظر می‌رسد اغلب سازمان‌های بین‌المللی در پوشش‌های مختلف مجلات، کنفرانس‌ها و جلسات و دانشگاه‌ها به دنبال علم‌سنجی و ایجاد چتر بر داشته‌های ملت‌ها به نفع نظام سلطه هستند. در پرونده حمله ارتش تروریستی آمریکا به کشور عراق شاهد این بودیم که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان بازوی آمریکایی‌ها بدل به جاده صاف‌کن تروریسم شد. آژانس به آمریکایی‌ها این اطمینان را داد که دولت صدام به بمب اتمی دسترسی ندارد و هیچ خطری برای آنها ندارد به همین دلیل یانکی‌ها به سرزمین عراق یورش بردند و هزاران انسان بی‌گناه را به شهادت رسانده و دست آخر از دل فعالیت‌های مخرب آنها جریان‌های تکفیری مثل «داعش» به وجود آمد. اگر کسی بخواهد علیه آمریکایی‌ها اقدامی کند و حرکت مستقلی برای رشد ملت‌ها و رفع نیازهای بشری کلید بزند از سوی شبکه صهیونیسم محکوم به حذف و ترور خواهد بود و شهید فخری‌زاده نیز در همین پازل به شهادت رسید.

۱۹ به نظر می‌رسد گاهی درخصوص حفظ و نگهداری شخصیت‌های اثرگذار کشور مانند دانشمندان دچار غفلت هستیم. این مسأله چقدر درست است؟ و نکته دیگر آن که حلقه مفقوده حفاظت از شخصیت‌ها کدام است؟

درخصوص ترور شهید فخری‌زاده آن چیزی که غیر قابل اغماض است، نقش آفرینی قوی نیروهای حفاظتی در تامین امنیت ایشان بود. همه سازمان‌های امنیتی



جهاد علمی دارای یک نقشه راه مدیریت دانش و مدیریت مراکز علمی و عملاسند حکمرانی علمی است و به شما این توانمندی را می‌دهد که بتوانید به‌عنوان یک بازیگر مستقل در عرصه فناوری جهانی ایفای نقش کنید



ناگفته‌های یکی از هم‌زمان شهید فخری‌زاده در گفت‌وگو با «جام‌جم»

دانشمندی که مرعوب غرب نبود



خطاهای آقای روحانی در مقوله برجام دوباره به ما یادآوری کرد که اعتماد به آمریکا تا چه حد خسارت‌بار است و ملت باید از این تجربه عبرت بگیرد تا دوباره در این دام نیفتد. موضوعی که به گواه دوستان و همکاران دانشمند هسته‌ای، شهید فخری‌زاده نیز با توجه به سوابق سیاه کشورهای غربی نسبت به این موضوع خوشبین نبوده و جوانان آینده‌ساز کشور را توصیه می‌کردند که مرعوب غرب نشده و به طرف غربی اعتماد نکنند. اعلان خطری که با گذر زمان متوجه حقانیت آن شدیم. بنا بر سخنان آقای (م. اصولی) از هم‌زمان شهید فخری‌زاده، استکبارستیزی جزو مسائلی بود که ایشان مکرراً آن را بیان می‌کردند و عدم اعتماد به غرب را تا حوزه علم و فناوری هم کشیده و معتقد بودند که خودمان باید سراغ علم برویم و به ارائه‌های غرب قانع نشویم و به آنها اعتماد نکنیم و کتاب طبیعت را خودمان از نو بخوانیم.

«هرملتی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند.» این جمله یکی از صدها دفعه‌ای است که مقام معظم رهبری درخصوص اعتماد به دولت‌های آمریکایی و اروپایی هشدار دادند و دولت‌ها و متعاقباً مردم را از سرانجام این مسئله آگاه کردند. البته ملت ایران حداقل در دونوبت هزینه گزافی را برای این اعتماد پرداخته است؛ نخستین بار اعتماد مضدق به دولت استکباری آمریکا بود که کودتای ۲۸ مرداد و وقایع پس از آن را به کشورمان تحمیل کرد و بار دوم نیز در قضیه برجام بود که در تله اعتماد به دیپلمات‌های آمریکایی افتادیم و در کلام هشت سال اما در عمل خسارت زیادی به کشورمان وارد شد که توقف صنعت هسته‌ای کشور یکی از این ضررها بود. مسئولان دولت تدبیر و امید امضای کری، وزیر خارجه آمریکا را تضمین دانسته و امورات مملکت را به برجام گره زدند. اگر بخواهیم خوشبینانه هم به این موضوع نگاه کنیم



باشد. من در جلسه‌ای گله کردم و گفتم چرا این طور است و کارها پیش نمی‌رود. ایشان شعر «تیرانداز و گنج» مولوی را که دو بیت از آن به این شرح است را در پاسخ به شکوه من خواندند: آنچه حقست اقرب از حبل الوريد/ تو فکنده تیر فکرت را بعید/ ای کمان و تیرها بر ساخته/ صید نزدیک و تو دور انداخته» شعر را خواندند و گفتند داستان مشهوری است که یک نفر را گفتند اینجا گنج است پس تیر را در کمان بگذار و ببیند از هر جا که تیر افتاد، گنج آنجاست. این بنده خدا تیر را در دورترین جایی که می‌شد، انداخت و آنجا را کند اما گنجی نبود. همه جا را کند و بعد ندا آمد که ما گفتم تیر را در کمان بگذار نه این که تا آخر بکش! تیر را رها کن، تیر زیر پایت می‌افتد و گنج همان جا در زیر پای شماست. آنجا به من گفتند یکی از اشتباهات شما این است که خیلی محاسبه می‌کنید و فکر می‌کنید که امور دست من و شماست اما همه این امور دست خداوند است و ما بازگرانی با نقشی اندک هستیم، طراحی اصلی دست خداست. اشتباه شما این است که حساب و کتاب می‌کنید این تیر کجا می‌افتد و باید کجا را بکنم در حالی که کار را باید به خدا سپرد. این سپردن امور به خداوند در زندگی شهید فخری زاده کاملاً مشهود بود و با حساب و کتاب سخت می‌شد وضعیتی را که ایشان داشتند، تحمل کرد. یک زمانی در جلسه به صندلی رئیس که روی آن نشسته بودند، اشاره کرده و گفتند: من هیچ علاقه‌ای به این صندلی ندارم و حساب و کتابی روی آن نکرده‌ام. امروز اینجا هستم و ممکن است فردا نباشم. من به شوخی گفتم اگر حساب نکردید شما جای من بنشینید و من جای شما بنشینم. واقعا بلند شدند و گفتند قبول است و من اصلاً نمی‌خواهم اینجا بنشینم. بعد من گفتم به خاطر خودتان که نه اما این صندلی را به خاطر ما محکم بگیرید اما واقعا منش شان همین طور بود و اعتقاد داشتند امروز که اینجا هستیم، معلوم است اینجا جای من است و فردا معلوم نیست.

❧ دقت و وقت شناسی

دقت و وقت شناسی ایشان یکی دیگر از این ویژگی‌هاست و ایشان می‌گفتند فلان ساعت حضور دارند، بنابراین بر اساس زمان بندی‌ای که داشتیم به موقع حضور پیدا می‌کردند اما مهمانان غالباً طبق روال موجود در جامعه و بیرون از سازمان با تاخیر می‌آمدند و اگر این قرار توسط من تنظیم شده بود واقعا خجالت می‌کشیدم و فضا برایم سنگین می‌شد که شهید فخری زاده سر وقت حاضر بودند اما مهمان‌ها هنوز نیامده‌اند.

از جهت راستگویی و درستگویی هم رفتارشان مثال زدنی بود و تقریباً هیچ جایی را قبول نمی‌دادند مگر این که در برنامه ایشان باشد. وقتی امکان حضور و هماهنگی نداشتند، صراحتاً می‌گفتند نیستیم. برخی این منش را دارند که ابتدا قبول می‌کنند اما بعداً برای حضور مشکل دارند اما شهید فخری زاده وقتی می‌گفتند هستیم، حتماً بودند و برنامه خود را بر این اساس تنظیم می‌کردند، مگر این که کار مهمی پیش بیاید. حتی از یک ماه پیش می‌گفتند فلان روز تهران نیستیم یا فلان روز جلسه داریم.

❧ انس با ادبیات

انس ایشان با ادبیات هم واقعا نمونه بود. چندین جا در دیدارهای نوروزی از اشعار امام (ره)، حافظ، سعدی، مولانا و... می‌خواندند. چند

یکی از خصوصیات بارز شهید فخری زاده میانه روی بود و ایشان در حوزه‌های کاری و عرصه‌های علم و فناوری به آن ملتزم بودند. شهید فخری زاده مرعوب علم غرب نبود و در آن غرق نمی‌شد اما ابایی هم نداشت که از منابع علمی غربی استفاده کند. شیوه معمولش این بود که استفاده کنیم اما مرعوب نباشیم. نوآور بودن یکی دیگر از ویژگی‌های این شهید بود و کلیدواژه نوآوری در منش شخصی و سازمان تحت مدیریتش متبلور بود. نوآور بودن در ارائه مباحث مرتبط با فناوری، موضوعات فکری و مباحث فلسفی از خصوصیات شهید فخری زاده بود. از دیگر ویژگی‌های این شهید بزرگوار تواضع ایشان بود. همه افرادی که در فرآیند کاری یا محافل علمی و... با ایشان در ارتباط بودند به این مشخصه شهید فخری زاده اذعان می‌کردند و دکتر گلشنی از اساتید برجسته حوزه فیزیک در مصاحبه‌های خود چند بار به این مسئله اشاره و بیان کرده‌اند که دکتر فخری زاده، فردی متواضع و دغدغه مند بود. سطح حفاظتی که از ایشان صورت می‌گرفت برای کسانی که در جلسات شرکت می‌کردند، بیان کننده جایگاه و منصب مهم ایشان بود اما شهید فخری زاده به شکل فرد عادی وارد بحث‌های اندیشه ورزانه و مباحث کاری می‌شدند و این مولفه یکی دیگر از ویژگی‌های بارز ایشان بود. از دیگر خصوصیات منحصر به فرد این دانشمند شهید می‌توان به خویشتنداری و ظرفیت بالای ایشان اشاره کرد تا حدی که به ندرت پیش می‌آمد که شهید فخری زاده در مباحث کاری عصبانی شود یا از کوره در برود. در محافل مختلف پیش آمده بود که افرادی ناآشنا با ایشان در مجموعه حرف‌های ناراحت کننده‌ای را بیان می‌کردند ولی ایشان حوادث و پیشامدها را متواضعانه و خویشتندارانه مدیریت می‌کرد.

❧ استراتژی شهید محسن

تهجد و نیایش صبحگاهی از دیگر خصلت‌های شهید فخری زاده بود. از افراد موثق شنیده بودیم که او روزانه از اذان صبح به مدت یک ساعت یا بیشتر به شکل متعارف نماز و دعا می‌خواند و با خواندن اشعار عرفانی مولوی و حافظ مشغول راز و نیاز بود. فقط بحث نماز و دعای صبحگاهی یا نمازهای متعارف نبود و ایشان در تنظیم زندگی و کار خود ارتباط وثیقی با خدا داشتند و توکل به خدا و سپردن امور به پروردگار یکی از استراتژی‌های ایشان بود، نه این که به صورت تشریفاتی و سطحی



**سپردن امور به خداوند
در زندگی شهید
فخری زاده کاملاً مشهود
بود همیشه می‌گفت
اشتباه شما این است که
حساب و کتاب می‌کنید
در حالی که باید کار را به
خدا سپرد**

سالی بود که محافل شعر راه افتاده بود و ایشان در دو محفل «نامه اربعین» و «سوگواره اربعین» با شعرا حشر و نشر داشتند و سخنانی را نیز در مجامع ادبی مطرح می‌کردند. در دیدارهای نوروزی هم به تشریح و تفسیر اشعار می‌پرداختند. به یاد دارم که در یک جلسه دیدگاه‌های شعرا نسبت به نوروز را دسته‌بندی کرده و به این موضوع اشاره داشتند که برخی از شاعران نوروز را به معنای دنیوی نگاه می‌کنند و برخی با دید عرفانی به بحث و بررسی نوروز پرداخته‌اند. من این دسته‌بندی را نوشتم و موجود است. دقت و موشکافی عمیقی درباره ردیف‌ها و دستگاه‌های موسیقی داشتند و از ارتباط آنها با شعر صحبت می‌کردند. در یکی از جلسات که به مناسبت روز زن برگزار شده بود و شهید فخری زاده، همسر ایشان و مجموعه‌ای از خانم‌ها حضور داشتند از من دعوت کردند تا شعری را در وصف حضرت صدیقه طاهره (س) بخوانم. این شعر من یک قصیده مسمط بود. آنهایی که اهل فن هستند، می‌دانند که اول قصیده قسمتی دارد که به آن بهاربه می‌گویند که آن را در وصف پاییز نوشته بودم و بعید می‌دانستم کسی در آن جمع به این موضوعات تسلط داشته باشد اما بعد از این که شعر را خواندم شهید فخری زاده همه اینها را تحلیل کرده و گفتند بهاربه را می‌توان در وصف پاییز هم گفت ولی اگر این طور می‌گفتید، بهتر می‌شد. فکر می‌کردم حساب و کتاب کرده‌ام و کسی متوجه نمی‌شود اما ایشان با تحلیل دقیق شان نشان دادند که بر این حوزه تسلط دارند.

توجه به خانواده

اهمیت به خانواده از دغدغه‌های مهم شهید فخری زاده بود. ما محافلی داشتیم که معمولا از ساعت ۳ تا ۵ تشکیل می‌شد و برخی مواقع به دلیل سؤال و جواب و بحث طول می‌کشید. تنها چیزی که باعث می‌شد بحث را قطع کنند، رفتن به منزل بود و می‌گفتند من به خانواده قول دادم ساعت ۶ خانه باشم، وگرنه هیچ مسأله کاری یا موضوع دیگری نمی‌توانست این جلسات را تحت الشعاع قرار دهد. خانواده دوستی و تعهد به خانواده از ویژگی‌های بارز ایشان بود و خیلی به فرزندان شان ابراز محبت می‌کردند و این امر صوری و تشریفاتی نبود بلکه عمیق و همراه با هدایت بود. درباره تعهد به خانواده از

منابع موثق شنیده‌ام که به‌رغم مشکلات زیادی که در حوزه‌های روزمره پیش می‌آمد اما همواره نسبت به رفع و رجوع مباحث خانوادگی حساس بودند و این مسأله در خصوص کارهایی که در این حوزه انجام داده‌اند، مشخص است.

سعه صدر بالا

سعه صدر ایشان نیز واقعا کم‌نظیر بود. ممکن است فکر کنید این یک ویژگی وراثتی است اما وراثت نمی‌تواند این قدر دوام داشته باشد. ارتباط مستمر ایشان با خدا و عرفان عمیق شهید فخری زاده به حفظ این ویژگی ممتاز کمک می‌کرد. نحوه برخورد شهید فخری زاده با نقدهایی که در جلسات به ایشان می‌شد، حکایت از سعه صدر والای ایشان داشت؛ نقدهایی که در بحث‌های فکری و فلسفی می‌شد و بعضا بی‌ادبانه و گزنده بود اما به کرات دیدم که ایشان با سعه صدر، تحمل و اظهار به این که در جایی اشتباه کردند، با این انتقادات برخورد می‌کردند. مثلا به ایشان اشکال می‌گرفتند مطلبی که خواندید از فلانی است و شهید فخری زاده پاسخ می‌دادند درباره اش تحقیق می‌کنم و اگر اشتباه بود، جلسه بعد می‌گفتند حرف من در این مورد اشتباه بود و آقای فلانی درست گفتند و بلافاصله مطلب را تصحیح می‌کردند. این بخشی از سعه صدر، روابط مدیریتی و اجرایی ایشان بود اما همان طور که مستحضرد انتقادپذیری کار آسان و همه‌گیری نیست و همه به راحتی نمی‌توانند انتقادپذیر باشند اما ایشان در حوزه‌های فکری، فلسفی و اندیشه‌ای بسیار انتقادپذیر بودند.

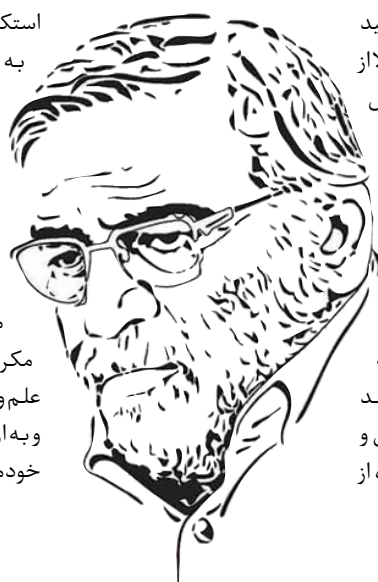
ارادت به امام و تبعیت از آقا

در محافلی که برگزار می‌کردیم و بحث‌هایی که داشتیم، دو مورد را به کرات تاکید می‌کردند اولی ارادت به امام راحل و دیگری مربوط به تبعیت از حضرت آقا می‌شد. بارها تکرار می‌کردند که اگر حضرت امام (ره) آن دنیا جلوی مرا بگیرند، چه جوابی دارم؟ در بحث‌های فکری و فلسفی هم به همین منوال بود و اشاره می‌کردند که این مطلب را حضرت آقا بیان کردند یا این که حضرت آقا فرمودند که ایران مهد فلسفه است و همه این مباحث ضبط و ثبت شده است.

استکبارستیزی یکی دیگر از ویژگی‌های شهید فخری زاده بود. عدم اعتماد به غرب اساس این تفکر بود. با وجود این که احساس می‌شد ایشان در بحث‌های فکری بنا به آنچه در عرف آمده نگاه روشنفکرانه‌ای دارند ولی به کرات به مسأله عدم اعتماد به غرب و توافقات با غرب می‌پرداختند و بی‌اعتمادی خود را صراحتا ابراز می‌کردند و دیدیم که پیش‌بینی ایشان عملا محقق شد در صورتی که بعضی افراد بسیار خوشبین بودند که اعتماد به طرف غربی کمک می‌کند تا به نتایج بهتری برسیم اما مشخص شد که نباید به غرب اعتماد کنیم. موضوع عدم اعتماد به غرب و استکبارستیزی جزو مسائلی بود که مکررا آن را بیان می‌کردند. شهید فخری زاده عدم اعتماد به غرب را تا حوزه علم و فناوری هم کشیده و معتقد بودند که خودمان باید سراغ علم برویم و به ارائه‌های غرب قانع نشویم و به آنها اعتماد نکنیم و کتاب طبیعت را خودمان از نو بخوانیم.



نحوه برخورد شهید فخری زاده با نقدهایی که در جلسات به ایشان می‌شد، حکایت از سعه صدر والای ایشان داشت؛ نقدهایی که در بحث‌های فکری و فلسفی می‌شد و بعضا بی‌ادبانه و گزنده بود



عشق به شهادت

عشق به شهادت واقعا در ایشان متبلور بود و توجه به این موضوع در صحبت های ایشان نیز وجود دارد که معتقد بودند بهترین راهی که باید از این دنیا برویم، شهادت است و غیر از این راهی نیست. شهید فخری زاده این موضوع را در عمل پیاده می کردند. تبعیت از این روش مصداق حدیثی از امام علی (ع) است که فرمودند: برای دنیا طوری کار کنید که انگار تا ابد زنده هستید و برای آخرت طوری کار کنید که گویی روز آخرتان است. به نظر من شهید فخری زاده مصداق اتم این حدیث بودند، زیرا ضمن این که مسئولیت ها و تعهدات دنیوی را جدی می گرفتند و با جدیت مشغول کار بودند با شناختی که از ایشان داشتیم دبستگی خاصی به دنیا نداشتند و به واقع دیدیم که هر لحظه آماده شهادت بودند.

برخی خاطره ها درباره محافلی است که اغلب آن را مدیریت می کردم تا مدعوین حاضر در محافل در چارچوب صحبت کنند اما ایشان می گفتند اجازه دهید ملت حرف شان را بیان کنند و هر چیزی که مدنظرشان است را بگویند. در آخرین محفلی که اواخر مهر ۹۹ درباره فلسفه داشتیم و موضوعی با عنوان هستی شناسی ماده را به بحث و بررسی گذاشته بودیم به من گفتند اگر من هم نبودم این محافل را در اتاق من برگزار کنید و من بعدا فایل جلسه را گوش می کنم. اما در واقع آخرین محفل بود، چون یکی دو هفته که جلسه تشکیل نشد و بعد از آن هم مسافرت رفتند و شهید شدند.

اتفاق شهید فخری زاده پر از گل و گیاه بود تا این حد که وقتی پشت میز می نشستیم برگ گل ها به چشم مان می رفت. من شخصا علاقه ای به گل و گیاه نداشتم اما بعد از جلسات به کسانی که علاقه مند بودند یک ربع تا ۲۰ دقیقه درباره گل و گیاه، قلمه زنی، بذر و ... توضیح می دادند. به بحث های مرتبط با طبیعت علاقه داشتند و در محل کار و منزل به گل و گیاه رسیدگی می کردند و از این گل ها هدیه هم می دادند. بحث دیگر اشعاری بود که در اتاق ایشان نصب شده بود. من برخی از این اشعار را یادداشت کردم.

درباره فلسفه بحث های زیادی داشتیم، حدودا ۳۰۰ محفل که در قالب یک دسته بندی بود را با حضور ایشان برگزار کردیم. یک سری از محافل به اسم مبانی فلسفی فیزیک نوین بود. ایشان در دانشگاه درسی با عنوان مبانی فلسفی فیزیک جدید داشتند که در اینجا به بسط و گسترش آن

مطالب می پرداختند. این جلسات به صورت عمومی تر برگزار می شد و علاوه بر کسانی که در مجموعه به این مباحث علاقه داشتند افراد دغدغه مند دانشگاهی و دانشجویان هم در آن شرکت می کردند و جموعا این نشست ها با حضور ۳۰-۲۰ نفر برگزار می شد.

تلفیق فلسفه و کوانتوم

ایشان در این محافل علمی به تشریح مبانی فلسفی فیزیک نوین با مبانی مشخص که ثبت شده است می پرداختند و بحث های فلسفی مربوط به مباحث فیزیک به ویژه در حوزه فیزیک کوانتوم را بررسی می کردند. فیزیک کوانتوم مستعد بحث های فلسفی است؛ بحث عدم قطعیت هایزن برگ، مکمل بور، ای پی آر، عدم علیت، حصول طفره به اصطلاح فلسفی و ... خیلی فلسفه خیز هستند. شهید فخری زاده به بحث نسبیت و نیوتن و مباحث فلسفی که در رابطه با فیزیک نوین بود هم ورود کرده بودند و مقدمه ای را در باب شناخت شناسی ارائه می کردند و به دلیل طولانی بودن این مقدمه، شناخت تجربی، ریاضی، فلسفی، عرفانی و وحیانی را به طور مفصل بیان می کردند و در نتیجه گیری بحث به این می پرداختند که هر کدام از این موارد به چه نحوی می تواند به علوم تجربی کمک کند.

علاوه بر این جلسات یک محفل فلسفه و علوم بنیادین هم برگزار می شد که محدود به فیزیک نبود و مباحث گوناگون مرتبط با علم و فناوری در آنجا مطرح می شد. ایشان در حوزه فناوری فلسفی هم صاحب نظر بودند و در ذیل آن به مباحث مربوط به فلسفه زیست شناسی، فلسفه فیزیک، فلسفه معرفت شناسی، منطق، فلسفه ریاضیات و فلسفه فناوری می پرداختند و بحث سیاست گذاری علم و فناوری در این حوزه مورد توجه بود. محفل دیگر در خصوص هستی شناسی ماده و انرژی بود که بعدها انرژی را حذف کردیم و موضوع هستی شناسی ماده را پیگیری می کردیم.

شهید فخری زاده تزی در هستی شناسی داشتند و می خواستند برای ماده اولیه فلسفه مصداق فیزیکی پیدا کنند و تر ایشان انرژی بود و برنامه اصلی شان این بود که فیزیک کوانتوم را با آموزه های فلسفی و معقولات محکم عقلانی بازسازی کنند و بحث هایی را نیز در خصوص فیزیک نسبیت و آشتی دادن نیوتن با ملاصدرا مطرح می کردند.

محفل دیگری در انجمن حکمت بود و ۱۸ جلسه پیرامون فلسفه اسلامی و فیزیک برگزار شد و شهید فخری زاده در این جلسات نقاط تعاملی فلسفه اسلامی و فیزیک را ارائه کردند. یک خاطره هم اینجا بیان کنم. روز اول جلسه انجمن حکمت شهید فخری زاده از دفتر به من زنگ زدند و گفتند برای سخنرانی روز فلسفه به انجمن حکمت دعوت شده ام ولی بحث های امنیتی اجازه نمی دهد که در آن جلسه باشم، شما جای من بروید و صحبت کنید. باورپوینت را به من دادند و ماهم رفتیم و پشت میکروفن حسن محسنی نشستیم و مطالب را ارائه دادم. حاضران هم می گفتند آقای محسنی این چه بود و چطور شد و

این مطلب ابتدا به نام محسنی و بعدها به نام اصولی در مجله انجمن حکمت به چاپ رسید. آقای خسرو پناه، دکتر تهرانچی و حدود ۱۸-۱۷ نفر از اساتید فلسفه و فیزیک دانشگاه شهید بهشتی و تهران به انجمن حکمت می آمدند و مطالب بحث شده در این جلسات در قالب «کتاب فلسفه اسلامی و فیزیک» توسط انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی به چاپ رسیده است.



شهید فخری زاده به بحث نسبیت و نیوتن و مباحث فلسفی که در رابطه با فیزیک نوین بود هم ورود کرده بودند و مقدمه ای را در باب شناخت شناسی را ارائه می کردند

در گفت و گو با حسن هانی زاده مطرح شد:

قانون جنگل روح حاکم بر سازمان های بین المللی



کار خود قرار داد و در این زمینه به تراز بسیار بالایی رسید به گونه ای که تحریم ها و تهدیدهای نظامی نتوانست مانع دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته ای شود. شهید فخری زاده یکی از شاخصه های مهم کشورمان در حوزه هسته ای بود که شخص بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به صورت آشکار و با ارائه نقشه ای از ایران به تشریح فعالیت هسته ای کشور پرداخت و از دانشمندان بزرگ هسته ای محسن فخری زاده نام برد و همین امر تهدیدات علیه جان این دانشمند برجسته ایرانی را آشکار کرد. ترور ایشان یک اقدام جنایتکارانه است و تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای تعقیب جنایتکاران و عاملان ترور این اندیشمند و دانشمند اسلامی که مورد احترام جامعه جهانی بود تاکنون بی نتیجه مانده است. علت این مسأله نیز ریشه در دوگانگی نگرش سازمان های بین المللی دارد؛ آنها با این استانداردهای دوگانه، قانون جنگل را بر روابط بین المللی تحمیل کرده اند. رژیم صهیونیستی یک رژیم جنایتکار و از عوامل اصلی گسترش تروریسم در منطقه و جهان است و با هر اقدامی که موجب می شود کشورهای اسلامی به تراز بالایی از فناوری برسند، مخالفت می کند. البته ترور شهید فخری زاده نتوانست مانع پیشرفت هسته ای ایران شود. این ترورها طبیعتاً بخشی از سیاست های آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این اقدام هفته هاست در غزه رخ می دهد و شاهد کشتار مردم بی دفاع و غیرنظامی هستیم. تداوم این روند ثابت می کند جهان نه تنها تابع قوانین بین المللی نیست بلکه قانون جنگل بر روابط بین الملل حاکم است.

۱- به اذعان همزمان و دوستان شهید فخری زاده، ایشان معتقد بودند برخی مسئولان وقت خاصه در وزارت خارجه نظام سلطه را نمی شناسند و باید در دوره دشمن شناسی شرکت کنند. اما برخی هم سعی داشتند ایشان را موافق برجام و مشی حامیان مذاکره با آمریکا جا بزنند. هدف از این حرف ها و استفاده ابرازی از شهید فخری زاده چیست؟

شهید فخری زاده مکتبی در حوزه فناوری هسته ای است. ایشان یکی از استثنائات ترین دانشمندان هسته ای ایران هستند که بدون هیچ گونه ادعا و خودنمایی، سرمایه گرانیهای خود را صرف پیشرفت های هسته ای کشور و تمام توان و اندیشه خود در حوزه فناوری هسته ای را تقدیم ملت ایران کرد. اطلاعات دشمنان از شهید فخری زاده بیش از دوستان ایشان بود، به همین دلیل احساس کردند اگر شهید فخری زاده زنده بماند ممکن است ایران در کوتاه مدت به فناوری هسته ای بسیار بالایی دست یابد؛ لذا آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم پیمانان این رژیم در یک طرح مشترک و برنامه ریزی دقیق و گسترده توانستند دکتر فخری زاده را به شهادت برسانند. شهید فخری زاده اعتقادی به این که برجام به سرانجام خواهد رسید و آمریکا در یک تعامل دوسویه و گفت و گو به حق ایران اعتراف می کند، نداشتند؛ بنابراین تلاش شهید معطوف به این بود که جمهوری اسلامی ایران را به سطح بالایی از فناوری هسته ای برساند و به همین دلیل رژیم صهیونیستی ایشان را ترور کرد ولی این ترورها طبیعتاً تأثیری بر شرایط هسته ای ایران نگذاشت و نخواهد گذاشت.

۲- اگر نکته ای دارید در خدمت شما هستیم.

جمهوری اسلامی ایران و نهادهای ذی ربط باید در سالگرد شهادت شهید فخری زاده تمام توان خود را صرف تبیین اندیشه ها و فعالیت های این شهید بزرگوار که صادقانه به ملت ایران خدمت کرد، کنند و از این شهید حوزه هسته ای تجلیل به عمل آورند و دانشمندانی که مانند ایشان هستند، راه و مکتب شهید فخری زاده را ادامه دهند.

دستیابی ملت ایران به حقوق مسلم هسته ای مسأله ای که از مدت ها قبل مورد مناقشه دولت های غربی است و آنها با دست اندازها و موانع مختلف می خواهند ملت ایران را از حقوق اساسی خود در گسترش علوم و فناوری های هسته ای محروم کنند. آنها که یک دم شعارهای حقوق بشری می دهند و با تبلیغات دروغین آن را بزرگ می کنند به قول مقام معظم رهبری «دستشان تا مرق به خون انسان های بی گناه، جوانان، کودکان و زنان بسیاری در کشورهای اسلامی و غیراسلامی آلوده است». ترور شهیدای هسته ای سند محکمی برای اثبات این ادعاهای کذب است که تبدیل به ابزاری ساختگی برای دولت های غربی شده است. حسن هانی زاده، دیپلمات در گفت و گو با جام جم، ترور شهید فخری زاده را یک اقدام جنایتکارانه می داند که رژیم صهیونیستی دست به آن زد و تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای تعقیب جنایتکاران بی نتیجه مانده است. وی در تشریح علت این مسأله دوگانگی نگرش سازمان های بین المللی و وجود استانداردهای دوگانه که قانون جنگل را بر روابط بین المللی تحمیل کرده از عوامل در این حوزه ذکر می کند. مشروح این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

۱- اهداف ترور شهید فخری زاده چه بود؟ ایشان چه ویژگی هایی داشتند که دشمنان سال ها به دنبال ترورش بودند؟

ترور دردناک شهید فخری زاده یکی از اقدامات مشترک جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی است. هدف آمریکا صهیونیست ها این است که با ترور اندیشمندان، دانشمندان هسته ای و فعالان حوزه های فناوری کشورمان، پیشرفت ایران در این حوزه ها را متوقف کند. آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم پیمانان آنان به این نتیجه رسیده اند که ایران یک کشور تأثیرگذار منطقه ای است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاکله جدیدی را در معادلات بین المللی ایجاد کرده و گفت و مانی کاملاً اسلامی و انسانی را در سطح منطقه شکل داده است که امروزه مورد پذیرش ملت های آزاد جهان قرار گرفته است. لذا جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته برای حفظ استقلال خود در همه حوزه ها، سلسله اقداماتی از جمله تربیت دانشمندان و اندیشمندان به ویژه در حوزه فناوری هسته ای را در دستور



گفتوگو با یکی از همکاران شهید فخری زاده:

نگاه بین المللی با هدف اقتدار ملی

شهید محسن فخری زاده که از ایشان به عنوان پدر علم هسته ای ایران یاد می کنند، با مدیریت منحصر به فرد خویش توانست علم و عمل را به هم پیوند زده و پروژه های متعددی را برای محافل علمی و کارگاهی کشور مهیا کند تا منافع ملی ما در حوزه دفاعی با نگاه به ظرفیت های داخلی تامین شود. شکی نیست در مناسبات بین المللی دنیای معاصر برخورداری از ابزارهای دفاعی نقشی بی بدیل در سربلندی کشور دارد.

(ش.زارع) از همکاران این شهید سرافراز می گوید: اگر بخواهیم درباره نگاه ملی شهید محسن فخری زاده به موضوعات صحبت کنیم، همین کافی است که بگوییم ایشان نگاه بین المللی با هدف اقتدار ملی داشتند و این خصوصیت مسلما به دلیل افق نگاه ایشان بود و از راهبردی بودن تفکرات ایشان نشأت می گرفت.

دستاوردهای هسته ای ایران، کشورهای سلطه گر و انحصارطلب را بر آن داشت تا فشارهای مضاعف سیاسی و اقتصادی کلانی را به نظام جمهوری اسلامی ایران وارد کنند تا به این ترتیب پیشرفت های این عرصه متوقف شود. تلاش بی وقفه دانشمندان ایرانی اما انگیزه دو چندانی را به ملت ایران داد تا در مقابل تهدیدها و تحریم ها تسلیم نشوند و برای چندمین بار دشمنان قسم خورده ایران مقتدر را دچار خسران و ناکامی کنند. مجاهدات های شبانه روزی دانشمندان همچون شهید محسن فخری زاده به این اقدامات شتاب داد و همین امر زمینه کارشکنی کشورهای غربی را فراهم کرد؛ زیرا آنها دیدند جوانان نخبه ایرانی با اتکا به توان داخلی تحقیقات خود در حوزه طراحی، ساخت و بهره وری صنایع هسته ای را به سرانجام رسانده اند.

می دادند. همان طور که می دانیم در قرآن به کرات به این مسأله اشاره شده است که خداوند شما را دوست دارد و می خواهد با شما عشق بازی کند حتما شما را امتحان می کند و دوست دارد با این امتحان به لحاظ درونی بزرگ و به خداوند نزدیک شوید. یکی از این امتحانات قرار دادن شما در شرایط سخت و مشکلات است و شهید دکتر محسن فخری زاده برای این منظور

بسته بود. به اندازه آرامشی که در چهره ایشان جلوه گر بود درون شان نیز به همان میزان و چه بسا بیشتر از آن آرام بود.

امتحانی برای فخری زاده

مستمع بسیار صبوری بودند و وقتی کسی با ایشان صحبت می کرد، با تفکر و تمرکز بر حرف هایش گوش

صحبت کردن درباره شهید دکتر محسن فخری زاده واقعا قلب انسان را به درد می آورد. زندگی ایشان با توجه به مشکلاتی که در این مسیر با آن دست و پنجه نرم کردند، نمای واضحی از یک جهاد واقعی علمی بود. با وجود این اولین چیزی که با شنیدن نامشان به ذهن انسان خطور می کند، چهره بسیار آرام و نورانی ایشان است که همواره تبسم شیرینی بر لبانش نقش

نگاه بین‌المللی با هدف اقتدار ملی

اگر بخواهیم درباره نگاه ملی ایشان به موضوعات صحبت کنیم، همین کافی است که بگوییم ایشان نگاه بین‌المللی با هدف اقتدار ملی داشتند و این خصوصیت مسلماً به دلیل افق نگاه ایشان بود و از راهبردی بودن تفکرات ایشان نشأت می‌گرفت.

شهید فخری‌زاده مطلقاً فردی تک‌بعدی نبود و ضمن علاقه و تبحر در قرآن، ادبیات، فلسفه و انجام کارهای جدید در حوزه علوم نوین، به ورزش هم علاقه‌مند بودند. شهید دکتر محسن فخری‌زاده علاقه زیادی به فوتسال داشتند. به یاد دارم از سال ۱۳۸۲ به بعد که من نیز در تیم فوتسال مجموعه بازی می‌کردم، ایشان به صورت کامل حضور داشتند و دروازه‌بانی بسیار جسور و نترس بودند. صحبت‌های خود را با این دعا جمع‌بندی می‌کنم و به دوستان عزیزم این مطلب را می‌گویم که می‌توانیم پیرو راه ایشان باشیم. دوست دارم به سبک امام سجاد (ع) که در صحیفه سجاده‌یه ابتدا با سبک خاص خود با خداوند درد دل می‌کنند و با درود بر محمد و آل او، خواسته خود را مطرح می‌کنند ما هم به همان سبک و سیاق از خداوند متعال می‌خواهیم بر محمد و آل او درود بفرستد و ما را از سربازان واقعی این انقلاب و از ادامه‌دهندگان راه شهدا قرار دهد.

مطالعات عمیق کلام...

مجید، انس با قرآن و

مطالعات فلسفی و

ادبیات و وسعت زیادی به

وجود شهید فخری‌زاده

بخشیده و از ایشان

مدیری با سعه صدر

فراوان ساخته‌بود و

سبب شده‌بود اطرافیان

اعتقاد قلبی عمیقی به

این دانشمند فرهیخته

پیدا کنند



انتخاب و امتحان شد. همان‌طور که می‌دانیم اجرای کارهای پژوهشی در کشور ما با محدودیت‌های مالی و موانع دیگری مواجه است و همین امر بر دشواری کار می‌افزاید. این‌که بتوانید منابع کارهای تحقیقاتی را تامین و نظر بالادستی‌ها را جلب کنید و پاسخگو هم باشید، کاری بود که خداوند به شهید فخری‌زاده سپرده بود و ایشان به لطف خداوند از این آزمون سربلند بیرون آمدند. مطالعات عمیق کلام... مجید، انس با قرآن و مطالعات فلسفی و ادبیات و وسعت زیادی به وجود شهید فخری‌زاده بخشیده و از ایشان مدیری با سعه صدر فراوان ساخته‌بود و سبب شده‌بود اطرافیان اعتقاد قلبی عمیقی به این دانشمند فرهیخته پیدا کنند.

مطمئن باشید که شهید فخری‌زاده همواره پیروز میدان‌هاست. از آنجا که ایشان به اهمیت کارهای پژوهشی واقف بودند و می‌دانستند که آینده مملکت با وجود زیرساخت‌های تحقیقاتی استواری ماندپس اهمیت زیادی برای منابع انسانی مرتبط قائل بودند و حفظ منابع انسانی نخبه و ایجاد زیرساخت‌های تحقیقاتی از دغدغه‌های جدی ایشان در این عرصه بود. به یاد دارم ایشان هر ساله در ایام فروردین ماه که زمان آغاز سال کاری جدید، درباره قرآن و حضرت حافظ صحبت می‌کردند و نکاتی را از مصحف شریف و اشعار حافظ می‌گفتند که می‌توانست سرلوحه کارها قرار گیرد و مشکل‌گشا باشد. در حالی که آن زمان همه انتظار داشتند ایشان درباره مسائل کاری صحبت کند و این موضوع از افق دید و عمق وجودی ایشان حکایت داشت.

تواضع شهید

وقتی شهید فخری‌زاده می‌خواستند درباره رهبر معظم انقلاب صحبت کنند، آن قدر متواضعانه سخن می‌گفتند که گویی در محضر حضرت آقا صحبت می‌کنند. همه دغدغه ایشان این بود با انجام کارهای اقتدارآفرین قلب نازنین مقام رهبری را شاد کنند. ایشان انسان وارسته و کاملی بودند و معلوم بود که راه‌های رسیدن به خداوند را پله پله طی می‌کند. انسان با نگاه عمیق به رفتار، کردار و گفتار شهید فخری‌زاده ناخودآگاه یاد کتاب پله پله تا ملاقات خدا نوشته دکتر عبدالحسین زرین‌کوب می‌افتد و همان‌طور که این حرکت به سوی ملاقات خداوند را در ایشان می‌دیدم، این جمله نیز همیشه بر زبان‌شان جاری بود که «جز شهادت هیچ راهی برای عبور از مشکلات این دنیا وجود ندارد.»



ماجرای ترور

خودرو ضدگلوله فخری زاده با رانندگی خودش وارد بلوار آبسرد می شود

صدای گلوله جلب توجه کرده و فخری زاده با تصور **خرابی خودرو** از آن پیاده می شود

تیربار کنترل از راه دور که روی نیسانی بین الوارها استوار شده، شروع به شلیک به سمت شهید و خودرو می کند. **رد گلوله ها در عقب خودرو**، محل خروج گلوله های تیربار است

دو گلوله به **پهلوی** و یک گلوله به **پشت** شهید برخورد می کند

محافظان وارد صحنه شده و با فرض حضور عوامل تروریست در صحنه، **از دو طرف خیابان** اطراف را به گلوله می بندند

لحظاتی بعد نیسان **منفجر می شود** و با آسیب به دکل، برق منطقه قطع می شود. محافظان همچنان تیراندازی را ادامه می دهند

سرتیم حفاظت بدن خود را **حاجل** پیکر فخری زاده می کند و چند تیر نیز به بدن او اصابت می کند

هیچ تروریستی در صحنه حضور نداشته و **خودرو سفید شاسی بلند** و عواملی که مردم دیده بودند، همه تیم حفاظت بودند که در نقاط مختلف خیابان مستقر شدند



محتوای جلسات، مسراوات و دیدارهای شهید محسن فخری‌زاده با رهبر انقلاب بنا بر محرمانه بودن نوع مأموریت این شهید بزرگوار تاکنون انتشار نیافته و ممکن است تا مدت‌ها نیز جزو اسرار علمی و فنی کشور باشد و در دسترس عموم قرار نگیرد اما آنچه مسلم است حضرت آقا از نزدیک در جریان فعالیت‌ها و خدمات علمی شهید محسن فخری‌زاده بودند و بیان ویژگی‌های مختلف و تمایزات شخصیت این شهید بزرگوار در دیدار با خانواده ایشان حکایت از عمق رابطه رهبر انقلاب با سربازان‌شان در عرصه‌های مختلف دارد.

حامد فخری‌زاده، فرزند این شهید بزرگوار در روایتی به اعتقاد پدرشان به حضرت آقا و ولایت فقیه پرداخته و گفت: پدرم همواره ما را به حمایت از رهبر معظم انقلاب سفارش می‌کردند. موضوعی که از سوی همسر شهید نیز تأیید شده است و ایشان نیز حرف‌های شنیدنی از علاقه و صف‌ناپذیر شهید فخری‌زاده به رهبر انقلاب نقل کرده‌اند. در روایت دوستان و همکاران شهید فخری‌زاده نیز به این موضوع اشاره شده است و آنها نکاتی را از ارادت عملی شهید فخری‌زاده به امام‌راحل و مقام رهبری بیان کرده‌اند. (ب. مخملباف) از جمله این هم‌زمان است که می‌گوید: حضرت آقا اشراف کاملی به قابلیت‌ها و فعالیت‌های آقای فخری‌زاده داشتند و به همین دلیل در پیام‌شان به این مسأله تأکید کردند که همه فعالیت‌هایی که شهید فخری‌زاده در زمان حیات‌شان دنبال می‌کرد، کماکان با قوت بیشتری ادامه یابد. من با نگاه سیاسی شهید فخری‌زاده آشنا هستم، ایشان در زمان حیات امام (ره) نیز ارادت خاصی به بنیانگذار کبیر انقلاب داشتند و بعد از ایشان مرید خاص آقا به عنوان رهبر، مرجع و فرمانده بودند، از این سه زاویه پیوستگی و ارادت خاصی نسبت به حضرت اقا داشتند و در سخنرانی‌های‌شان به این موضوع تأکید می‌کردند.

به روایت حجت‌الاسلام و المسلمین خسروپناه یکی از تأکیدات حضرت آقا به شهید فخری‌زاده این بود که حفاظت خودش را جدی بگیرد؛ چون ظاهراً به حضرت آقا گفته بودند که ایشان رعایت نمی‌کند و جاهای مختلفی می‌رود. حضرت آقا هم سفارش و تأکید داشتند که ایشان مراقب مسائل امنیتی خودشان باشند. رهبر معظم انقلاب، شهید فخری‌زاده را قدیمی‌ترین و برجسته‌ترین عالم هسته‌ای کشور معرفی کردند که وارد میدان عمل و کار شدند و به معنای واقعی کلمه برجسته و عالی‌مقام بودند. در پیمایی که به مناسبت شهادت این دانشمند هسته‌ای صادر کردند، شهید محسن فخری‌زاده را از عناصر علمی کم‌نظیر نامیدند که جانش را به دلیل تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار مبذول داشت و مقام والای شهادت پادشاه الهی اوست.



هم‌رزم محسن فخری‌زاده

در گفت‌وگو با «جام‌جم» بیان کرد:

شهید محسن مرید خاص آقا

تشکیلات سپند را با مشکلات فراوان
و کمترین امکانات سرپا نگه داشت

نداشتند و یک هفته یا دو هفته یک بار به منزلشان می آمدند و در کنار خانواده بودند. از همین رو همسرشان که خانم خیلی صبور و خونگرمی بودند عهده دار اداره زندگی و فرزندان شده بودند و با مهر و علاقه از بچه ها مراقبت می کردند تا آقای فخری زاده بتوانند با دغدغه کمتری به درس و دانشگاه شان رسیدگی کنند. ترسیم این شرایط که پدر در طول هفته حضور فیزیکی ندارد برای درک مسأله خیلی مهم است و این امکان وجود دارد که مادر قادر به فراهم کردن تدارکات لازم برای اداره زندگی نباشد و بچه ها در شرایط خاصی قرار داشته باشند.

مناعت طبع

مناعت طبع خانواده شهید فخری زاده اجازه بازگویی برخی مسائل را نمی دهد اما توجه به این نکته خیلی مهم است و باید بیان شود که ایشان شرایط سختی را طی کردند تا به موقعیتی که الان همه نسبت به آن غبطه می خوریم، برسند. وقتی آقای فخری زاده کنار خانواده بودند، حضور خیلی گرمی داشتند و باغچه حیاط را با بچه ها بیل می زدند، با آنها خاک بازی می کردند و گلدان می کاشتند و علیرغم مشغله های ذهنی و درسی که داشتند برای بچه ها وقت می گذاشتند و رفتار صمیمانه ای با آنها داشتند. اما چون مدت حضورشان کوتاه بود بر خلاف همسایه های دیگر ارتباط چندانی با ایشان نداشتیم البته همسرشان با خانم های مجتمع در تعامل بودند و همین ارتباطات خلأ حضور آقای فخری زاده در میان خانواده را تا حدودی پوشش می داد.

موقعیت آقا محسن

سال ۷۱ هم ما به تهران آمديم و از همسايگي با ايشان محروم شدیم اما دو رادر خبردار بودیم که ایشان مشغول فعالیت علمی و کاری خود در حوزه پدافند هسته ای هستند تا این که سال ۸۷ مسئول حفاظت تشکیلات با من صحبت کرد و گفت می دانید موقعیت آقا محسن چطور است؟ این مطلب را از جهت تهدیداتی که از بیرون به ویژه از طرف رژیم صهیونیستی بر ایشان وارد و تا آن زمان ناکام مانده بودند، بیان کردند. من این موضوع را کاملاً درک کردم و می دانستم این تهدیدات در همه جاهایی که ایشان حضور می یابند، وجود دارد و به مرور زمان نیز مضاعف می شود. از همین رو فکر کردم اگر بتوانیم شرایطی را مهیا کنیم و منزلی را در مجموعه محافظت شده ای که مدیریتش با ما بود، به شهید فخری زاده اختصاص دهیم تا کمترین تردد را برای حضور در محل کارشان داشته باشند، خیلی خوب می شود که خدا را شکر این کار انجام شد و ایشان به اتفاق خانواده در آنجا مستقر شدند اما این محدودیت تردد برای خانواده ایشان نیز وجود داشت و رفت و آمد اقوام و دوستان در یک مجموعه حفاظت شده، محدود است بنابراین همسر و فرزندان ایشان در یک تنهایی مطلق و بدون برقراری ارتباط با آشنایان و دوستان زندگی می کردند و من محدودیت ها و مشکلات آنها را لمس می کردم.

زندگی با امکانات ابتدایی

شهید فخری زاده در تمام دورانی که با ایشان همسایه بودیم و در مقطعی که منزلی را در منطقه حفاظت شده در اختیار ایشان قرار دادیم، بسیار ساده زیست بودند. از نزدیک شاهد زندگی ساده همراه با امکانات ابتدایی ایشان بودم. شهید فخری زاده از مناعت طبع خاصی برخوردار

با توجه به هدفی که شما عزیزان از این مصاحبه ها دارید، قرارگیری در فضای واقعی زندگی شهید فخری زاده خیلی مهم است و من شما را به سریال عاشورا ارجاع می دهم. ذهنیت مادر خصوص برادران شهید باکری مربوط به بحث جبهه و جنگ می شود و شخصیت آنها را بدون محدودیت ها و شرایطی که درباره خانواده و غیره داشتند مد نظرمان بود. ترسیم زندگی خانوادگی و شرایطی که عزیزی همچون شهید فخری زاده داشتند، کمک زیادی به شناخت وجوه شخصیتی آنها می کند و نباید این افراد نخبه را فقط از بُعد کاری مورد بررسی قرار داد.

همسایه جدید

سابقه آشنایی من با شهید فخری زاده به سال ۶۸ برمی گردد که بخش هسته ای و پدافند هسته ای از مجموعه گروه جدا شد. ما در یک مجموعه مسکونی سازمانی در کرج مستقر بودیم تا این که یکی از واحدهای این مجموعه خالی شد و صحبت از این بود که قرار است این واحد به خانواده جدیدی واگذار شود. آن فرد شهید فخری زاده بود و من آشنایی قبلی با ایشان نداشتیم. مجموعه ای که در آن ساکن بودیم و آقای فخری زاده هم به ما ملحق شدند، همان شیمی پی سابق بود که شامل پدافند شیمیایی، میکروبی و هسته ای می شد. یکی از این خانه ها در اختیار آقای فریدون عباسی بود که معرف حضور است و خانه بعدی که خالی شده بود قرار بود در اختیار آقای فخری زاده قرار بگیرد. چون بخش پدافند هسته ای جدا شده بود، مسئول گروه گفت که دیگر امکان واگذاری خانه وجود ندارد. این موضوع را به آقای فریدون عباسی گفتیم که نمی توانیم خانه را تحویل بدهیم زیرا قرار است در اختیار دیگر بخش های کاری قرار گیرد اما آقای عباسی گفت که کامیون در راه است و ساکنان جدید دارند اثاث خود را می آورند و اگر خانه را ندهیم بد می شود. با درک این شرایط با رئیس مان تماس گرفتیم و خواهش کردیم که استثناء قائل شوند چون اثاثیه در راه است ایشان هم پذیرفت و به این ترتیب آقای فخری زاده به اتفاق خانواده در آن منزل مسکونی که در همسایگی ما بود، مستقر شدند. آقای فخری زاده سه پسر داشتند و فکر می کنم پسر بزرگ ایشان هفت ساله، فرزند دوم چهار و نیم ساله و پسر کوچک شان دو ساله بودند. از آنجا که ارتباط کاری ما با گروه آنها قطع شده بود، تعامل زیادی با یکدیگر نداشتیم ضمن آن که ایشان در ایام دانشجویی مقطع تحصیلات تکمیلی در اصفهان بودند و به همین دلیل غالباً در منزل تشریف



مناعت طبع خانواده
شهید فخری زاده اجازه
بازگویی برخی مسائل
را نمی دهد اما توجه
به این نکته خیلی
مهم است و باید بیان
شود که ایشان شرایط
سختی را طی کردند تا
به موقعیتی که الان
همه نسبت به آن غبطه
می خوریم، برسند

بودند؛ رسیدگی و اداره خانه‌های آن مجموعه در اختیار ما بود. ایشان ملاحظه زیادی داشتند و درخواست‌های‌شان بسیار ابتدایی بود و ملاحظه ما را می‌کردند. اگر مورد خاصی بود که نیاز به اقدام داشت، تماس می‌گرفتند که چنین موردی است و اگر امکانش وجود دارد دوستان این مسأله را رفع کنند. به طور کلی در تمام مدتی که من آنجا مسئولیت داشتم، کمترین تقاضا برای رسیدگی، مربوط به خانواده شهید فخری‌زاده بود. در همان زمان متوجه شدیم که والدۀ ایشان مرحوم شده‌اند و مراسم ختم‌شان نیز با محدودیت‌هایی برگزار شد و ایشان با محدودیت‌هایی که در تردد داشتند به سختی توانستند به شهرستان که فکر می‌کنم قم بود، بروند. اینگونه نبود که ایشان با آزادی کامل در مراسم مادرشان حضور داشته باشند. با توجه به شرایطی که برای شهید فخری‌زاده حاکم بود اگر ایشان می‌خواست با خانواده به خرید یا جایی بروند، از آزادی عمل برخوردار نبودند چون وقتی نفرات حفاظت همراه‌شان هستند، حریم شخصی آنها مخدوش می‌شود. با ترسیم این مسائل در زندگی ایشان و درک شرایطی که شهید فخری‌زاده در آن قرار داشتند، متوجه صبر و سعه صدر ایشان می‌شوید. بررسی شرایط نشان می‌دهد که ایشان واقعا زندگی نکردند و همه عمر خود را در این مسیر گذاشتند و این شرایط ناخودآگاه به همسر و فرزندان ایشان هم تسری می‌یافت.

صبر همسر شهید

صبری همسر ایشان برای پذیرش این شرایط نکته بسیار بارزی بود؛ یاد هست برای برگزاری جلسات مدیران، سفری به مشهد داشتیم و شهید فخری‌زاده هم حضور داشتند. همه همراه خانواده بودیم و اما آنها باید تنهایی رفت و آمد می‌کردند. در محلی که می‌خواستیم غذا بخوریم همه دور میز جمع می‌شدیم اما شهید فخری‌زاده پشت ستونی می‌نشستند که ناگهان من ایشان را صدا کردم و گفتم آقا محسن بیایید کنار ما! وقتی من ایشان را صدا کردم همسرشان از جهت آشنایی که با ما داشتند بسیار خوشحال شدند و به جمع ما پیوستند؛ هر چند تیم حفاظت ناراحت شدند. بیان این مطالب برای درک این شرایط موضوع بسیار مهمی است.

نوع نگاه شهید

نگاه شهید فخری‌زاده به مسائل به صورت کلان و ملی بود و اگر می‌خواست به صورت بخشی به موضوعات

نگاه کند چند روز اول باید این کار را کنار می‌گذاشت ولی اعتقاد راسخی به این مسیر داشت و با پایمردی قدم در این راه پرفراز و نشیب گذاشت. به طور کلی در مقاطع مختلف عناوینی به مجموعه فعالیت ایشان شد و ممکن بود امکاناتی در اختیارشان قرار بگیرد اما در خیلی از مواقع این تشکیلات را با کمترین امکانات اداره کردند. بعضا شرایطی پیش می‌آمد که حتی برای پرداخت حقوق ماهانه کارکنان دچار مشکل می‌شدند و حقوق‌ها را به سختی تامین می‌کردند. مجموعه تحت مدیریت ایشان برخلاف دیگر سازمان‌ها که از تولید، درآمد دارند، سال‌های زیادی را با سختی گذراند تا سرپا بماند. خیلی سخت است که یک مدیر نتواند حقوق کارمندان خود را تامین کند، هر کسی باشد این کار را کنار می‌گذارد اما ایشان با آن که شرایط سختی را گذرانده بود و پیش رو داشت اما صبوری کرد. مطمئنا اگر نگاه غیرمیلی و کوتاه مدت داشت این مسئولیت را در همان سال‌های اول کنار می‌گذاشت. تا این که شهادت، ایشان را از ادامه مسیر بازداشت. خیلی از افرادی که در کنار شهید فخری‌زاده بودند، رفتند و ایشان به تنهایی این راه را ادامه دادند. همان‌طور که ابتدا اشاره کردم مجموعه مأموریت پدافند شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای یک مجموعه به هم پیوسته بود و زمانی که قسمت هسته‌ای از آن جدا شد ایشان همواره این دغدغه را داشتند که این انسجام را دوباره برقرار کنند. بخشی از این ایده با تشکیل سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی (سپند) رخ داد. از آنجا که در این خصوص با شهید فخری‌زاده همفکر بودم، بخش‌هایی از این مأموریت را که در سازمان مانده بود به ایشان پیشنهاد دادم تا در زیرمجموعه خودشان به آن بپردازند. خدا را شکر با هماهنگی و انسجام خوبی که صورت گرفت ایشان هم این مسئولیت را پذیرفتند تا یک مجموعه یکپارچه ایجاد شود.

دانشمند متواضع

درباره ارادت ایشان به رهبری هم نیاز به گفتن نیست، پیامی که حضرت آقا بعد از شهادت ایشان دادند، حکایت از علاقه متقابل ایشان به شهید فخری‌زاده دارد. حضرت آقا اشراف کاملی به قابلیت و فعالیت‌های آقای فخری‌زاده داشتند و به همین دلیل در پیامشان به این مسأله تاکید کردند همه فعالیت‌هایی که شهید فخری‌زاده در زمان حیات‌شان دنبال می‌کرد کماکان با قوت بیشتری ادامه یابد. من با نگاه سیاسی شهید فخری‌زاده آشنا هستم، ایشان در زمان حیات امام (ره) نیز ارادت خاصی به بنیانگذار کبیر انقلاب داشتند و بعد از ایشان مرید خاص آقا به عنوان رهبر، مرجع و فرمانده بود و از این سه زاویه پیوستگی و ارادت خاصی نسبت به حضرت آقا داشت و در سخنرانی‌های‌شان به این موضوع تاکید می‌کرد.

این شهید دانشمند آدم افتاده‌حالی بود به این معنی که در حداقل ارتباطی که با ایشان داشتم یک بار پیش نیامد که به شهید فخری‌زاده زنگ بزنم و پاسخگو نباشد و اگر همان زمان نیز امکان جواب دادن را نداشتند بلافاصله پیگیر و پاسخگو بودند. من برای حل مسائل مختلف حتی برای رفع مشکل سرباز وظیفه به ایشان زنگ می‌زد، بلافاصله با روی باز مسیر را هموار می‌کردند و کار سرباز حل می‌شد. درخصوص توجه به کارکنان نیز بسیار مدیر مسئولیت‌پذیری بودند و با تمام محدودیت‌ها و دغدغه‌هایی که داشتند به مسائل این حوزه توجه می‌کردند. طبق روال معمول و مرسوم وقتی که مسئولیتی می‌گیریم ناخودآگاه تهدیداتی متوجه افراد می‌شود و بعضا نیازمند تیم حفاظت هستیم. البته من این مسائل را خیلی قبول



**حضرت آقا اشراف
کاملی به قابلیت و
فعالیت‌های آقای
فخری‌زاده داشتند
و به همین دلیل در
پیامشان به این مسأله
تاکید کردند که همه
فعالیت‌هایی که شهید
فخری‌زاده در زمان
حیات‌شان دنبال می‌کرد
کماکان با قوت بیشتری
ادامه یابد**



لهجه برخوردار بود و خرف خود را در کمال ادب و بدون ملاحظه بیان می کردند و روی مواضع خود می ایستادند، اهل ریا و ظاهرسازی نبودند. در مسیر ماموریت خود خستگی ناپذیر بودند و سعی می کردند موانع را برطرف کنند که خدا را شکر در این راه منشا کارهای بزرگی شدند.

تصمیم به جابه جایی

این مطلب را هم به عنوان ختم کلام بیان می کنم سال ۹۲ مطرح شد که ممکن است ایشان دیگر ادامه ندهند و تصمیم به جابه جایی شهید فخری زاده گرفته شد. بنده یکی از گزینه هایی بودم که قرار بود جایگزین ایشان شوم به همین منظور با شهید فخری زاده تماس گرفتم تا همدیگر را ببینیم. به ایشان گفتم که این تشکیلات فرزند شماست و مسئولیت بزرگ کردن آن را از نطفه عهده دار بودید و به تمام زوایای آن آشنا هستید، مطمئناً هر کس دیگری از جمله بنده نمی تواند آن مجموعه را به خوبی شما سر و سامان دهد. نکته مهم بعدی این بود با این که بنده به عنوان یکی از گزینه های جایگزین مطرح بودم و در این صورت معمولاً مدیران فاصله می گیرند، ایشان برای بازدیدی که داشتند شخصا به بنده زنگ زدند که شما هم بیایید در صورتی که ممکن بود حضور من این شایعه را ایجاد کند که قرار است فلانی جای آقای فخری زاده بیاید. با این که پیش بینی این شرایط را می کردند، ابایی از تعامل و همراهی من نداشتند. نگاه شان به موضوعات جامع، باز و راحت بود. مسیر کاری ایشان در ادامه از ما جدا شد و من توفیق همکاری با ایشان را نداشتم و نکاتی که بیان کردم هم مربوط به شناخت کلی می شود که به واسطه رابطه دور و نزدیکی که با شهید فخری زاده داشتم، حاصل شده بود. ان شاء... روح ایشان شاد باشد و ما بتوانیم پشت سر این دانشمند شهید حرکت کنیم.

ندارم و معتقدم که این تهدیدات جدی نیست و علاوه بر این تا زمانی که مشغول کار هستیم برخی از این تهدیدات وجود دارد و وقتی از کاری جابه جا یا بازنشسته می شویم، این تهدیدات خود به خود کم رنگ می شوند اما تنها کسی که ایمان داشتم همیشه مورد تهدید هستند، آقا محسن بودند به دوستان مکرر می گفتم که آقای فخری زاده تا زمانی که زنده هستند در معرض تهدید قرار دارند. معتقد بودم حتی اگر به کهنوت سنی هم برسند تهدیدها علیه ایشان مرتفع نمی شود و می گفتم دشمن اگر بتواند اقدام به ربایش ایشان می کند چون در اختیار داشتن شهید فخری زاده برای ایشان خیلی قیمتی بود و به این وسیله می توانستند به اهدافی که مد نظر داشتند، برسند و در نهایت نیت پلید خود را با حذف فیزیکی ایشان محقق کردند.

انس با حافظ

در رابطه با آقای فخری زاده باید به این نکته هم اشاره کنم که ایشان یک شخصیت علمی خشک نبودند غالب افرادی که در علوم پایه اعم از فیزیک، شیمی و... مشغول فعالیت جدی هستند درگیر روحیات و ویژگی های خاصی می شوند ولی ایشان روحیه لطیفی داشتند. اولاً فرد عارف مسلکی بود و در کنار حوزه تخصصی کاری شان، علاقه زیادی هم به فلسفه و عرفان داشتند. با حافظ خیلی مانوس بودند و هر زمان که به اتاق کارشان می رفتم می دیدم که دیوارهای اتاق مملو از تابلوهایی با خط خودشان بود. یک بار از ایشان خواستم که یکی از تابلوها را به عنوان یادگاری به من بدهند و قبول کردند اما توفیق آن را پیدا نکردم. ایشان در کنار اینها با ادبیات، عرفان و فلسفه آشنا بودند و نگاه بسیار خاص و روحیه جامعی داشتند. اگر بخواهم در خصوص ارتباط شهید فخری زاده با خدا مطالبی را بیان کنم به نظرم فردی که ایمان قوی نداشته باشد، نمی تواند انسان صبور و با سعه صدری باشد، زیرا این ویژگی ها از ایمان افراد نشأت می گیرد و اعتقاد انسان به دین و مذهب باعث تبلور این خصوصیات می شود.

ارادت به سیدالشهدا

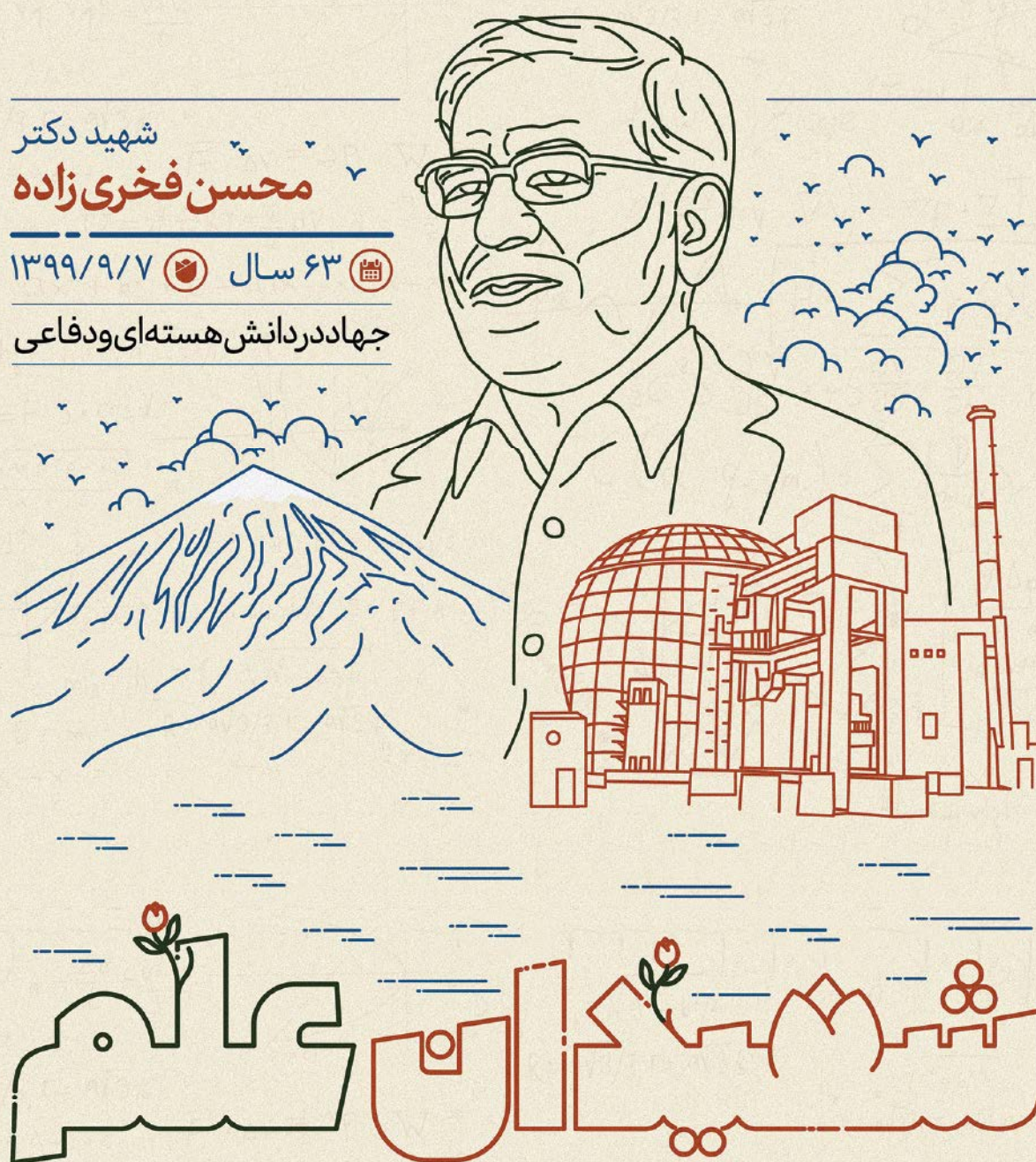
مسئولیت پذیری و عشق به شهادت در رفتار و سکنات ایشان موج می زد. ایشان می دانستند که شهید می شوند اما با وجود این خطرات را پذیرفته بود و در نهایت باید گفت حیف بود که ایشان مزد کارها و خدمات شان را با شهادت نگیرند. راستگویی و درستکاری ایشان زبانزد بود و علاوه بر این از صراحت

تنها کسی که ایمان داشتم همیشه مورد تهدید هستند آقا محسن بودند و به دوستان مکرر می گفتم که آقای فخری زاده تا زمانی که زنده هستند در معرض تهدید قرار دارند

شهید دکتر
محسن فخری زاده

۱۳۹۹/۹/۷  ۶۳ سال 

جهاد در دانش هسته‌ای و دفاعی



آشنایی با دانشمندان شهید و اهداف استکبار از ترور آنها

تروریسم دولتی با همکاری سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد در چند سال اخیر دست به ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی زده است. ابعاد این ترورها و ویژگی شاخص دانشمندان شهید بر اساس بیانات رهبرانقلاب در این اطلاع‌نگاشت مرور شده است.



شهید دکتر
مجید شهریاری

۱۳۸۹/۹/۸  ۴۴ سال 

• تلاش بسیجی وارد در علم



شهید دکتر
مسعود علیمحمدی

۱۳۸۸/۱۰/۲۲  ۵۰ سال 

• شهادت در راه آرمان‌های الهی



شهید
مصطفی احمدی روشن

۱۳۹۰/۱۰/۲۱  ۳۲ سال 

• تبلور معنویت در کنار کار علمی



شهید
داریوش رضایی نژاد

۱۳۹۰/۰۵/۰۱  ۳۵ سال 

• شجاعت در جهاد علمی



موضع ما

ادامه دادن راه پیشرفت علمی کشور

۹۰/۱۰/۲۲

مجازات قطعی عاملان و آمران جنایت

۹۹/۹/۸

روش دشمن

استفاده از ابزار تروریستی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود

۹۰/۴/۳

جرات اعتراف نداشتن عاملان و طراحان ترورهای بزدلانه

۹۰/۱۰/۲۲

آثار شهادت

آبروخشیدن به انقلاب اسلامی و محیط علمی

۸۹/۱۱/۴

رونق یافتن رشد علمی با همت جوانان مؤمن و غیور

۹۰/۱۰/۲۲

هدف دشمنان

ضربه زدن به حرکت علمی کشور با ترساندن و حذف دانشمندان

۹۰/۵/۱۵

جلوگیری از الگوشدن ایران پیشرفته برای مسلمانان جهان

۸۹/۱۱/۲۲

اهمیت دشمن‌شناسی در مکتب شهید محسن

شهید فخری‌زاده می‌گفت برای بعضی مسئولان باید کلاس دشمن‌شناسی بگذارند



مزامحتی ندارند.» شاید همین اظهارنظرهای جنجالی و گرا دادن به دشمنان داخلی و خارجی باعث شده بود که دانشمند شهید محسن فخری‌زاده عنوان کند که برخی از مسئولان، دشمن را نمی‌شناسند، همان مسئولانی که در زمان حیات شهید فخری‌زاده مدام چوب لای چرخ فعالیت‌های ایشان می‌گذاشتند.

(ب. عسگری) که از همکاران قدیمی و سابقه‌دار شهید فخری‌زاده است، به دشمنی این شهید بزرگوار با نظام سلطه اشاره کرده و می‌گوید: ایشان نظام سلطه را به‌عنوان دشمن خدا، قرآن، اسلام و نظام تلقی می‌کردند و می‌گفتند این آقایان - که غالباً مسئولان وزارت خارجه مدنظرشان بود - نظام سلطه را نشناخته‌اند و خیلی خوش خیال و خوش‌باور هستند و فکر می‌کنند نظام سلطه اگر حرفی می‌زند ظاهر و باطن آن یکی است و به‌طور کلی از رفتار مجموعه وزارت خارجه کشور احساس رضایت نمی‌کردند. یکی از دغدغه‌های اصلی و اساسی شهید فخری‌زاده این بود که فعالیت‌ها و اقدامات‌شان بر مبنای تهدیدات دشمن باشد و قطعاً دشمن این را حس کرده بود و به همین دلیل دل خوشی از ایشان نداشتند.

این نخستین‌بار نبود که دیپلمات برجسته کشورمان درخصوص یکی از مفاخر ملی کشور بی‌مهرانه سخن می‌گفت، کسی که سردار سلیمانی را محکوم به دوگانه‌سازی «میدان» و «دیپلماسی» کرده بود، یک‌بار دیگر نیز با موضعگیری نادرست علیه دانشمند هسته‌ای، خوراک خبری قابل ملاحظه‌ای را در اختیار رسانه‌های بیگانه قرار داد تا با گمانه‌زنی‌های مغرضانه خود، اهداف والای کشورمان در عرصه هسته‌ای را به انحراف بکشد. محمدجواد ظریف این‌بار با حضور در یک جمع دانشگاهی شهید فخری‌زاده را که مدت مدیدی بود بلای جان صهیونیست‌ها شده بود، فردی بی‌مبالات در حوزه امنیت نامید. وی درخصوص ترور این دانشمند شهیر گفته بود: «اسرائیل فخری‌زاده را زد که برجام را نابود کند» ادعایی که بی‌جواب نماند و حامد فخری‌زاده فرزند شهید در واکنشی خطاب به رئیس سابق دستگاه دیپلماسی: «جناب آقای ظریف! ای کاش من هم می‌توانستم مثل شما تقوا را زیر پا بگذارم و بدون توجه به مصالح کشور و مسائل امنیت ملی، بگویم آنچه را نباید گفت. آمریکا و اسرائیل کسانی را ترور می‌کنند که برای آنها مزامحت و برای کشور اعتلا و اقتدار می‌آفرینند، نه اشخاص منفعلی که

افراد غیرایرانی متعهد هم بهره‌مند می‌شدند تا مسیر دستیابی اهداف پروژه را هموار کنند. این هوشمندی از ویژگی‌های مدیریتی شهید فخری‌زاده بود. دغدغه دیگر این دانشمند شهید این بود که افراد موثر و مفید را از جاهای مختلف گلچین می‌کردند تا پروژه‌ها را به سرانجام برسانند، همچنین اساتید خبره زیادی را از دانشگاه‌های مختلف به خدمت می‌گرفتند. ایشان در آن سال‌ها هنوز مدرک دکتری نداشتند اما با اساتید با سابقه در پروژه‌ها همکاری می‌کردند و این اساتید نیز با جان و دل برای شهید کار می‌کردند و در آن ایام اصلاً این بحث که مرتبه علمی ایشان پایین‌تر از ماست، مورد توجه نبود. شهید فخری‌زاده به‌گونه‌ای عمل کرده بودند که اساتید دانشگاه‌ها که جمع گسترده‌ای هم بودند در پروژه‌ها حضور داشتند و دلی کار می‌کردند. شهید فخری‌زاده یکی از موفق‌ترین افرادی بود که الگوی هسته شبکه را در پروژه‌های خود پیاده کرده بودند.

کارها را به دیگران می‌سپردند و بعد از مدتی که اعتماد ایشان نسبت به افراد جلب می‌شد، تنفیذ اختیار می‌کردند. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد ایشان این بود که به مدیران مجموعه خود اختیار می‌دادند و در عین حال کنترل و نظارت بسیار شدیدی را هم بر امور محول شده به آنها اعمال می‌کردند و هر جا احساس می‌کردند فردی یا مجموعه‌ای کار خود را خوب انجام نمی‌دهد برخورد‌های لازم مدیریتی را بدون تعارف انجام می‌دادند.

سنگ‌سور پرسنل

در مورد مدیریت این شهید خیلی می‌توان صحبت کرد؛ بحث توجه به کارکنان تحت امر از دیگر مؤلفه‌های مدیریتی ایشان بود. شهید فخری‌زاده سنگ‌سور پرسنل‌شان بودند. به یاد دارم هر کدام از کارکنان که به مشکلی برمی‌خوردند و نزد شهید فخری‌زاده می‌رفتند، ایشان با حوصله تمام به مشکلات گوش می‌دادند و در حد توان کمک می‌کردند. حتی اگر امکان کمک نبود به‌گونه‌ای عمل می‌کردند که فرد مراجعه‌کننده احساس خوبی پیدا می‌کرد. یکی از همکاران که از مدیران شهید فخری‌زاده بود، برای من تعریف می‌کرد خیلی وقت‌ها که در کار به مشکلاتی برمی‌خوردم، چه بحث بود چه و چه بحث اداری و... نزد شهید به عنوان مدیر بالاتر می‌رفتم و مشکلات را مطرح می‌کردم. ایشان خوب گوش می‌دادند و بعد از اتمام حرف من مطالبی را بیان می‌کردند و در جاهایی که امکان گره‌گشایی بود، کاری انجام یا دستوری می‌دادند که شرایط تسهیل شود. وقتی مشکلات خود را بیان می‌کردم و از اتاق ایشان بیرون می‌آمدم، راضی بودم و با خود فکر می‌کردم حتی اگر امکان این نبود که کاری کنند به‌گونه‌ای برخورد می‌کردند که با رضایت خاطر بیرون می‌آمدم؛ انگار که همه مشکلات من حل شده است. این از ویژگی‌های شخصیتی شهید بود که به مسائل شخصی و صنفی کارکنان بسیار بهای می‌دادند و سعی می‌کردند محیط جذابی را برای کار درست کنند. بارها به من می‌گفتند: کار ما به قدر کافی سخت است و مشکلات خاص خود را دارد، بنابراین اگر نتوانیم از نظر روحی این افراد را آماده کار سخت کنیم، نمی‌توان انتظار داشت که آنها شرایط را تحمل کنند. از جمله کارهای بسیار خوبی که در این زمینه انجام دادند و جزو اولین‌ها بودند، راه‌اندازی تشکیلات روان‌شناسی (البته این اسم را من گذاشته‌ام) برای توجه به وضعیت روحی پرسنل بود. در این بخش افرادی برای ارائه مشاوره به کارکنان به خدمت گرفته شده بودند و این‌طور نبود که افراد هر وقت لازم بود سراغ مشاور بروند، بلکه اهمیت حضور مشاور در تشکیلات شهید فخری‌زاده به عنوان یک وظیفه مورد توجه بود و آن مشاور یا تیم مشاوره، نوبتی سراغ

خدا را شاگرد هستم که فرصتی پیش آمد تا ادای دینی به این شهید عزیز داشته باشم، از شما هم تشکر می‌کنم که این فرصت را در اختیار من گذاشتید. از زوایای مختلفی می‌توان در خصوص شهید فخری‌زاده صحبت کرد.

۳۰ سال همراهی

نزدیک به ۳۰ سال این افتخار را داشتم که با شهید همراه باشم. زمانی که ایشان شهید شد و پیکرشان را در سپند آورده بودند، خانواده محترم شهید هم تشریف داشتند. وقتی برای عرض تسلیت به خانواده ایشان رفته بودم به همسرشان گفتم: شاید شهید گفته باشد و شما این مطلب را می‌دانید ولی من تکرار می‌کنم و به جرات می‌توانم بگویم من بیش از شما که همسرشان هستید با شهید بودم. این میزان با هم نزدیک و همکار بودیم و در بسیاری از کارها کنارشان بودم. بنابراین تصور می‌کنم از نزدیک ابعاد مختلفی از ویژگی‌های شخصیتی شهید فخری‌زاده را حس کرده‌ام که در این گفت‌وگو به صورت پراکنده و به موازات موضوعی که به ذهنم می‌رسد، به آنها اشاره می‌کنم.

از پرداختن به ویژگی‌های شخصی ایشان شروع می‌کنم؛ شهید فخری‌زاده مدام دغدغه کار و مسئولیتی را که به ایشان سپرده بودند، داشتند و فکر و ذکرشان این بود که چگونه می‌توانند ماموریتی را که بر دوش‌شان گذاشته‌اند به نتیجه مطلوب برسانند.

هسته دانا، شبکه دانا

برای رسیدن به نتیجه هم شیوه‌های ابتکاری بسیار زیادی را به کار می‌گرفتند که مربوط به حوزه مدیریتی این شهید می‌شود و مفصل می‌توان درباره آن صحبت کرد که من نکات کوتاهی را بیان می‌کنم تا بتوانیم به ابعاد مختلف شهید فخری‌زاده واقف شویم. با وجود این که شهید فخری‌زاده، مجری پروژه‌های دارای طبقه‌بندی در مجموعه دفاعی کشور بودند اما به جرات می‌توانم بیان کنم که ایشان جزو اولین نفراتی بودند که به شیوه شعار «هسته دانا، شبکه دانا» که در سال‌های اخیر در مجموعه‌های نظامی و دفاعی به آن رسیده‌اند، عمل می‌کردند. یعنی چه؟ منظور این است که شهید فخری‌زاده هسته دانایی را برای انجام پروژه‌ها فراهم کرده و شبکه بسیار گسترده‌ای را که محدود به دانشگاه امام حسین (ع) - که مدتی در آنجا حضور داشتند - دانشگاه‌های کشور، وزارت دفاع و سازمان‌های مربوط نمی‌شد و در سطح دنیا فعالیت داشتند را به خدمت گرفته بودند. ایشان در پروژه‌هایی که مهر طبقه‌بندی روی آن خورده بود از



شهید فخری‌زاده

هسته دانایی را برای
انجام پروژه‌ها فراهم
کرده و شبکه بسیار
گسترده‌ای را که
محدود به دانشگاه
امام حسین (ع) که
مدتی در آنجا حضور
داشتند، دانشگاه‌های
کشور، وزارت دفاع و
سازمان‌های مربوط
نمی‌شد و در سطح دنیا
فعالیت داشتند را به
خدمت گرفته بودند

همه می‌رفتند و موضوعات مرتبط با کار، مسائل شخصی و شرایط روحی فرد را بررسی می‌کردند. شهید فخری زاده به دنبال این بود که مشکلات افراد با حضور روان شناس و مشاوران علوم مربوط حل و فصل شده و سطح تحمل افراد افزایش پیدا کند. کار سخت بود و شهید این را به خوبی حس می‌کردند و سعی داشتند با انجام چنین اقداماتی، فضا را تلطیف کنند. البته انجام این دست کارها جزو وظایف سازمانی ایشان نبود بلکه توجه به این موارد از ویژگی‌های این شهید بود.

خلق و خوی شهید

خلق و خوی شهید فخری زاده در بحث مردم‌داری هم بسیار مثال‌زدنی بود. مجموعه پشتیبانی تشکیلات تحت مدیریت ایشان مکلف بودند در زمان‌های مناسب برای مدیران تحت امر شهید فخری زاده امکانات تفریحی نظیر مسافرت، دید و بازدید از اماکن خاص و گردهمایی خانوادگی فراهم کنند. ایشان شرایطی را ایجاد کرده بودند تا افراد شاخص و مجریان پروژه‌ها که فکر می‌کردند کار آنها را خسته می‌کند و باید استراحتی کنند را نوبتی و در زمان‌های مناسب مثل ایام نوروز و تعطیلات به مسافرت می‌فرستادند و در مجموع خیلی دقت می‌کردند تا نیروی انسانی که برای ایشان کار می‌کنند و سرمایه اصلی سازمان هستند از شرایط خوبی برخوردار باشند. سعی می‌کردند در قبال کار، نیروهایی که از دانشگاه‌های دیگر به خدمت گرفته می‌شوند، پرداختی مناسبی داشته باشند.

کار فی سبیل!...

هزارگاهی در برخی از جمع‌ها که یکی از همکاران می‌گفتند کار باید فی سبیل!... باشد، شهید می‌گفت کار فی سبیل!... به معنای کار مجانی نیست. کار فی سبیل!... یعنی کار و پرداخت باید خوب باشد. معنی کار فی سبیل!... ارزان حساب کردن و مجانی بودن آن نیست. وقتی از این زوایا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شهید بسیار مردم‌دار بودند و سعی می‌کردند نیروهای خود را راضی نگه دارند و آنها را تشویق کنند. البته باز هم تکرار می‌کنم در جاهایی هم که لازم بود که تنبیه و توبیخ انجام شود، تعارف نداشتند و اگر کاری خوب انجام نشده بود عتاب و خطاب را به عنوان یک مدیر عالی داشتند و به همین خاطر بود که زیرمجموعه ایشان از این نظر بسیار از شهید حساب می‌بردند و توجه داشتند تا کاری نکنند که شهید فخری زاده از آنها بابت کار نکرده، به تأخیر انداختن کار یا بد انجام دادن کار ناراحت شوند. لذا همه مجموعه سعی می‌کردند کار خود را به نحو احسن انجام دهند. به دلیل سابقه طولانی همکاری، بعد از

سال‌های اول که آشنا شدیم، با یکدیگر رفت‌وآمد خانوادگی هم داشتیم. من شاهد بودم که ایشان با همسر و فرزندان شان کریمانه برخورد می‌کردند و فقط به این موضوع بسنده می‌کنم که ایشان به ویژه در این سال‌های آخر در جلساتی که موضوع طبقه‌بندی در آن مطرح نبود و عمومی تر تلقی می‌شد همسرشان را به جلسات جمعی می‌آوردند. یکی از موضوعاتی که اینجا نوشتم تا فراموش نکنم، علاقه بسیار زیاد شهید فخری زاده به فلسفه بود که در ادامه به صورت مشروح به آن می‌پردازم و حالا که بحث حضور همسر شهید مطرح شد، یادم افتاد یکی از جلساتی که همسر شهید فخری زاده در آن شرکت می‌کردند مربوط به نشست‌هایی بود که ما بحث فلسفه علم را دنبال می‌کردیم.

توجه به خانواده



شهید بسیار مردم‌دار بودند و سعی می‌کردند نیروهای خود را راضی نگه دارند و آنها را تشویق کنند. البته باز هم تکرار می‌کنم در جاهایی هم که لازم بود که تنبیه و توبیخ انجام شود، تعارف نداشتند و اگر کاری خوب انجام نشده بود عتاب و خطاب را به عنوان یک مدیر عالی داشتند

این جلسات عمومی بود، طبقه‌بندی نداشت و ایشان با همسرشان در این جلسات حضور داشتند. با وجودی که به کار عشق می‌ورزیدند و به آن متعهد بودند اما خانواده را به هیچ وجه فراموش نمی‌کردند. مثلاً اگر همسر ایشان ساعت ۷ بعد از ظهر تنها بود یا کسی همراه ایشان نبود، شهید مایل نبودند تا خانم خود را تنها بگذارند و به همین دلیل می‌گفتند من تا ۷ بیشتر نیستم و جلسات را بر این اساس تنظیم کنید. ساعت خاصی را مشخص می‌کردند و می‌گفتند از این ساعت به بعد برای خانواده است و اگر از ایشان درخواست جلسه می‌کردیم، می‌گفتند این ساعت در اختیار خانواده هستم و باید به آنها برسم. به هر حال ارتباطات ایشان با خانواده و دوستان بسیار صمیمانه و محترمانه بود و در این خصوص بسیار نکته‌سنج بودند تا به هر یک از اینها به سهم خودشان بپردازد.

عشق به شهادت

عشق به شهادت یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی شهید فخری زاده بود که خیلی کوتاه به آن اشاره می‌کنم. اگر اتاق کار شهید را دیده باشید، متوجه این حس می‌شوید. شهید فخری زاده علاقه زیادی به ادبیات فارسی داشتند و اهل مطالعه ادبیات بودند و مشخصاً اشعار حافظ، سعدی و مولوی را می‌خواندند و اشعار این



این مطلب این بود که عشق شهید فخری زاده به شهادت را بیان کنم. ایشان دائماً در فکر شهادت و رسیدن به این مقام بالا بودند و همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند: شهادت حق ایشان بود و خداوند مزد زحمات شان را به ایشان دادند. در بحث دشمن شناسی که الان اشاره کردم، یکی از ویژگی هایی که مکراراً و نه یک بار و دوبار در شهید فخری زاده دیدم و اغراق نیست بگویم، این که در اکثر جلساتی که در سال های آخر عمر ایشان برگزار می شد من این مطلب را می شنیدم که اگر شهید فخری زاده می خواستند درباره برخی از مسئولان کشور نظر بدهند و مایل نبودند نسبت ناروایی به آن مسئول بدهند، می گفتند فلانی - مسئولی که مدنظر ایشان بود. دشمن ناراضی شناسند، ایشان می گفتند من پیشنهاد می کنم یک دوره کلاس دشمن شناسی برای اینها گذاشته شود تا نظام سلطه را بهتر بشناسند. ایشان نظام سلطه را به عنوان دشمن خدا، قرآن، اسلام و نظام تلقی می کردند و می گفتند این آقایان که غالباً مسئولان وزارت خارجه مدنظرشان بود. نظام سلطه را شناخته اند و خیلی خوش خیال و خوش باور هستند و فکر می کنند نظام سلطه اگر حرفی می زند ظاهر و باطنش یکی است. به طور کلی از رفتار مجموعه وزارت خارج کشور احساس رضایت نمی کردند.

ترورهای ناموفق

یکی از دغدغه های اصلی و اساسی شهید فخری زاده این بود که فعالیت ها و اقدامات شان بر مبنای تهدیدات دشمن باشد و قطعاً دشمن این را حس کرده بود و به همین دلیل دل خوشی از ایشان نداشتند. حدود ۱۱-۱۲ سال بود که می دانستم دشمن به دنبال ترور ایشان است. خبر داشتم که قبل از ترور شهید علیمحمدی چند بار تیم هایی اقدام به ترور ایشان کرده بودند که موفق نشدند تا این که به هدف خودشان رسیدند. گویی دشمن فهمیده بود که شهید فخری زاده آنها را خوب شناخته است. خاطره ای را در خصوص دیدار با رهبری برایتان نقل می کنم. زمانی که آقای دهقان وزیر دفاع بودند شهید فخری زاده، من و چند نفر از مدیران، سپند توفیق ملاقات و دیدار با حضرت آقا را پیدا کردیم. بعد از آن ملاقات یکی دو نفر از دوستانی که همراه ما بودند به آقای وزیر گفتند ما الان به خانم ها بگویم خدمت حضرت آقا رفتیم حتما ناراحت می شوند و می گویند چرا ما را نبردید و کاش ما را هم می بردید. آقای دهقان گفت سعی می کنم یک وقت دیگری بگیرم و شما با همسران خود بیایید. به مدت کوتاهی آقای دهقان این کار را کرد. یک وقت ملاقاتی گرفت که ما به اتفاق همسران خود خدمت آقا برویم. این اتفاق افتاد و خدمت حضرت آقا رفتیم و نماز ظهر و عصری را پشت ایشان خواندیم و بعد از نماز به ما گفتند که کنار هم بایستید و هرکس کنار خانم خود بایستد که حضرت آقا می خواهند با هر کدام تک تک احوالپرسی کنند. شهید و خانم ایشان، من و خانم و بقیه دوستان هم کنار هم ایستادیم. حضرت آقا تشریف آوردند و اول آقای فخری زاده و خانم ایشان بودند. حضرت آقا احوالپرسی کردند و بعد خطاب به خانم شهید گفتند از آقای فخری زاده راضی هستید؟ خانم فخری زاده طبعی بود تعریف کنند و این روشن بود.

رضایت رهبری از شهید محسن

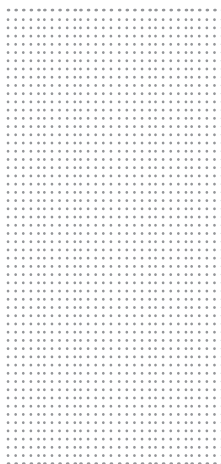
این جمله را می خواهم بیان کنم که نشان دهنده ارتباط دو طرف اینها با هم بود. حضرت آقا با کسی تعارف ندارند به خصوص ما که به عنوان سربازان گمنام مطرح بودیم. ایشان به خانم شهید گفتند ما از ایشان خیلی راضی هستیم. این جمله برای من خیلی شیرین بود که درباره شهید فخری زاده گفتند. من که شنیدم در

شعرا را حفظ بودند تا حدی که کم پیش آمد که در جلساتی با ایشان باشیم و شهید فخری زاده در طرح موضوعات از شعر کمک نگیرند. به جرات می توانم بیان کنم در همه جلسات، ایشان در لایه لای صحبت هایی که مربوط به هر کاری می شد، شعر مناسبی را از حفظ و به منظور انتقال بهتر مفهوم به کار می بردند. اتاق کار ایشان پر از شعر بود و یکی از این بیت ها این بود «بی حسرت از جهان به در نرو هیچ کس، الا شهید عشق به تیر کمان دوست» برداشت من این است ایشان با آن شعرهایی که انتخاب کرده بودند، می خواستند به مراجع کنند و کسانی که کنار ایشان هستند و وارد اتاق شان می شوند بگویند من کیستم و تفکر و نگاه من چیست؛ بنابراین شعرها را همین طوری به اتاق نزد بودند بلکه هدفمند بود.

همان طور که اشاره کردم ایشان بسیار صبور بودند و به صحبت همه مراجع کنندگان به خوبی گوش می دادند و سعی داشتند در حد توان کمک کنند. شعر دیگری را به یاد آوردم که نوشته بود «ای سلیمان در میان زاغ و باز، حلم حق شوب با همه مرغان بساز، مرغ جبری را زبان جبر گو، مرغ پریشکسته را از صبر گو». این شعر یکی از قاب های روی دیوار اتاق ایشان بود و به واقع با رفتارشان این شعر را اجرا می کردند. همان طور که بیان کردم با هرکسی با زبان حال خود او صحبت می کردند. ظاهراً به ایشان گفته بودند یک هفته از محل کار دور باشند. از همسرشان شنیدم که روزهای آخر حال دیگری داشتند و گویا می دانستند که وقت رفتن است و به نوعی آماده رفتن می شدند. می رفتند تا به آن نتیجه نهایی که مدت ها به دنبال آن بودند، برسند. یک روز تعطیل به من زنگ زدند و چون ارتباطات نزدیک داشتیم و سالیان سال با هم همکار و بالاتر از آن با هم رفیق شده بودیم تا حدی که همدیگر را به اسم کوچک خطاب می کردیم. ایشان احترام می گذاشتند و یک آقا هم به اسم اضافه می کردند، ایشان به من گفتند بلیت برده است. من مطلب را نگرفتم و گفتم نمی فهمم منظور شما چیست؟ بعد از صحبت، متوجه شدم که اسم من در لیست تحریم آمریکا قرار گرفته است و ایشان این خبر را به من دادند. من به حالت شوخی پرسیدم حالا باید خوشحال باشم یا ناراحت؟ ایشان گفت ناراحت برای چه؟ خیلی هم باید خوشحال باشید که دشمنان این نظام از شما می ترسند و اوج این شهادت است.

دشمن شناسی

بحث دشمن شناسی را هم یادداشت کردم که بیان کنم. ایشان به من گفتند خیلی باید خوشحال باشید، من گفتم شوخی کردم و بالاخره ما سال ها با هم هستیم و شما من را می شناسید که چطور اخلاقی دارم. هدفم از طرح



شهید فخری زاده
نظام سلطه را به عنوان
دشمن خدا، قرآن،
اسلام و نظام تلقی
می کردند و می گفتند
این آقایان که غالباً
مسئولان وزارت خارجه
مدنظرشان بود. نظام
سلطه را شناخته اند
و خیلی خوش خیال و
خوش باور هستند و فکر
می کنند نظام سلطه
اگر حرفی می زند ظاهر و
باطن آن یکی است

واقع قدری به حساب خودمان گذاشتم که بالاخره ما هم جزو تیم ایشان هستیم. از همین جمله این نتیجه را می‌گیرم که ارتباط شهید با حضرت آقا بسیار عاشقانه بود، بسیار باارادت بود. در صحبت‌هایی که با هم داشتیم آقای فخری زاده مکرراً می‌گفتند ما خیلی از حضرت آقا در کارها عقب‌تریم. ایشان خیلی جلورامی بینند و ما همیشه عقب هستیم و به عبارتی بده‌کاریم.

بحث‌های فلسفی

فراموش کردم این مطلب را بیان کنم که آشنایی من با شهید فخری زاده به سال ۷۰ یعنی به ۳۲ سال پیش برمی‌گردد که در دانشگاه امام حسین (ع) با هم همکار شدیم و از همان جا من بیش از گذشته با ایشان آشنا و به شهید نزدیک شدم و دریافتم که شهید فخری زاده علاقه زیادی به مطالعه کتاب‌های فلسفی دارند و فلسفه ملاصدرا را به صورت جدی دنبال می‌کنند. البته کتاب‌های علمای دیگر مثل علامه طباطبایی را هم می‌خواندند ولی تکیه ایشان روی فلسفه ملاصدرا بود. در همان ایام ایشان جلساتی را با موضوع فلسفه در دانشگاه تشکیل دادند که رسمی نبود و به قول معروف خودمانی و هیاتی بود. افراد مختلفی در آن جلسات حضور داشتند و با همدیگر بحث‌های فلسفی می‌کردیم و مشخص شد ایشان توانمندی خوبی در بحث‌های فلسفی کسب کرده‌اند. این قصه ادامه پیدا کرد تا زمانی که شهید به وزارت دفاع منتقل شدند. این جلسات در وزارت دفاع به صورت جدی‌تر دنبال می‌شد. یادم هست مادر دانشگاه مالک اشتر جلسه فلسفی داشتیم و منتظر شهید علیمحمدی بودیم که خبر ترور ایشان را به ما دادند. می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که ایشان در مطالعاتی که در بحث فلسفه داشتند، به این نتیجه رسیده بودند که باید بین علم فیزیک - که خودشان در این حوزه درس خوانده بودند - و فلسفه به ویژه فلسفه اسلامی پیوند قوی برقرار شود. ایشان معتقد بودند که فلسفه ملاصدرا می‌تواند یک سری از مشکلات علم فیزیک را حل کند و در واقع ایشان می‌گفتند ملاصدرا تمام تلاش خود را کرده است تا وجود خدا را اثبات کند، در حالی که نیازی به این کار نیست و وجود خدا کاملاً واضح و روشن است و ملاصدرا و دیگر فلاسفه اسلامی باید کارهای دیگری مانند برقراری ارتباط بین فلسفه اسلامی و علوم تجربی به ویژه فیزیک می‌کردند. اعتقاد ایشان بر این اساس بود و با پیگیری‌هایی که انجام دادند به نظر من کار بی‌نظیر انجام شد. این کار بی‌نظیر این بود در مجموعه دفاعی کشور که باید بحث نظامی و تجهیزات دفاعی دنبال شود و دغدغه اصلی آن معطوف به افزایش توان دفاعی باشد، یک گروه فلسفه را به صورت رسمی تشکیل دادند و این دغدغه را به مقامات بالاتر خود که وزرای وقت باشند

منتقل کردند و آنها را با توضیحاتی که می‌دادند متقاعد کردند که باید در سپندیک گروه فلسفه شکل گیرد که این اتفاق افتاد و کار دلی دانشگاه امام حسین (ع) در وزارت دفاع به بار نشست و ایشان مجوز تشکیل شاخه فلسفه در قالب ساختار تشکیلاتی وزارت دفاع را اخذ کرده و به دنبال این بودند که از مباحث فلسفی برای افزایش توان دفاعی استفاده و این مسأله را کاربردی کنند. من در طول مطالعات پراکنده‌ای که در این حوزه داشتم، ندیدم که کسی با این نگاه وارد فلسفه شده باشد. خبر دارید که ایشان در سال‌های آخر عمر خویش شروع به نوشتن یک کتاب در حوزه فلسفه علم کردند و قسمت‌هایی از این کتاب را نوشته بودند اما مجالی پیدا نکردند کتاب را کامل کنند. بعد از شهادت ایشان دنبال این بودیم که نوشته‌ها را پیدا کنیم و اگر امکانش باشد آنها را تبدیل به کتاب کنیم که متوجه شدیم اخیراً یکی از دانشجویانی که در جلسات فلسفه شهید فخری زاده شرکت می‌کردند، فارغ التحصیل شده و کتابی را در خصوص نظرات فلسفی شهید فخری زاده نوشته‌اند و تلاش مان این است که پس از بررسی و داوری کتاب، آن را به عنوان یکی از دستاوردهای فکری شهید فخری زاده چاپ کرده و به سالگرد بعدی شهید فخری زاده، که در پیش است، برسانیم.

شهید فخری زاده صبور بود

شهید فخری زاده در حوزه ورزشی هم پیشگام بودند. زمانی که در دانشگاه امام حسین (ع) بودیم، مرتباً برنامه فوتبال سالی داشتیم. بعداً ایشان به وزارت دفاع آمدند و این برنامه در آنجا هم ادامه داشت. مرتب ورزش می‌کردیم. ایشان دروازه بان بسیار جسوری بودند و اصلاً ترسی نداشتند و به پای حریف یا تیر دروازه شیرجه می‌زدند و آنجا هم سعی می‌کردند وظیفه‌ای را که برعهده دارند به بهترین شکل انجام دهند و گل نخورند اما از آن مهم‌تر این بود که برخلاف خیلی از ما و از جمله من که در فوتبال حرص زیادی می‌خوردیم، می‌گفتند بازی الکی بود و نه بحث قهرمانی مطرح بود و نه جایزه‌ای در کار است و فقط می‌خواستیم کمی بدویم و عرق کنیم. می‌خواهیم کمی ورزش و تفریح کنیم اما حرص می‌خوریم که چرا خراب کردید، چرا گل خوردید و چرا گل نزدید. شهید فخری زاده در این مورد بسیار صبور بودند و از آنجا که برای من احترام قائل بودند، غیرمستقیم می‌گفتند نمی‌دانم چرا برخی الکی جر می‌زنیم و نمی‌فهمیم این جرنلی برای چیست. فرض کنید توپی اوت می‌شد. بحث می‌شد که اوت به نفع کیست، ایشان می‌گفتند اگر داور هم اشتباهی کرده، مشکلی نیست. به ورزش به عنوان ساعتی که دور هم باشیم، کیف کنیم و تحرکی هم برای سلامتی بدن داشته باشیم، نگاه می‌کردند و اصلاً دغدغه نتیجه نداشتند اما تمام تلاش خود را می‌کردند. بسیار جسور بودند و فوتبال سالی ما چمن نیست، چمن مصنوعی نداریم و بازی در جای سیمانی و سفت است. ایشان در همان سالن سفت و سخت هم بسیار بی‌محابا شیرجه می‌رفتند اما اگر گل می‌خوردند هم مشکلی نداشتند چون تلاش خود را کرده بودند.

دنبال عنوان نبود

در خصوص ساده زیستی شهید فخری زاده باید بگویم ۳۰ سال صبح تا شب در محل کار با هم بودیم و ایشان از نظر ظاهری لباس مرتبی داشتند ولی ساده و معمولی بود و اصلاً دنبال زندگی اشرافی و این که به خودش سخت بگیرد، نبودند. قضایا را خیلی ساده برگزار می‌کردند و این ساده زیستی را در بحث رفتار سازمانی هم مدنظر داشتند. شهید فخری زاده عضو گروه فیزیک و هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع) بودند و همان طور که می‌دانید عضویت در هیات علمی یک ویژگی خاص برای افراد تلقی می‌شود و بسیاری از افراد هستند که می‌خواهند به هر طریقی که شده عنوان هیات علمی را پیدا کنند اما ایشان زمانی که به وزارت دفاع منتقل شدند،



فخری زاده می‌گفت

ملاصدرا تمام تلاش

خود را کرده است تا

وجود خدا را اثبات کند،

در حالی که نیازی به این

کار نیست و وجود خدا

کاملاً واضح و روشن

است و ملاصدرا و دیگر

فلاسفه اسلامی باید

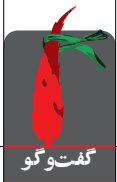
کارهای دیگری مانند

برقراری ارتباط بین

فلسفه اسلامی و علوم

تجربی به ویژه فیزیک

می‌کردند



بودیم آرزو داشتیم وزیر یا معاون وزیری را ببینیم و از آنها بخواهیم فلان تسهیلات را در اختیار من قرار دهند یا فلان مشکل را حل کنند. الان که خودم در این جایگاه قرار گرفتم و به نوعی معاون وزیر تلقی می‌شوم معنی ندارد که بقیه کسی را بگیرم تا قدمی بگذارم برادر تا کار من پیش برود. من الان باید راه را برای دیگران صاف کنم و باید شرایطی فراهم کنم تا کار انجام شود. من این اجازه را ندارم که نزد وزیر و وکیل و... گله کنم. آن زمان دست ما جایی نمی‌رسد و انتظار داشتیم برای پیشبرد کارها سراغ معاون وزیر برویم و از او درخواست وقت کنیم تا کاری کند، الان از هیچ یک از شما قبول نمی‌کنم بگویید از وزیر وقت بگیرید که کاری کنیم یا از وزیر چیزی بخواهیم. هر یک از ما در این مملکت یک مسئول عالی‌رتبه هستیم و باید کار کنیم و این بهانه‌ها پذیرفته نیست. در بحث انجام کارها هم هر وقت کسی درباره بودجه حرف می‌زد، می‌شنیدم که می‌گفتند اگر کار نکردید، مشکل از کمی بودجه نیست، مشکل این است که کار را بلد نیستید، یا حال ندارید، یا به اهمیت کار توجه نکردید و حسی به آن ندارید.

🔴 نگاه شهید به بودجه

بودجه جزو آخرین مشکلات مملکت است. هیچ کاری نیست که به خاطر نبود پول، جلو نرفته باشد و حتماً دلایل دیگری وجود دارد که کارها جلو نمی‌رود. در مجموع باید بگویم شهید فخری زاده یکی از شخصیت‌هایی بود که می‌توان ساعت‌ها از او ویژگی‌هایش صحبت کرد و به عمق شخصیتش پرداخت. باید درباره این وجوه شخصیتی از افراد مختلف سؤال کنیم و این شرح حال را الگوی خودمان قرار دهیم تا فردی شبیه شهید فخری زاده شویم. این راهم در نظر داشته باشید که درباره بسیاری از کارها و اقدامات این شهید نمی‌توانیم سخن بگوییم و این خدمات بعدها روشن‌تر خواهد شد.

🔴 شهید محسن هنوز گمنام است

چرا که در حال حاضر اجازه نداریم در خصوص نقش ایشان در اقتدار دفاعی کشور صحبت کنیم. هر چند خیلی از جزئیات را هم نمی‌دانیم. ایشان به دواصل حفظ محرمانگی و حیطة بندی در کارها بسیار پایبند بودند. بعد از شهادت ایشان بیشتر فهمیدم کارهایی که می‌خواستند انجام دهند را بین مدیران خود توزیع می‌کردند بدون این که دیگری بفهمد که فلان مدیر چکار می‌کند، یعنی به گونه‌ای عمل کرده بودند که من به عنوان مدیر ایشان از کار مدیر دیگر خبر نداشتم و به این ترتیب پایبندی زیادی بر اصل حیطة بندی داشتند و یکی از دلایل مهم موفقیت ایشان در مسئولیت‌هایی که بر عهده داشتند همین توجه به اصول و رعایت آنها بود که خیلی از ماها رعایت نمی‌کنیم. بسیاری از کارهایی را که ایشان انجام داده‌اند، اساساً ما نمی‌دانیم. خودم را عرض می‌کنم و از جزئیات یک سری از کارها هم که مطلعیم را نمی‌توانیم بیان کنیم و بعدها مشخص می‌شود که ایشان چه نقشی در اقتدار دفاعی کشور داشتند. مطلع هستم که یک مؤسسه آمریکایی سالانه قوی‌ترین افراد دنیا را معرفی می‌کند؛ شهید محسن فخری زاده در یک مقطعی به عنوان یکی از قدرتمندترین مردان جهان در آن لیست قرار گرفت. این قدرتمندی از نظر مالی نبود و منظور میزان تاثیرگذاری است. در آینده بیشتر مشخص خواهد شد که ایشان چقدر در افزایش قدرت دفاعی کشور نقش داشتند و چه کارهای عظیمی در این عرصه انجام داده‌اند. وقتی حضرت آقا می‌گویند ما از ایشان خیلی راضی هستیم، این تعبیر نشانگر این است که ایشان چقدر برای این نظام مفید بوده‌اند و کار کرده‌اند که رهبر انقلاب از کار این شهید اظهار رضایت می‌کند و بعد از شهادت هم آن پیام را می‌دهند که کارهای ایشان بدون استثناء باید ادامه یابد.

آن عناوین را با خود نیاوردند و به عنوان کارمند معمولی به وزارت دفاع آمدند، همچنین پرونده خود را به دانشگاه مالک اشتر نبردند چون اگر می‌خواستند هیات علمی شوند، پرونده باید به آنجا می‌رفت. ایشان حتی برای دوستانی که عضو هیات علمی بودند و اینجاکار می‌کردند و هنوز هم برخی با این عنوان مشغول به کار هستند، می‌گفتند هیات علمی باشید که بگویید من فقط موظف هستم در حد ۱۲ ساعت یا ۱۴ ساعت در هفته تدریس کنم و بقیه برای خودم باشد، من اصلاً هیات علمی بودن را قبول ندارم و چنین افرادی به درد من نمی‌خورند. من آدم تمام‌وقت لازم دارم. خودشان هم با این که عضویت در هیات علمی مزایا و دریافتی بیشتری برای شان داشت از خیر آن گذشته بودند.

شهید فخری زاده در ایام حیات‌شان دنبال اینها نبودند و همه این موارد حکایت از این دارد که کار برای ایشان مهم بود، نه عنوان! ساده زیستی برای ایشان مهم بود و می‌توانستند از عنوان هیات علمی استفاده کنند و اگر ساده زیست نبودند باید کاری برای تأمین هزینه‌هایی که بالا رفته انجام می‌دادند اما اصلاً دنبال این بحث‌ها نبودند و آن گونه که من شاهد بودم ایشان در خوراک، رفتار، پوشاک و ظاهر خود بسیار ساده زیست بودند.

🔴 عرق به میهن

درباره ویژگی‌های شهید فخری زاده می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد اما چون فرصت کم است مختصر بیان کردم. از حرکات و سکنات ایشان و صحبت‌هایی که می‌کردند مشخص بود که مهاجرت نخبگان برای ایشان به عنوان یک امر قبیح تلقی می‌شد. در سفرهای خارجی که باهم داشتیم و تعدادشان هم زیاد بود، به این موضوع اشاره می‌کردند که مجبور هستیم برویم و اگر می‌شد این سفرها را نمی‌آمدیم. شهید فخری زاده کنار خانواده بودن در داخل کشور را ترجیح می‌دادند. در سخنانم اشاره کردم که مدیران را به سفرهای داخلی می‌فرستادند و نظرشان این بود که ایران جاهای دیدنی زیادی دارد و اگر امکان سفر از لحاظ مالی و زمانی مهیا باشد، اگر هر روز هم به یک نقطه می‌رفتیم، باز هم عمر ما کفاف دیدن همه کشور را نمی‌داد. عرق به میهن و عشق به نظام و انقلاب در همه حرکات و سکنات ایشان مشخص بود و این دلبستگی مجال فکر کردن به مهاجرت را به ایشان نمی‌داد.

🔴 فکر و ذکر شهید محسن

همه فکر و ذکر شهید فخری زاده این بود که پروژه‌ها به نتیجه برسند و به این وسیله بتوانند کار مثبتی برای کشور انجام دهند. شاید بیان این جمله جالب باشد، شهید فخری زاده اواخر بیان می‌کردند زمانی که در دانشگاه



در بحث انجام کارها هم

هر وقت کسی درباره

بودجه حرف می‌زد،

می‌شنیدم که می‌گفتند

اگر کار نکردید، مشکل

از کمی بودجه نیست،

مشکل این است که کار

را بلد نیستید، یا حال

ندارید، یا به اهمیت کار

توجه نکردید و حسی به

آن ندارید

نخ تسبیح منافع ملی

شهید فخری زاده مواضع مختلف سیاسی را با تفکر ملی در کنار هم قرار می‌داد



(س. مطلبی زاده) که بیش از ۴۰ سال از عمر کاری‌اش را در کنار شهید فخری زاده گذرانده است در تشریح نحوه مدیریت این دانشمند شهید می‌گوید: در بحث مدیریت و رهبری نخ تسبیح بودند و هر کسی می‌توانست یک مهره ارزشمند و عقیق این تسبیح باشد. یکی از هنرهای ایشان این بود که قادر بودند افرادی با رفتارها و مواضع سیاسی متفاوت را کنار خود نگه دارند و از ظرفیت‌های آنها استفاده کنند؛ یکی چپ بود و دیگری راست، یکی فقط شخصیت علمی بود، یکی آدم اجرایی بود و تفکرات آنها بعضاً با یکدیگر تفاوت ۱۸۰ درجه‌ای داشت. گاهی اوقات می‌گفتم چگونه می‌توانند این تفاوت دیدگاهی را در جلسات راهبری که داشتیم، تحمل کنند؟ این مقوله یکی از قابلیت‌های فوق‌العاده خوب شهید فخری زاده بود. رویه معمول این است که نیروهای چپ افراد چپی می‌آورند و اگر راست باشند با نیروهای راستی کار می‌کند. افرادی که از سوابق و پیشینه علمی برخوردار هستند سعی می‌کنند افرادی را که هیچ موضع سیاسی ندارند و فقط بُعد علمی دارند به کار گیرند. شهید فخری زاده فقط یک هدف را دنبال می‌کردند با اینکه افراد صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف را با تفکر ملی در کنار هم قرار دهند تا از این مجموعه برای دستیابی به منافع ملی بهره‌برداری کنند.

وقتی که تحقق منافع ملی چشم‌انداز فعالیت‌های شخص یا سازمانی قرار می‌گیرد چارچوب‌ها کاملاً مشخص و شفاف است، دیگر نیازی نیست که هر روز رنگ عوض کنی و برای خوشایند فلان مسئول یا فلان جناح حرف و سخن دیگری را به زبان بیاوری. پرداختن به این شیوه تنها از عهده سربازانی برمی‌آید که دلبسته سیاست و میز و صندلی‌های وزارتی و مدیریتی نیستند. عرصه خدمت برای آنها در ارتقای کشور، خشنودی ملت و رضایت رهبری خلاصه شده است و دستیابی به منافع ملی و مصالح عمومی، تنها ملاحظات آنها برای انجام فعالیت‌هایشان است. شهید محسن فخری زاده نیز از همین قبیله بود و در طول خدمتش هرگز از استقلال و منافع ملی کشور کوتاه نیامد و سر آن معامله نکرد تا این که جان‌ش را نثار اعتلای نام ایران کرد. با این که شهید فخری زاده به اقتضای شغل حساس همواره گمنام می‌زیست و اطلاعات خاصی درخصوص مواضع سیاسی ایشان منتشر نشده است اما فعالیت در آن مسئولیت خطیر باعث شده بود که مسائل ملی کشور را فارغ از جناح‌ها و خط‌کشی‌های معمول سیاسی ببیند و ظرفیت‌های انسانی، علمی و فکری کشور را جهت مصالح ملی کشور بسیج کند.



دروازه بان درجه یک، شجاع و جسوری بودند که از دروازه مثل ناموس شان دفاع می کردند و در این زمینه خیلی بی باک بودند. در یک مقطعی از ایشان پرسیدم چرا ورزش را کنار گذاشتید در حالی که خیلی جدی ورزش می کردید؟ در پاسخ گفتند: احساس کردم خانواده به خصوص همسر حق دارند و باید وقت بیشتری را به آنها اختصاص بدهم. شهید فخری زاده سعی داشتند تا زمان بیشتری را به همسرشان اختصاص دهند و در همین راستا می گفتند: زمانی که برای ورزش صرف می کردم را برای انجام کارهای اداری و جمع و جور کردن آنها می گذارم و در عوض شب ها همراه با خانمم پیاده روی می رویم. غرضم از بیان این مطلب این است که ایشان ارزش زیادی برای ورزش قائل بودند اما اگر لازم بود اولویت را به خانواده و همسرشان می دادند و این تعهد و توجه برای من بسیار آموزنده بود.

🔴 برنامه ریزی دقیق

شهید فخری زاده، مدیران و پرسنل سازمان را هم جزئی از خانواده خود می دانستند. یک سری دایره متحدالمرکز را تصور کنید؛ دایره کوچک خانواده فرد، دایره بزرگ تر شامل مدیرانی می شود که با او کار می کنند و خانواده بزرگ تر دربرگیرنده سازمان است و وزارت دفاع برای شان خانواده بزرگ تر تلقی می شد. شهید فخری زاده فوق العاده منظم بودند و برنامه ریزی مناسبی برای وقت شان داشتند تا حدی که کسی را ندیدم که به اندازه ایشان منظم باشد. مدام برنامه های شان را یادداشت و در تمام جلسات برای خودشان صورت جلسه تنظیم می کردند تا در جلسات بعدی به یادداشت های خودشان ارجاع دهند. همیشه می دانستیم که آقای فخری زاده دقت زیادی به محتوای جلسات دارند، بنابراین این امکان وجود نداشت که یک جلسه حرفی بنیزد و در جلسه دیگری حرف متناقضی را مطرح کند چون ایشان هم بر زمان جلسه نظارت داشتند و هم توجه کاملی به محتوای ارائه شده می کردند. ایشان واقعا نسبت به تک تک افراد سازمان تعلق خاطر داشتند؛ پای مدیران شان می ایستادند و اگر کسی مشکلی داشت واقعا پیگیر موضوع می شدند تا آن را حل و فصل کنند. من با افراد دیگری هم دورا دور کار کردم اما کسی را ندیدم که به این سفت و سختی پیگیر کارکنانش باشد تا حدی که اگر مسأله ای برای پرسنل شان ایجاد می شد سعی می کردند آن را حل کنند و واقعا برای این کار وقت می گذاشتند. درخصوص این موضوعات آدم متعصبی بودند و ممکن بود به دلیل این تعلق خاطر از ضعف های موجود چشم پوشی کنند.

🔴 مرد عمل

شهید فخری زاده از آن دست مدیرانی بودند که اگر حرفی می زدند حتما به آن عمل می کردند، در حالی که متاسفانه به سخن کتبی بسیاری از مدیران نمی توان اعتماد و به آنها استناد کرد. بنده حداقل ۲۰ سال با ایشان کار کردم و حتی یک مورد پیش نیامد که ایشان قول و قرار بگذارند و آن را نقض کنند. این ویژگی فوق العاده مهم است. به کرات مدیرانی را می بینیم که امروز حرفی را می زنند و فردا پای حرفی که زدند، نیستند. به خاطر همین بود که بسیاری از افرادی که با آقای فخری زاده کار می کردند حاضر نبودند که ایشان را رها کنند چرا که می گفتند می توان به ایشان اقتدا کرد و تکیه زد. محال بود که حرف و عمل این مرد در تناقض بایکدیگر باشد و این موضوع یکی از خصلت های بسیار خوب ایشان در بحث مدیریتی بود. بحث معیشت و مشکلات مادی کارکنان و کارمندان هم برای شان بسیار مهم بود و اگر کاری از دست شان برمی آمد، دریغ

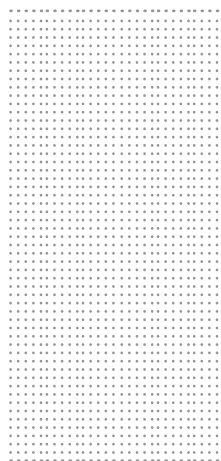
صادقانه می گویم آقای فخری زاده یک سری مشخصات فردی داشت که شخصا نظیرش را در هیچ کسی ندیدم. معمولا انسان ها دو جور هستند؛ دسته نخست شامل آدم هایی می شود که نظریه پرداز، تئوریسین و صاحب منش، فکر و اندیشه هستند و فرد یا افراد دیگری باید تفکرات آنها را اجرایی کند و گروه دوم نیز مشتمل بر افراد عملگرا و دارای قدرت اجرایی می شود که برای انجام فعالیت باید از تفکرات سازنده بهره بگیرند.

🔴 فیلسوف شهید

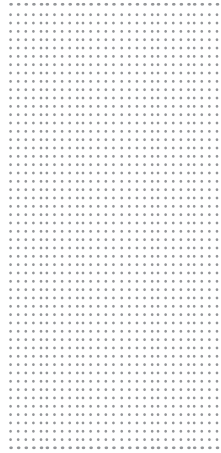
آقای فخری زاده تنها کسی بود که این دو ویژگی را با هم داشتند؛ از یک سو روح لطیف و طبع شاعرانه داشتند و شعر می گفتند و حافظ شناس بودند و از طرف دیگر فلسفه علم می دانستند و به نوعی فیلسوف بودند. شهید فخری زاده فلسفه را خیلی خوب می شناختند و در مباحث فیزیک نظری صاحب اندیشه بودند. معمولا افرادی که این تفکرات را دارند، آدم های نظریه پردازی هستند ولی این دانشمند شهید همزمان با نظریه پردازی، آدم بسیار عمل گرایی هم بودند. مدیری که کار اجرایی بلد بودند و مفاهیم کنترل پروژه را می دانستند، بلد بودند در آزمایشگاه کار کنند و انسانی بودند که بر مدیریت زمان، مدیریت جلسه و مدیریت بحران اشراف داشتند. تلفیق این دو ویژگی را فقط در ایشان دیده بودم. ما آدم های عملگرای زیادی داریم که خیلی قوی هستند، آدم های نظریه پرداز موفق و قدرتمندی هم داریم اما وجود این دو ویژگی را در یک فرد ندیده ام و اگر باشد هم بسیار به ندرت است. در محور شخصیت ها هم به طور نسبی از محور کامل سمت چپ و سمت راست برخوردار بودند، چرا می گویم نسبی چون به اعتقاد من هیچ انسانی کامل نیست و همه افراد مجموعا یک سری نقاط قوت و ضعف دارند، از همین رو و براساس ویژگی هایی که بیان کردم، انسانی مشابه ایشان ندیدم.

🔴 توجه به همسر

به یاد دارم شهید فخری زاده از سال ۱۳۸۷. ۱۳۸۵ هر هفته جلسه ای دو سه بار به صورت جدی ورزش می کردند تا این که همسرشان به دلیل این که شهید فخری زاده چند بار مورد حمله تروریستی قرار گرفته بودند دچار فشارهای استرسی و عصبی شدیدی شدند و شهید فخری زاده برای این که زمان بیشتری را با خانواده بگذارند، ورزش را به طور کامل کنار گذاشتند. خیلی خوب فوتبال بازی می کردند،



شهید فخری زاده از آن دست مدیرانی بودند که اگر حرفی می زدند حتما به آن عمل می کردند، در حالی که متاسفانه به سخن کتبی بسیاری از مدیران نمی توان اعتماد و به آنها استناد کرد. بنده حداقل ۲۰ سال با ایشان کار کردم و حتی یک مورد پیش نیامد که ایشان قول و قرار بگذارند و آن را نقض کنند





نمی‌کردند و به‌طور کلی آدم بسیار لاج و بلندطبعی بودند. بارها این شعر را برای من خوانده بودند که «زآب خرد ماهی خرد خیزد، نهنگ همان به که به دریا گریزد» همیشه می‌گفتند اگر کوچک باشید و کوچک فکر کنید، آبی هم که در آن شنا می‌کنید، کوچک خواهد بود. آب کوچک، ماهی کوچک دارد. اگر نهنگ هستید باید به دریا بروید. می‌خواستند به ما بگویند که بزرگ باشید و در سطح کلان و ملی نگاه کنید و بزرگان‌دیش باشید. این مباحث محور تفکرات ایشان بود. ایشان آدمی جسور، جنگنده و شجاع بودند و از مسائل و مشکلات نمی‌ترسیدند و برای آن راه حل پیدا می‌کردند. شهید فخری‌زاده اولین کسی بود که خودشان را با مشکلات مواجه می‌کردند و همین رویکرد باعث می‌شد تا بقیه مدیران هم به ایشان اقتدا کنند. کسی نبودند که پشت سر مدیر خود قایم شوند یا کسی را جلو بیندازند. همیشه پیشگام بودند. این شیوه نگرش متعلق به کسانی است که تفکر رهبری دارند. رهبر باید پیشرو باشد و از اندیشه‌های جلوبرنده و نو، برخوردار باشد.

برنامه‌ریزی کلان

همیشه این‌طور بود که اگر موضوعی را بیان می‌کردید روی آن مسأله متمرکز می‌شدند، درباره‌اش فکر می‌کردند و می‌گفتند برنامه من در خصوص این

موضوع این است و این راه و اندیشه را برای رسیدن به حل مسأله پیشنهاد می‌کنم. من این کارا کمتر را کمتر در مدیران دیده‌ام که برنامه کلان داشته باشند و بتوانند مسائل بزرگ را به مسأله‌های کوچک‌تر تقسیم کرده و آن را حل و فصل کنند. شهید فخری‌زاده در بحث مدیریت و رهبری نخ تسبیح بودند و هرکسی می‌توانست یک مهره ارزشمند و عقیق این تسبیح باشد. یکی از هنرهای ایشان این بود که قادر بودند افرادی با رفتارها و مواضع سیاسی متفاوت را کنار خود نگه دارند و از ظرفیت‌های آنها استفاده کنند؛ یکی چپ بود، یکی راست بود، یکی فقط شخصیت علمی بود، یکی آدم اجرایی بود و تفکرات آنها بعضاً با یکدیگر تفاوت ۱۸۰ درجه‌ای داشت. گاهی اوقات می‌گفتم چگونه می‌توانند این تفاوت دیدگاهی را در جلسات راهبری که داشتیم، تحمل کنند؟ فکر کنید هرکسی از یک سمت به موضوع نگاه می‌کند، غر می‌زنند، اوقات تلخی می‌کند، بدعنی می‌کند ولی ایشان تحمل می‌کردند. چرا؟ چون می‌دانستند این توانایی را دارند که برآیند بردارهای این افراد را در یک سمت همراستا کنند.

تمرکز بر تفکر ملی

این مقوله یکی از قابلیت‌های فوق‌العاده خوب ایشان بود و این ویژگی را در کسی ندیدم. رویه معمول این است که نیروهای چپ، افراد چپی می‌آورند و اگر راست باشند با نیروهای راستی کار می‌کنند. افرادی که از سوابق و پیشینه علمی برخوردار هستند، سعی می‌کنند افرادی که هیچ موضع سیاسی ندارند و فقط بعد علمی دارند را به کار گیرند. شهید فخری‌زاده فقط یک هدف را دنبال می‌کردند و آن این بود که افراد صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف را با تفکر ملی در کنار هم قرار دهند تا از این مجموعه برای دستیابی به منافع ملی بهره‌برداری کنند. ایشان این کار را به خوبی انجام می‌دادند. معمولاً آدم‌هایی که جسور و شجاع هستند، صبور نیستند اما حوصله شهید فخری‌زاده سر نمی‌رفت. نیم ساعت یا یک ساعت می‌نشستند تا یک نفر حرف بزند. ایشان با رفتار و منش خود به ما درس صبر می‌دادند. این قابلیت را داشتند که در جلسات کمیته راهبردی یا شورای سازمان از همه ظرفیت‌ها استفاده کنند.

این کار یک هنر است که آقای فخری‌زاده از آن بهره‌مند بودند و سعه صدر و صبور بودن‌شان اینجا نمایان می‌شد. بعضاً مشکلاتی برای مدیران یا پرسنل پیش می‌آمد، مثلاً فردی که از اعضای هیأت علمی دانشگاه بود، می‌خواست برای فرصت مطالعاتی به خارج از کشور برود و مشکل مالی داشت. ایشان تمام توان‌شان را برای حل مشکلات همکاران‌شان می‌گذاشتند و به آنها با نگاه برگشت به کشور و خدمت به کشور کمک می‌کردند و علی‌رغم این که آدم علمی بودند نسبت به آدم‌هایی که احساس می‌کردند از ارزش و شأنی برخوردار هستند فوق‌العاده متواضع بودند، نسبت به شخصیت‌های علمی یک صوری و حلمی در ایشان وجود داشت تا بتوانند از ظرفیت‌های علمی آنها استفاده کنند و در این مسیر غرولند و ناز و عشوهِ احتمالی آنها را می‌پذیرفتند.

بسیاری از مدیران مادر وزارت دفاع این تحمل را ندارند و ترجیح می‌دهند که عطای این افراد را به لقای‌شان ببخشند ولی ایشان این کار را نمی‌کردند. در بحث ارادت به رهبری ما بارها و بارها دیده بودیم که ایشان در

شهید فخری‌زاده در بحث مدیریت و رهبری نخ تسبیح بودند و هرکسی می‌توانست یک مهره ارزشمند و عقیق این تسبیح باشد. یکی از هنرهای ایشان این بود که قادر بودند افرادی با رفتارها و مواضع سیاسی متفاوت را کنار خود نگه دارند



بودند و می‌خواستند بدانند اینها چطور تخم‌ریزی و زادوولد می‌کنند تا قوانین حاکم بین آنها را بشناسند. در هر چیزی ورود می‌کردند و درباره جزئیات آن نیز کنج‌کاو می‌شدند و دوست داشتند بیاموزند. با طبیعت خیلی خوب بودند و علی‌رغم این‌که آدم جسوری بودند اما روح لطیفی داشتند.

این بارادوکس‌ها بود که ایشان را برای من جذاب می‌کرد، این‌که آدمی شجاع و نترس باشی اما دل‌ریق و روح لطیفی داشته باشی و عمل‌گرا و کاربلد باشی. معمولاً این آدم‌ها اندک هستند، من فردی با این دایره وسیع توانایی‌ها ندیدم. همین ویژگی‌های شهید فخری زاده باعث شده بود که نتوانم به ایشان نه بگویم. وقتی به اتاق ایشان می‌رفتم و کاری از من می‌خواستند، ممکن بود مخالف باشم اما نظرم را بیان می‌کردم ولی وقتی درباره موضوعی به جمع‌بندی می‌رسیدند، نمی‌توانستم نه بگویم چون احساس می‌کردم توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان از من بیشتر است و حتماً دلیلی دارد که این پیشنهاد را می‌دهند و من متوجه آن علت نشده‌ام. احترام خاصی برای ایشان و سخن‌شان قائل بودم و ضمن احترام به افرادی که آنها را می‌شناسم چنین حسی را درباره احدی ندارم.

من این مطلب را نزد کسی نگفتم و شاید کسی این را نداند که اختلاف سنی من و شهید فخری زاده زیاد نبود و ایشان یک سال از من بزرگ‌تر بودند اما نگرش من به ایشان نگاه استاد. شاگردی بود. شهید فخری زاده مدیری توانمند، مدبر، متعهد و راستگو بودند و جزو معدود افرادی بودند که حرفش دو تا نمی‌شود و به تعهدات خود عمل می‌کنند. شهادت ایشان یک آسیب جدی به ما وارد کرد.

✦ آدم دوست‌داشتنی

شهید محسن آدمی دوست‌داشتنی بود و اگر غریبه‌ای از سازمان با ایشان تماس می‌گرفت یا نزدشان می‌آمد تا جلسه‌ای در سازمان داشته باشند حتی اگر وی را نمی‌شناختند، اول با او جلسه می‌گذاشتند بعد با خودی‌ها. ما پاسخگو بودن و تکریم کسی که خواسته او را ببیند را در سیره رفتاری ایشان می‌دیدیم. برخی اوقات ما گله می‌کردیم برای کسی که از بیرون آمده وقت می‌گذارد و ما اینجا پشت در دفتر شما ایستاده‌ایم. البته دلیل این رفتارشان را می‌دانستم؛ نگاه‌شان این بود که او نمی‌داند من چه مشکلاتی دارم و قطعاً نیاز یا مشکلی داشته که خواسته مرا ببیند و باید ابتدا او را ببینم و شما خودی هستید. البته نسبت به خودی‌ها هم خیلی دقت داشتند و گاهی اوقات این مسئله افراطی می‌شد که به نظرم یکی از ضعف‌های شهید فخری زاده همین مسئله بود.

شهید فخری زاده بسیار آداب‌دان بودند و با افراد با احترام و تکریم برخورد می‌کردند و نگاه‌شان این بود که چه کاری می‌توانم انجام دهم. یکی از چیزهایی که من از ایشان یاد گرفتم همین مسئله بود و معتقد بودند کسی که نزد من آمده حتماً مسئله‌ای دارد و باید ببینم چه کاری می‌توانم انجام دهم تا مسئله او حل شود و نقش من برای حل مسئله او چه چیزی می‌تواند باشد. این خیلی مهم است چون می‌توانستند این طور برخورد کنند که این موضوع من نیست و اولویت ندارد و این‌گونه مسئله را از سر خود باز کنند اما شهید فخری زاده طبع بلندی داشتند و تلاش می‌کردند تا بتوانند گره‌ای را باز کنند.

صحبت‌های خود به تعابیر و تاکیداتی که حضرت آقا در سخنرانی‌ها یا در دیدارهای شخصی به آن پرداخته بودند، استناد می‌کردند و تمام توان خود را به کار می‌بردند تا مطالبات مقام معظم رهبری را اجرایی کنند. این مسئله همواره در جلسات عمومی، خصوصی و شورای سازمان مورد توجه بود.

✦ انس با ادبیات

انس با ادبیات به صورت ژنتیکی از پدرشان مرحوم حسین فخری زاده به ایشان رسیده بود. گویا پدرشان هم مثل شهید فخری زاده عاشق حافظ بودند و این ارادت را از ایشان به ارث برده بودند، این علاقه به ادبیات را در فرزندان‌شان هم ایجاد کرده بودند. شخصاً آدمی هستم که به تک‌تک کلمات دقت ندارم و بیانم مرتبط با برداشتی است که از کلیت جمله و مطلب داشتم ولی شهید فخری زاده توجه کاملی داشتند که ضمیر را کجا به کار ببرند و جایگاه فعل کجاست.

ایشان به تک‌تک کلمات توجه داشتند و گاهی اوقات می‌گفتند این کلمه را درست به کار نبردید. شناخت کامل ادبیات باعث شده بود که بسیار دقیق و شمرده‌شمرده صحبت کنند. کتاب زیاد می‌خواندند و اهل مطالعه کتاب‌های علمی و ادبی بودند. یکی از تفنن‌های ایشان انس با ادبیات بود و این هم‌نشینی روح ایشان را جلا بخشیده بود. آدم بسیار متدین و متشرعی بودند که به نماز و روزه تقید داشتند و به واجبات و محرمات پایبند و متعهد بودند.

آقای فخری زاده یک فرد امروزی بودند. دنیای دیجیتال را خیلی خوب می‌شناختند و بلد بودند از فناوری‌های جدید برای بهبود کار و فضای مدیریتی خود استفاده کنند. نگاه‌شان این بود که اینها ابزارهایی هستند که من برای خدمت کردن بهتر، مدیریت خوب و هندل کردن کارها از آن استفاده می‌کنم. لذا از فناوری خوب استفاده می‌کردند و این نگرش، ریشه در نگاه مدیریتی ایشان داشت تا بتوانند کنترل پروژه انجام دهند و بر برنامه‌ها نظارت داشته باشند تا مطلبی را فراموش نکنند. این مدیریت با آن نظم فکری و زمانی که داشتند تلفیق می‌شد و به این ترتیب هیچ چیزی از دست‌شان در نمی‌رفت.

✦ جسور اما لطیف

خیلی به طبیعت، کوه، حیوانات و... علاقه‌مند بودند. به یاد دارم چند کندوی زنبور عسل دیده



اگر شخصی نزد شهید

محسن می‌آمد حتی اگر

وی را نمی‌شناختند، اول

با او جلسه می‌گذاشتند

بعد با خودی‌ها. ما

پاسخگو بودن و تکریم

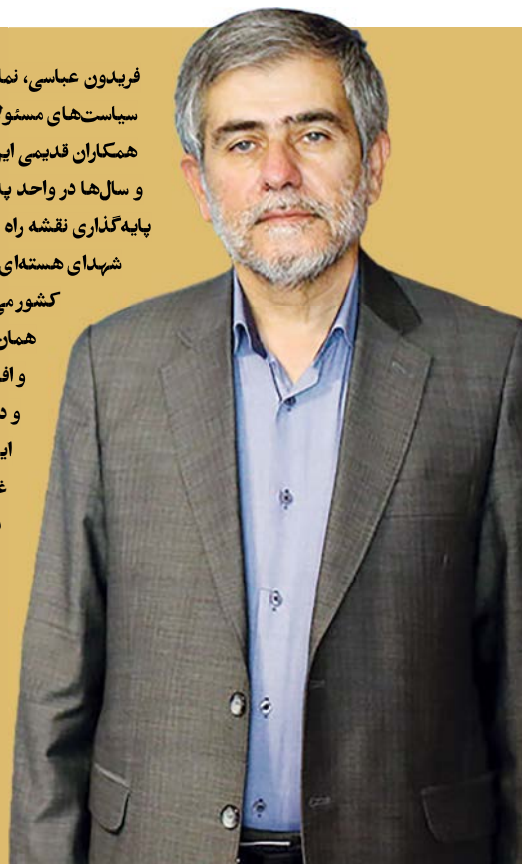
کسی که خواسته او را

ببیند را در سیره رفتاری

ایشان می‌دیدیم

فریدون عباسی، نماینده مجلس یازدهم و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ایران، جزو اولین نفراتی بود که به انتقاد از

فخری زاده دانشمند برجامی نبود



سیاست‌های مسئولان دولت تدبیر و امید درخصوص افشای هویت واقعی شهید فخری زاده پرداخت. وی که از دوستان و همکاران قدیمی این دانشمند شهید است، می‌گوید: دی‌ماه ۱۳۶۶ بود که برای نخستین بار با شهید فخری زاده آشنا شدم و سال‌ها در واحد پدافندی با هم همکار بودیم تا این که جانشین من در گروه فیزیک دانشگاه امام حسین (ع) مشغول پایه‌گذاری نقشه راه صنعت هسته‌ای کشور شد و در این مسیر از کمک‌های شهید علی‌محمدی و شهید شهریار دیگر شهدای هسته‌ای ایران بهره‌مند بود. این فعال پیشکسوت هسته‌ای، شهید فخری زاده را سردار سلیمانی عرصه هسته‌ای کشور می‌داند و معتقد است: دانشمند شهید محسن فخری زاده یک انسان انقلابی و پاسدار انقلاب اسلامی بود. همان گونه که سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی از مرزهای انقلاب اسلامی در مقابل تروریست‌های تکفیری و افراطی دفاع کرد، شهید فخری زاده نیز با دفاع از مرزهای علمی انقلاب اسلامی، سلیمانی صنعت هسته‌ای و دفاعی بود. به‌زعم فریدون عباسی، سرویس‌های اطلاعاتی غربی به‌منظور توقف روند پیشرفت علمی ایران، حذف فیزیکی شخصیت‌های برجسته این عرصه را در دستور کار قرار دادند و موساد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ترور شهدای هسته‌ای ایفای نقش کرده است اما محاسبات آنها در این خصوص غلط از آب درآمد و صنعت هسته‌ای کشور با وجود برنامه‌های برخی از کج‌اندیشان داخلی در مسیر رشد و توسعه حرکت می‌کند. فریدون عباسی در ادامه فعالیت‌های علمی خویش در کسوت استادی شهید فخری زاده قرار گرفته و در طراحی تر دکترای این شهید و الامقام نقش داشت و پس از ترور این شهید نیز از جایگاه نمایندگی خود استفاده کرد تا همدسه حرکت مجلس انقلابی در کارزار هسته‌ای را تغییر دهد. مرور اخبار مجلس در روزهای پس از ترور شهید فخری زاده حکایت از این دارد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب طرح دو فوریتی، اقدام راهبردی ایران را برای لغو تحریم‌ها در مسیر تدوین شده کشور در برنامه هسته‌ای - که در قالب برجام به ملت ایران تحمیل شده بود - مورد تجدیدنظر قرار دادند. از همین رو به مناسبت سومین سالگرد شهادت محسن فخری زاده گفت‌وگویی با ایشان انجام دادیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

بسیاری از اساتید دانشگاه‌های کشور، آقای فخری زاده را می‌شناسند و مطلع هستند سال‌هایی که مدیریت این بخش را برعهده داشت، کارهای بزرگی انجام داد. این دانشمند شهید علاقه وافری به حوزه فلسفه علم داشت. این مبحث را تدریس می‌کرد و علاوه بر آن، جلسات مشترکی را با حضور اساتید رشته‌های مختلف که به‌نحوی به فلسفه علم ربط پیدا می‌کرد، تشکیل داد و با آنها مباحثه علمی می‌کرد. حتی در این زمینه مقاله هم دارد. شهید محسن فخری زاده در حوزه مدیریت تحقیقات هم آدم صاحب‌نظری بود. در دوره‌ای که قدری کارها روی غلتک افتاد و نیروهای علمی شایسته‌ای در این عرصه تربیت و گروه‌های مختلف علمی برای گسترش دانش هسته‌ای تشکیل شد، برای اتمام تحصیلات وارد مقطع دکترا شد و این مدرک را هم اخذ کرد. شهید فخری زاده از متخصصان برجسته کشور در آشکارسازی تابش‌های هسته‌ای بود و در زمینه شبیه‌سازی، محاسبات هسته‌ای و اندازه‌گیری تابش‌های هسته‌ای، تخصص داشت. دشمن، ایشان را شناسایی و از سال ۹۷ تیم تروری را مأمور

ایام متوجه شد کسانی هستند که سلاح به دست بگیرند، تیراندازی کنند و ادوات نظامی را به‌کار گیرند، پس باید در ابعاد علمی و فنی با دشمن مبارزه کرد و الان موقعی است که کشور باید با توان علمی و فنی وارد کارزار جنگ شود. واحدهای پدافندی آن زمان به تشخیص شهید فخری زاده شروع به کار کردند. ایشان در ادامه موفق به کسب مدرک فوق‌لیسانس فیزیک هسته‌ای از دانشگاه صنعتی اصفهان شد و با درجه کارشناسی ارشد به این کار ادامه داد. اوایل دهه ۷۰ شمسی تا سال ۷۶ به عنوان مدیر این بخش، نقشه راهی را با این محور که چطور در صنعت هسته‌ای پیشرفت کنیم، تدوین کرد تا به این ترتیب امکانات کشور و وظایف حوزه‌های مختلف برای تحقق این مسأله بسیج شود. حاصل کار شهید فخری زاده و تیمی که هدایت می‌کرد، این بود که کشور راه خود را درست انتخاب کند و در مدت زمان کوتاه، جهش بسیار خوبی در حوزه علم و فناوری هسته‌ای داشته باشیم. البته افراد دیگری در این حوزه در کشور کار می‌کردند ولی

۹ به سالگرد شهید فخری زاده نزدیک می‌شویم و توان علمی ایشان مشخص بود، با اتمام این تفاسیر به‌فرمایید چرا دشمن از ایشان

می‌ترسید و به چه علت ترورهای این چنینی را شاهد هستیم؟

آقای فخری زاده از جوانان غیور و انقلابی کشور در زمان انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود که در جلوگیری از تجزیه ایران عمل کرد و با حضور در مناطق آشوب‌زده که معاندان نظام در آن فعال بودند، اقدامات مناسبی را در دفاع از کشور انجام داد. در یک نگاه کلی فرد دلیر و خوشفکری بود. جزو رزمندگانی بود که در عملیات رمضان با نیروهای رژیم صدام جنگ جانانه‌ای هم کرد و تا جایی که لازم بود در جبهه‌ها حضور داشت و با بازگشایی دانشگاه‌ها به سنگر علم بازگشت و دوره کارشناسی را تمام کرد. رژیم بعث در آن زمان سلاح‌های کشتار جمعی می‌ساخت و استفاده می‌کرد؛ در نتیجه وارد یگان‌های پدافندی شد. در سال‌های ۶۶-۶۵ که اوج موشکباران و استفاده از سلاح شیمیایی و میکروبی علیه ایران بود، به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. در آن

صحت‌ها و حرف‌هایی که در این خصوص مطرح کردند، وجود دارد و تمسخر آزمایش‌های موشکی و کمبود بودجه در این حوزه‌ها موجود است. حتی در ابتدای دولت نیز تصمیم به حذف شخص آقای فخری‌زاده از مسئولیت داشتند که این موضوع علنی نشد و فقط چند نفر در کشور که شاید اندازه انگشتان دست باشند از این مسأله مطلع بودند. آنها برای خوش خدمتی به غرب، ابایی از تعطیلی پروژه‌های راهبردی و حذف افراد نداشتند. من یک مثال علنی بیان می‌کنم که متوجه شوید چگونه می‌خواستند شهید فخری‌زاده را برکنار کنند؛ مجموعه‌ای را برای روایت زندگی شهید شهرداری ساختند، شما نگاه کنید در آن فیلم هیچ ردپایی از این‌که چقدر شهید شهرداری با شهید فخری‌زاده مانوس و دوست بودند، وجود ندارد و نمایش داده نمی‌شود. فرض کنید شهید فخری‌زاده دروازه‌بان ایستاده و آقای شهرداری به ایشان گل زده است، این یک تفریح دوستانه هم نبود، با هم کار ورزشی و قرآنی داشتند یعنی یک جور شخصیت‌سازی می‌کنند، انگار شهید شهرداری ارتباطی با شهید علیمحمدی و شهید فخری‌زاده نداشته است. من که زنده هستم، حدود ۱۶ سال مستقیم با شهید شهرداری کار کردم، ۳۰ سال نیز در کنار شهید فخری‌زاده حضور داشتم و مثل برادرم بود، می‌توانم این حرف‌ها را بزنم. سابقه آشنایی شهید فخری‌زاده با شهید شهرداری نیز حدوداً ۱۶ سال بود. آنها حتی هنرپیشه‌ای که در فیلم نقش بنده را بازی کرده، حذف کردند تا حدی که بازیگر و گریمر کار از این اتفاق شاکي شدند که مابین مقدار کار کردیم، چرا حذف کردند. گریمر و بازیگر می‌خواستند هنر خود را نشان دهند و مطرح شوند ولی حذف شدند. به من زنگ زدند که یک کاری کنید، چون این بخش‌ها را به خاطر شما حذف کرده‌اند. گفتم من چکار دارم و من نه سناریست هستم، نه کارگردان و نه تهیه‌کننده و من کاره‌ای نیستم، خودتان اعتراض کنید.

این همان جریان فکری است که می‌خواهد وزیر خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی وقت را مطرح و پول کشور را صرف تبلیغات آنها کند. عملکرد آنها در راستای فعالیت رژیم صهیونیستی، آمریکا و MI6 انگلستان در حذف افراد است. آنها در داخل همان کار را می‌کردند و در طول ۱۲ سال نتوانسته بودند فخری‌زاده را حذف کنند. بنده هم که ترور شدم، زنده ماندم و دشمن نتوانست ما را حذف کند اما اینها ما را حذف کردند و هشت سال نگذاشتند حتی یک پروژه علمی انجام شود و بودجه آن را قطع کردند. هر جا که توانستند، سعی کردند ما را لولو قلمداد کنند. همین جریان است! آقای فخری‌زاده که ترور شد، می‌خواستند بگویند دانشمند نبود، علمی نبود، چیزهای مختلف گفتند و ایشان را در حد یک مدیر اجرایی در وزارت دفاع تنزل دادند، چون نمی‌خواستند بگویند در وزارت دفاع کار می‌کرده است. همان زمان در مصاحبه با خبرگزاری‌های فارس و تسنیم گفتم ایشان معاون وزیر دفاع بوده و در وزارت دفاع و دانشگاه امام حسین (ع) فعالیت می‌کرده است تا مردم متوجه شوند که دشمن تا کجا نفوذ کرده، اطلاعات می‌گیرد و افراد شاخص و برجسته ما را ترور می‌کند. برنامه آنها این است که کار دشمن را پیش پا افتاده جلوه دهند و بگویند کار دشمن امنیتی و استراتژیک نیست. همین است که بعداً انفجارهای دیگر را هم انجام می‌دهند. در تاسیسات هسته‌ای و جاهای دیگر هم خرابکاری می‌کنند. موجوداتی در کشور هستند که نمی‌خواهند ضعف‌شان آشکار شود بنابراین می‌گویند فردی که ترور کردند، شخصیت مهمی نبود. وظیفه ما این است که نقشه آنها را نقش بر آب کنیم. این همان جریانی است که می‌خواستند بگویند احمدی‌روشن دانشمند نیست، یک دانشجوی شریف است و من جلوی این را گرفتم. من از خودم تعریف نمی‌کنم، می‌گویم اینها جریانی بودند که می‌خواستند بگویند مشکل، خلأ امنیتی و ضعف در این عرصه نیست و احمدی‌روشن یک دانشجو بود. در صورتی که احمدی‌روشن ۱۰ سال بود که فارغ‌التحصیل شده بود. بنده خبر را نوشته، به مطبوعات دادم و گفتم ایشان از مدیران انرژی اتمی است و در شرکت کالالکتریک

حذف فیزیکی این دانشمند برجسته کرد، چون می‌دانست ایشان آدمی نیست که به دلیل رعب و وحشتی که دشمن ایجاد کرده از میدان مبارزه خارج شود و از فعالیت در این عرصه صرف‌نظر کند. دشمنان که دیدند ایشان با ترساندن، کنار نکشید و تطمیع نشد، تصمیم به ترور ایشان گرفت تا جمهوری اسلامی از توانایی‌های ایشان محروم شده، برنامه‌ریزی‌هایش در حوزه هسته‌ای دچار بن‌بست شود و عقب بیفتد. ترور افرادی همچون شهید علیمحمدی، شهید شهرداری، شهید رضایی‌نژاد و شهید احمدی‌روشن نیز در همین راستا بود. البته تیم ترور در بدو امر برای ایشان اعزام شده بود اما نقشه‌های دشمن در این خصوص به دلیل هشجاری نیروهای امنیتی در چند نوبت خنثی شد که اوج آن مربوط به سال ۸۷ می‌شود. از آن زمان شهید فخری‌زاده تحت حفاظت بود و کنترل می‌شد تا دشمن به ایشان نزدیک نشود.

در حوزه ادبیات هم آدم حاذق و حافظ شناس قابلی بود. هرگاه می‌شعر می‌گفت، اشعار حافظ را تفسیر و از افعال و ابیات او استفاده می‌کرد و بر قرآن مسلط بود. شخصیت کاریزماتیکی داشت که افراد جذب او می‌شدند، یعنی اساتید مختلف، ایشان را قبول داشتند، با وی کار می‌کردند و مدرک خیلی برای آنها مهم نبود. ایشان فوق لیسانس بود و خیلی از کسانی که با ایشان کار می‌کردند، دانشجو، استاد یا استاد تمام بودند ولی کاملاً آگاهانه با ایشان در ارتباط بودند و کارها را پیش می‌بردند.

۹ آن زمان شما مصاحبه‌ای انجام داده و اشاره کردید که شهید فخری‌زاده مؤثرترین فرد در حوزه هسته‌ای است و نقشه راه هسته‌ای کشور را تهیه کرده است ولی مسئولان آن زمان در دولت دوازدهم و حتی وزیر خارجه مابه‌نوعی سعی داشتند چهره واقعی شهید فخری‌زاده را سانسور کنند و ایشان را به عنوان یک دانشمند هسته‌ای معرفی نکنند دلیل این تناقض چه بود؟

دولتی که آن زمان سرکار بود، اساساً با موضوعات راهبردی کشور زاویه داشت و این موضوع فقط محدود به موضوع هسته‌ای نبود، مثلاً سازمان فضایی کشور را به تعطیلی کشاندند. این که موشک آزمایش کنیم رابه‌سخره می‌گرفتند و فرستادن میمون به فضا را کار عبثی می‌دانستند. موضوع موشکی را زیر سؤال می‌بردند، فکر نمی‌کردند که توان موشکی اقتدارآفرین است؛ باعث اقتدار علمی ما می‌شود و ما می‌توانیم بعد از آن به پرتاب ماهواره دست پیدا کنیم. با حضور ما در منطقه آسیای جنوب غربی و اقداماتی که شهید حاج قاسم سلیمانی انجام می‌داد، مخالف بودند و آن برنامه برجانی را که با فریب توانستند در حوزه هسته‌ای انجام دهند می‌خواستند به حوزه‌های دیگر نیز تعمیم دهند و کشور را در تمام ابعاد علمی و فنی فلج کنند.

این مسأله نیاز به اثبات ندارد و کاملاً مشهود است؛ زیرا



مسئولان دولت تدبیر و امید اقدامات دانشمندانی همچون فخری‌زاده را عبث می‌دانستند و مخالف آن بودند

که همان شرکت بهره‌برداری سانتریفیوژ است هم کار می‌کرد. چرا نباید اینها را بیان کنیم؟ چرا نباید بگوییم که آدم‌های مهم و بااستعدادی داریم؟ همین جریان فکری درخصوص ترور شهید رضایی نژاد، وقیحانه گفتند این دعوی شخصی بود. اول این طور عنوان کردند. می‌توانید آرشور نگاه کنید.

[۴] زمان ترور شهید فخری‌زاده در خبرگزاری فارس بودم و این خبر را که نباید کردید، شهید فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای است

را گرفته و منتشر کردم

چند روز بعد از آن به خبرگزاری فارس آمدم و تهدید کردم که چرا گفتید دانشمند برجاسی! چرا باید ارزش آقای فخری‌زاده را پایین بیاوریم و بگوییم دکترا ندارد؟ اگر بخواهید ادامه دهید، من حاوی اطلاعاتی هستم و درخصوص آنها حرف می‌زنم؟ مجبور می‌شوم در تلویزیون بگویم که چرا ایشان را ترور کردند؟ فوتبالیست بود؟ یک فوتبالیست را ترور کردند؟ باید باطنز توأم با اندوه و غم این مطلب را بیان کنم. من گفتم شهید فخری‌زاده دکترا بود، من استاد او بودم و تز دکترای او با من بود. موضوع تز دکترای ایشان را من تعریف کردم و اسمم در رساله دکترای ایشان نوشته شده است. وقتی من از این شهید بزرگوار دفاع می‌کنم، می‌گویند می‌خواهی از خودت تعریف کنی. من تعریف را می‌خواهم چکار کنم؟ می‌گویند دانشمند برجاسی! اگر دانشمند برجاسی بود، برای چه او را ترور کردند؟ باید ظریف و صالحی و کمالوندی را ترور می‌کردند. اگر برجاس چیزی بود که بابت آن بخواهند کسی را ترور کنند، باید آقای روحانی یا برادر آقای روحانی را ترور می‌کردند. این همه آدم مرتبط با برجاس وجود داشته، چرا باید شهید فخری‌زاده را ترور کنند؟ چون شهید فخری‌زاده نقش اساسی در پیشرفت علم، فناوری هسته‌ای و سایر موارد داشت و قطعا در آینده خواهند گفت که چه کارهایی کرده است.

[۴] رساله دکترای آقای فخری‌زاده چه بود؟

تخصص آقای فخری‌زاده در آشکارسازی تابش هسته‌ای بود و از دوره بعد از لیسانس در این خصوص کار می‌کرد. آقای فخری‌زاده می‌خواست سامانه و سیستم اندازه‌گیری بسازد تا بتواند ذرات نوترینو را فارغ از این که کیهانی هستند یا ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای از راه دور اندازه‌گیری کند. وقتی مطالعات را انجام داد، قبل از این که پیشنهاد پروژه ایشان در دانشگاه تصویب شود، من بخش تجربی آن را حذف کردم و گفتم این بخش کار، زمانبر است و تحقیقات در این خصوص طولانی می‌شود، علاوه بر این هزینه چند میلیاردی دارد و دانشگاه نمی‌تواند چنین پولی را تامین کند. اگر پول هم داشته باشیم، ابزاری که برای این کار لازم داریم، جزو ابزار تحریمی است. بنابراین به ایشان گفتم اگر بتوانید صورت مسأله را درست تعریف کنید و شبیه‌سازی و محاسبات مرتبط با نرم‌افزاری که وجود دارد را انجام دهید و فیزیک موضوع را خوب تحلیل کنید، برای رساله

دکترا کافی است و نیازی نیست که دست به کار تجربی بزنید. ایشان پذیرفت و همه اساتیدی که حضور داشتند، نظر بنده را تایید کردند و گفتند همین قدر به عنوان یک رساله دکترا ارزش دارد. درواقع شهید فخری‌زاده می‌خواست در رساله دکترا مقدمات لازم برای آشکارسازی نوترینوها را چه آنها که از آسمان به زمین بیاید و چه آن دسته که در راکتورهای هسته‌ای به وجود آمده، گسترش می‌یابد را بررسی کند. این مطالعات و تحقیقات خطری برای کسی ندارد و ابزار است تا انسان به وسیله آن از وجود یک راکتور پنهان خبر بگیرد.

[۴] رهبر انقلاب در پیامی که به مناسبت شهادت شهید فخری‌زاده منتشر کردند، پیگیری این جنایت و مجازات قطعی آمران ترور و پیگیری تلاش‌های علمی و فنی شهید فخری‌زاده را دو مطالبه اصلی عنوان کردند اما آنچه که مشخص است، گروه فلسفه که نتیجه سال‌ها مطالعه و بحث این شهید و هم‌زمانش در عرصه تولید علم بود، تعطیل شده و دیگر خبری از جشنواره‌هایی که ایشان برای شناسایی نخبگان ترتیب داده بود، نیست. چرا این کم‌کاری رخ می‌دهد و این خواسته‌های صریح نشنیده گرفته می‌شود، آیا این مسائل ریشه در نفوذ بدخواهان به این سطوح دارد؟

ادامه دادن راه این شهید بزرگوار بهترین پاسخ به ترور شهید فخری‌زاده، است. جوانان نخبه و پژوهشگر ما باید با قدرت پروژه‌های دفاعی و هسته‌ای کشورمان را پیش ببرند و به نتیجه برسند. بنده و همکارانم در مجلس شورای اسلامی نیز تلاش خواهیم کرد تا قوانینی را با هدف تقویت بنیه علمی کشور به تصویب برسانیم. بنده دو سه روز پس از ترور شهید فخری‌زاده در توییتی نوشتم که خون شهید فخری‌زاده هندسه حرکت مجلس انقلابی در کارزار هسته‌ای را تغییر داد و بنده چهار موضوع محوری یعنی آغاز غنی‌سازی ۴۰ درصد، اخراج تمامی بازرسان آژانس، قطع همکاری با آژانس و خروج از برجام را شخصا پیگیری خواهم کرد که این اتفاق هم افتاد؛ البته آنهایی که اهل سازش هستند، ابایی از پایمال شدن خون شهید فخری‌زاده و دیگر شهدای هسته‌ای ندارند اما اتفاقات برجاسی و مماشات طرفداران نظریه سازش، نشان داد که اتخاذ این روش، دستاوردی برای ملت ایران نداشته و ما باید با دستیابی به قدرت هسته‌ای و موشکی، اقتدار خودمان را تثبیت کرده و ره‌رو راه شهید فخری‌زاده باشیم.

[۴] گوید در همان دوران که فشار زیادی روی ایشان بود، کار جدیدی را شروع کرده بودند؟
بله آن قدر درایت داشت که در هر موقعیتی بتواند سودمند باشد. همان طور که گفتم، متأسفانه محدودیت‌هایی برای فعالیت ایشان اعمال شد و خیلی‌ها در تلاش بودند تا شهید فخری‌زاده را برکنار و فعالیت ایشان و مجموعه تحت مدیریتشان را مثل تشکیلات انرژی اتمی محدود کنند که الحمدلله با هوشمندی و همکاری مسئولان طراز بالایی که در رأس کشور هستند، این اتفاق نیفتاد، سیستم حفظ شد و تولید همین کیت کرنا که در عین اهمیت در مقابل خدمات و اقدامات آقای فخری‌زاده واقعا کاری خاصی نیست، در همین دوران انجام شد.

سال‌های زیادی با شهید فخری‌زاده کار کردم و از نزدیک شاهد مجاهدت‌های علمی و عملی ایشان بودم، شهید فخری‌زاده مدیر بسیار برجسته‌ای بود، از قدرت جذب بالایی برخوردار بود و افراد شاخص زیادی را در مجموعه گرد هم آورده بود تا فعالیت‌های شان اثرگذارتر باشد. ایشان به قدری صبور بود و سعه صدر داشت که با انواع و اقسام سلیقه‌ها کار می‌کرد. همین ویژگی‌ها باعث شده بود که بسیاری از مدیران و متخصصان صنعت هسته‌ای با شهید فخری‌زاده همکاری داشته باشند. این شهید بزرگوار در پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای، پشتیبانی از اقدامات هسته‌ای، غنی‌سازی و سایر مواردی که در علم هسته‌ای موثر است، فعالیت و همکاری داشت.



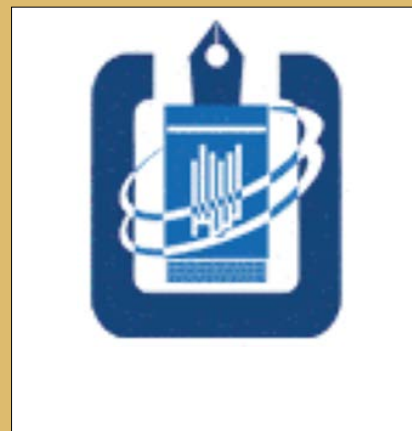
ادامه دادن راه این شهید بزرگوار بهترین پاسخ به ترور شهید فخری‌زاده، است. جوانان نخبه و پژوهشگر ما باید با قدرت پروژه‌های دفاعی و هسته‌ای، کشورمان را پیش ببرند و به نتیجه برسند



در گفت و گو با همکار نزدیک شهید فخری زاده مطرح شد: تهدید سپند به تعطیلی

با شهید فخری زاده را در سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی وزارت دفاع دارد. وی در بخشی از این گفت و گو اظهار کرد: بعد از سردار وحیدی توجه به سپند و مجموعه مایلی افول کرد. وزرای بعدی مشکلات زیادی درست کردند، به خصوص در زمان آقای روحانی فشار از همه جهت به سازمان ما وارد شد و رسماً دنبال تعطیل کردن سپند بودند و دستور تعطیلی را داده بودند و به خاطر همین مسائل فشار زیادی روی ما بود. البته وزیر این کار را نکرد چون به این باور رسیده بود که وجود سپند لازم است ولی چون از بالادست و اطراف حمایت نمی شد خیلی تحت فشار بودیم و پروژه ها را در اوج فشار مالی انجام می دادیم. با همه این احوالات شهید فخری زاده اعتقاد داشتند که باید کار را انجام داد و پروژه ها را تا حدی که می شد ادامه می دادند. اگر کمی پول داشتیم نمی گفتند این بحث را رها کنیم و تا حد امکان با همان بودجه کم کمک می کردند که کارها طبق روال انجام شود.

سرافراز خدشه وارد کنند و صد افسوس که بعضاً این فضا از سوی برخی مسئولان نظام در اختیار معاندان قرار می گیرد تا با انجام برخی اقدامات ضدملی، به سرمایه های اصلی ملت ایران آسیب بزنند. شهید محسن فخری زاده یکی از این خیل عظیم است که تمام توان خود را نثار اعتلای ایران کرد و در این راه به فیض شهادت نائل شد. این دانشمند شهید، دستاوردهای عظیمی را در حوزه های مختلف دفاعی و هسته ای از خود به یادگار گذاشت و آخرین تلاش هایش نیز در راستای تولید کیت تشخیص کرونا بود تا در زمانه ای که مسئولان اجرایی کشور نظاره گر مرگ بیش از ۷۰۰ نفر در کشور بودند، مرهمی بر دل های دردمند بیماران کرونایی و خانواده آنها بگذارد اما متأسفانه اقدامات این شهید سرافراز در سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی وزارت دفاع (سپند) در دولت تدبیر و امید با بی مهری مواجه بود طوری که به گفته یکی از همکاران شهید فخری زاده حتی بیم تعطیلی این سازمان وجود داشت. (ن. اطلاعاتی) از جمله مدیرانی است که سابقه همکاری



توجه به عرصه های نوظهور و بدیع در وزارت دفاع، پیشرفت های قابل توجهی را نصیب کشورمان کرده است. تداوم این تلاش های اقتدار آفرین زمینه رعب و وحشت دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را فراهم کرده است و آنها منتظر فرصتی هستند تا با نفوذ به آن، روحیه مردم را تضعیف و به امنیت و اقتدار ایران

تند شد تعداد زیادی از مدیران در جلسه بودند و من خیلی راحت با ایشان مخالفت می کردم و کوتاه نمی آمدم و ایشان هم از نظر خود کوتاه نمی آمدند.

اهل انتقام نبود

دیالوگ ما خیلی بالا گرفت این طور نبود که بگوییم چون رئیس موافق این موضوع است پس ما هم باید موافق باشیم. ما خیلی راحت می توانستیم با شهید فخری زاده مخالفت و حتی بحث کنیم. بعد از جلسه از ایشان بابت بحث و جدلی که در جلسه پیش آمد، عذرخواهی کردم و گفتم جسارت به شما نباشد مابه عنوان مدیر باید نظر خود را بدهیم و با آرامش پاسخ دادند که شما باید این کار را انجام دهید، انتظار من همین است که نظر خود را بیان کنید. خیلی راحت می پذیرفتند و این موارد بعد از جلسه برای ایشان تمام شده بود. می گفتند باید نظر خود را بدهید و پای نظر خود محکم بایستید. هیچ کسی هم مشکلی ندارد و جلسه را به همین منظور تشکیل دادیم. مهم نبود نظر چه کسی انجام می شد ولی کمتر دیده ام در جلسه ای بتوانید روی موضوعی با مدیری وارد جدل شوید و راحت با ایشان بحث کارشناسی کنید و ده دقیقه با او سروکله بزنید و خیلی صریح به او بگویید نظر شما نادرست است. در جلسه ای که حالت شورایی دارد کمتر پیش می آید مدیری این اجازه را به شما بدهد که بحث کنید و شما را قانع کند یا این که شما او را قانع کنید. مهم ترین مسأله این بود که بعد از جلسه فراموش می کردند مدیر زیردستش با او مخالفت و جدل کرده است تا بخواهد در جایی آن راتلافی کند. مدیران عمدتاً دوست ندارند کسی منتقد آنها باشد و با آنها مخالفت کند. مدیران آنها تعریف و تمجید را دوست دارند و اصولاً افرادی که مخالف رای و نظرشان باشند را دوست ندارند و او را به عنوان اپوزیسیون خود معرفی می کنند. در صورتی که شهید فخری زاده این طور



مدیران عمدتاً دوست ندارند کسی منتقد آنها باشد و با آنها مخالفت کند مدیران غالباً تعریف و تمجید را دوست دارند و اصولاً افرادی که مخالف رای و نظر آنها باشند را دوست ندارند و او را به عنوان اپوزیسیون خود معرفی می کنند

مهم ترین چیزی که درباره خصوصیات شخصی شهید فخری زاده می توانم بیان کنم این است که نظم خاص خود را داشتند و از ایهت و جذبه مدیریتی برخوردار بودند اما خیلی راحت می توانستیم با ایشان ارتباط برقرار کرده و حرفه ای مان را مطرح کنیم.

صبور و مقاوم

یکی دیگر از وجوه شخصیتی شهید فخری زاده این بود که در حضورشان می توانستیم تندترین انتقادات را درباره ایشان و سیستم شان مطرح کنیم و ایشان فقط شنونده بودند و خیلی در صدد جوابگویی یا این که بخوانند توجیه کنند، نبودند این انتقادها و بحث های پیرامون نوع مدیریت شان را در جلسات شخصی که با ایشان داشتم یاد جلسات عمومی بیان می کردم و برخوردشان مطلقاً مثل مدیرانی که خیلی از انتقاد ناراحت می شوند و به آنها برمی خورد و منتظر هستند تا بعداً به نحوی حال شما را بگیرند، نبود و این موضوع را در ذهن شان ثبت نمی کردند که شما همان کسی هستید که جایی از او انتقاد کردید، به همین دلیل با امنیت خاطر با ایشان صحبت می کردیم. اکثر مدیران این چنین هستند که اگر انتقاد کنید در ذهن آنها می ماند اما ایشان اصلاً این طور نبودند. حتی یک بار در جلسه ای بحث ما بالا گرفت و خیلی

نبودند و انتقاد را خیلی راحت می‌پذیرفتند و این یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی شهید فخری زاده بود. شهید محسن به شدت انتقادپذیر بود. ما خیلی ادعا می‌کنیم که انتقادپذیریم ممکن است یک ساعت حرف‌های کسی را گوش کنیم و چیزی هم نگوئیم ولی این در ظاهر است و آن حرف‌ها را در روح و قلب خود ثبت می‌کنیم تا بعداً آنها را تلافی کنیم. این ویژگی باعث شده بود و در این ۲۴-۲۳ سال که از نزدیک با ایشان همکاری داشتیم امنیت خاطر خوبی را احساس کنیم. این مهم‌ترین ویژگی شخصی شهید فخری زاده بود ایشان مهربانی خاصی داشتند. خیلی مواقع که از موضوعی عصبانی و ناراحت بودید و باتندی نزد شهید فخری زاده می‌رفتید، راضی بیرون می‌آمدید.

آرامبخش مجموعه

از نزد ایشان آرام بیرون می‌آمدید حتی اگر مسأله شما حل نمی‌شد. شاید حل این مسأله در دست ایشان نبود یا این که حل موضوع در توان ایشان نبود و نمی‌توانستند کمکی کنند ولی بالاخره آرام می‌شدید و حرص‌تان می‌خوابید. این مزیتی بود که شهید فخری زاده داشت. این طور نبود که انتقاد کنید و با دعوا بیرون بیایید، امکان نداشت با ایشان دعوا کنید. من با شهید فخری زاده زیاد کل‌کل می‌کردم چون با ایشان راحت بودم، روحیه من این طور است که دوست ندارم وقتی به یک چیزی معتقد هستم و از نظر من به ضرر سازمان است کوتاه بیایم، یک بار موضوعی پیش آمد و با هم بحث کردیم و بعد پیام دادم که عذرخواهی می‌کنم در جلسه بحث کردیم، دلم برای سازمان می‌سوزد و از دید سازمانی دغدغه دارم که این بحث‌ها را می‌کنم. پیام ایشان این مضمون را داشت که مگر چه شده است؟ طوری برخورد می‌کردند که گویی اصلاً مسأله‌ای پیش نیامده و این طور بود که حس می‌کردید فراموش کرده‌اند و شما یادآوری کردید و او اصلاً چنین چیزی را به خاطر ندارد. انگار چنین جوابی داده بود که خیالت راحت باشد چیزی نشده و من به یاد ندارم. برای شهید فخری زاده مهم بود که دغدغه داشته باشید و به دغدغه شما ارزش می‌داد و این رفتار را نسبت به مدیران داشت و از آنها حمایت جدی می‌کرد تا احساس امنیت داشته باشند.

ایستاده در کنار نیروها

به معنای واقعی پای آدم‌های خود می‌ایستاد، نه فقط مدیران خود بلکه پای آدم‌های زیرمجموعه خود می‌ایستاد و از هر کسی که با سیستم مرتبط بود، حمایت می‌کرد و این یکی از محاسن شهید فخری زاده بود. بارها شاهد بودم که اگر احساس می‌کرد به فردی اجحاف می‌شود ابایی نداشت که نزد افراد مختلف برود و از وی حمایت کند و خیلی خوب پای مدیرانش می‌ایستاد. این امر به شمار مدیریت امنیت می‌دهد. خیلی مهم است که در مقام مدیر بدانید اگر اتفاقی

بیفتد و حتی اشتباه مدیریتی کنید یک مدیر بالاسری هست که از شما حمایت کند و اشتباهات مدیریتی را بپذیرد و شما را تنها نگذارد در حالی که عمده مدیران بالاتر تا یک جایی که احتمال ضربه خوردن وجود ندارد، همراه شما هستند و بعد پشت شما را خالی می‌کنند و اگر جای شان شل شود کنار می‌کشند. انصافاً شهید فخری زاده این طور نبود. دنبال کار آدم‌ها بود و دغدغه این که ممکن است در کار دچار مشکل می‌شوم یا من را مشکل دار می‌کنند، نداشتند. شخصی ۱۵ سال مدیر بود و شهید فخری زاده او را نمی‌شناخت ولی صرف اطلاعاتی که از ما و دیگری که با او کار می‌کردند گرفته بودند، تا آخرین مرحله از وی حمایت کردند. برای شهید فخری زاده این مباحث و این جنبه مهم نبود. این اخلاق خیلی اهمیت داشت که پای آدم‌های خود می‌ایستادند. این به مدیریت افراد کمک می‌کرد. این ویژگی را در مدیران کم دیده‌ام. این ویژگی به شما جسارت می‌داد و به شما کمک می‌کرد. ما این جسارت را داشتیم چون در تیم شهید فخری زاده بودیم. می‌گفت شما، من هستم یعنی هر جامی روید با قوت بروید شمارتیس سازمان سپند در آن قسمت هستید. بنابراین این تنفیذ را داشت و ما با این پشتگرمی در بیرون صحبت می‌کردیم چون می‌دانستیم اگر سازمان دیگری می‌رویم و صحبتی کنیم پای ما می‌ایستد و اگر حرفی می‌زنیم یا کاری می‌کنیم پشت ما خالی نیست. بیرون از سازمان اعم از ارتش، سپاه و سازمان‌های دیگر محکم صحبت می‌کردیم و این خیلی به ما کمک می‌کرد که بتوانیم روی موضوعات تصمیم‌گیری کنیم. در بحث‌های ورزشی هم این طور بود و ۸ تا ۱۰ سال در این حوزه فعال بود، هر چند برنامه‌های ورزشی به دلیل مشغله زیاد قبل از شهادت ایشان کمتر شد. شهید فخری زاده فوتبالی و ورزشی بود.

شهید محسن شجاع بود

ما با شهید فخری زاده در فوتبال کل کل می‌کردیم. با این که سن و سالی از ایشان گذشته بود اما خیلی بی‌محابا بودند و این برای ما خیلی عجیب بود. بازی دوستانه و غیردوستانه هم نداشت و در فوتبال خیلی جدی بود. وقتی توپ در زمین آنها می‌رسید کاملاً جنگنده ظاهر می‌شد و دروازه‌بانی جسور بود. برای شرکت در مسابقات تیم معرفی می‌کردند و غالباً در تیم‌ها حضور داشتند. در تیم ستاد دروازه‌بان جدی بودند. چند سال آخر هم از نظر وزنی و جسمی بازی نمی‌کردند ولی آن زمان که فوتبال بازی می‌کردند خیلی جدی وارد زمین می‌شدند. من هم که جلو بازی می‌کردم و به ایشان گل می‌زدم. با این که آن زمان دست و بال ما بسته بود و از نظر مالی مشکلات زیادی داشتیم ولی مسابقات فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی به صورت مرتب و سالانه برگزار می‌شد. جوایز خاصی هم نداشت و اصل، برگزار شدن مسابقات مهم بود. در اوج بی‌پولی سازمان هم از برگزاری مسابقات حمایت می‌کردند. این خیلی به روحیه بچه‌ها کمک می‌کرد. این مسابقات در سه سال اخیر برگزار نشده است و فکر کنم امسال بعد از شهادت شهید فخری زاده می‌خواهند اولین دوره را برگزار کنند. ایشان خیلی جدی پای ورزش بودند و در این حوزه هزینه می‌کردند. سالن می‌گرفتند و مسابقات مختلف اعم از فوتبال و دارت را برگزار و این روحیه را داشتند و خودشان نیز ورزش می‌کردند.

تاکید بر خانواده

خانواده برای شهید فخری زاده از اهمیت بالایی برخوردار بود حتماً دیگر دوستان گفته‌اند که ارتباط شهید فخری زاده با خانواده چطور بود. بحث دیگر توصیه‌هایی بود که در این خصوص برای ما داشتند تا با خانواده وقت بگذرانیم. همیشه این توصیه را به ما یادآور می‌شدند و سعی می‌کردند شرایط مناسبی را برای ما فراهم کنند. با این که مشکلات و معضلات مالی زیادی داشتیم ولی عمدتاً شرایطی را فراهم و سعی می‌کردند خدمات رفاهی را در این زمینه فعال کنند و برای کارکنان مجموعه جابگیرند و بچه‌ها را به این سمت هل بدهند که با خانواده به سفر بروند و برای آنها وقت بگذارند. این توصیه



در موضوع کاری نیز نگاه ایشان فراملی بود. سطح ملی برای شهید فخری زاده کوچک بود، غیر از این که بحث ملیت و ایرانی بودن همیشه برای شان اهمیت داشت و از اولویت‌های شان بود و کارها را بر این اساس تنظیم می‌کردند اما نگاه ایشان جهانی بود و می‌گفتند باید به آنجا برسیم که اثرگذاری ما در موضوعات در حوزه جهانی با نگاه تمدنی باشد



این ظرفیت برای تمدن سازی استفاده کنیم؟ خیلی مباحث عمیقی است. شاید ماه ها باید برای بررسی این موضوعات وقت می گذاشتیم. با همه گرفتاری هایی که داشتیم چند ماه هر هفته دو ساعت با شهید فخری زاده برای این موضوع جلسه می گذاشتیم و صحبت می کردیم. نمی خواستیم بحث لوٹ شود. چند ماه بحث را بررسی و ابعاد آن را تبیین کردیم که دفاع تمدنی به چه معناست؟ این بحث ها چیست؟ برای چیست و از آن چه می خواهیم؟ این جلسه با یک جمع ۵-۶ نفره برگزار می شد تا به اصطلاح مطالب را بیزیم و جمع کنیم وقتی این بحث ها پیش کشیده می شود، خیلی هاسمسخره می کنند و ترمز می شوند. این بحث برای شهید فخری زاده خیلی مهم و فراتر از ملیت بود زیرا بحث ملیت را با زبانی از بحث جهانی می دانستند.

توجه به مسائل ملی

در همه پروژه ها و کارهای پایین دست هم این طور بودند و این را در نظر داشتند کاری که می کنیم نه لزوماً در حوزه دفاعی باید به درد مملکت بخورد اگر به درد مملکت نخوریم فایده ای ندارد. در همه پروژه ها این گونه بودند اگر در مسائل ملی هم مسئله ای بود و می توانستیم کمکی کنیم ورود می کردیم. از شهرداری گرفته تا حل مسائل زیستی. یکسری پروژه برای مقابله با موش و آفت در شهرداری بود. در بهزیستی قوی بودیم و می خواستیم کمک کنیم. خیلی دنبال این بودیم که در بحث زباله سوزی شهرداری را پای کار بیاوریم و مشکلی را در آن قسمت حل کنیم. جاهای مختلف کشور که لازم بود ورود می کردیم. از نظر ملی بحث فراتر از این مباحث بود.

در بحث توجه به معیشت و حل مشکلات کارکنان هم شهید فخری زاده احساس مسئولیت می کردند و ما درباره مشکلات خودمان با ایشان صحبت می کردیم. ابایی نداشتند که شماندش بروید و ایراد معاونان و مدیرانش را بیان کنید. دفاع الکی و توجیه بی خود هم نمی کردند. شاید در آن موضوع خاص کاری از دست شهید فخری زاده بر نمی آمد به هر حال هر مدیری یک ابزار و اختیاراتی دارد اما با روی باز گوش می دادند. مثلاً می دانستند فلان مدیر این ایراد را دارد ولی خبرالموجودین بود و بهتر از این فرد در سیستم ندارند و با همه ایرادها خیرالموجودین است. بعد از سردار وحیدی توجه به سپند و مجموعه ما خیلی افول کرد. وزرای بعدی مشکلات زیادی درست کردند، به خصوص در زمان آقای روحانی فشار از همه جهت به سازمان ما وارد شد و رسماً دنبال تعطیل کردن سپند بودند و دستور تعطیلی را داده بودند و به همین دلیل و مسائل فشار زیادی روی ما بود. البته وزیر این کار را نکرد چون به این باور رسیده بود که وجود سپند لازم است ولی چون از بالادست و اطراف حمایت نمی شد خیلی تحت فشار بودیم و پروژه ها را در اوج فشار مالی انجام می دادیم. با همه این احوالات شهید فخری زاده اعتقاد داشتند که باید کار را انجام داد و پروژه ها را تا حدی که می شد ادامه می دادند. اگر کمی پول داشتیم نمی گفتند این بحث را رها کنیم و تا حد امکان با همان بودجه کم کمک می کردند که کارها طبق روال انجام شود. مشکل این بود که دست شان بسته بود اما با این وجود باز هم به صورت شخصی و غیرشخصی به همه کمک می کردند. خیلی از بچه ها مشکلات شخصی شان را بیان می کردند و ایشان تا جایی که می توانستند برای حل آن از سیستم، فرد و ارتباطاتی که داشتند، استفاده می کردند تا مشکل افراد را حل کنند و همه توان خود را برای رفع مشکلات می گذاشتند.

امنیت خاطر اعضای تیم

بچه ها هم این امنیت خاطر را داشتند و خیلی مواقع مسائل شخصی خود را نیز مطرح می کردند تا از ایشان کمک و مشورت بگیرند. نگه داشتن افراد و ممانعت از مهاجرت نخبگان از اولویت های سپند بود. یکی از چیزهایی که شهید فخری زاده پیگیری می کردند این بود که باید به جایی برسیم که نیروهای ما مثل خیلی از مراکز علمی.

را همیشه به ما می کرد که هر چند کار اهمیت دارد اما اولویت نخست شما باید خانواده باشد با این که مشغله کاری زیادی داشتیم اما کمک می کردند که هم کار کنیم و سالی چند بار با خانواده به سفر برویم. برخی مواقع مکانی رانیه می کردند و می گفتند به این سفر بروید. همه اینها حول محور ارزش به خانواده بود. یک زمانی دست و بال شما باز است و این کار را می کنید و یک زمانی این طور نیست و در اوج نیاز مالی به این مسئله توجه می کنید و به آن اهمیت می دهید و می گویند بودن آدم ها با خانواده اهمیت دارد. شهید فخری زاده در روزهای سخت هم این فکرها را می کردند و این برای ما ارزشمند بود.

نگاه جهانی

در موضوع کاری نیز نگاه ایشان فراملی بود. سطح ملی برای شهید فخری زاده کوچک بود، غیر از این که بحث ملیت و ایرانی بودن همیشه برای شان اهمیت داشت و از اولویت های شان بود و کارها را بر این اساس تنظیم می کردند اما نگاه ایشان جهانی بود و می گفتند باید به آنجا برسیم که اثرگذاری ما در موضوعات در حوزه جهانی با نگاه تمدنی باشد. حتی در سال های آخر مباحثی را در خصوص تمدنی که حضرت آقا بحث کرده بودند طرح می کردند تا در زمینه چگونگی نقش دفاع در تمدن اسلامی بحث و بررسی کنیم. از منظر دفاع موضوعاتی را مطرح و پروژه هایی را شروع کردند که در یک مقطعی من مسئول پروژه بودم و در آنجا بحث نقش دفاع در تمدن اسلامی و تمدنی که با ظهور امام زمان (عج) اتفاق می افتد و این که نقش ما در ظهور چیست، مورد توجه قرار داشت. دفاع تمدنی عبارتی بود که آن زمان شکل گرفت. منظور از دفاع تمدنی دفاع از تمدن نبود بلکه می خواستیم نقش دفاع در آن تمدن سازی که می خواهیم انجام دهیم را بررسی کنیم و به این برسیم که وزارت دفاع در آن زمان باید چه دفاعی داشته باشد. این پروژه با این دید تعریف شده بود و این کار را انجام می دادیم که آیا همین وزارت دفاع می تواند آن تمدن سازی را انجام دهد؟ این بحثی نبود که فکر کنیم ۶ ماهه تمام می شود، استارت این مباحث باید زده می شد و حالا حالاها باید در خصوص این موضوعات فکر شود و انجام این پروژه کار یک نفر، دو نفر، ۱۰ نفر یا ۲۰ نفر نیست. کلید این موضوعات باید در سپند بخورد و به این مسائل فکر کنیم و آن وقت بگوئیم منتظر ظهور هستیم و گرنه انتظار به تنهایی کافی نیست، این منتظر بودن در دفاع یعنی چه؟ چه نقشی داریم؟ چه فناوری هایی به درد آن زمان می خورد؟ ما باید در چه چیزی قوی شویم که بگوئیم آماده ظهور هستیم؟ حتی به حوزه فناوری با این دید نگاه می کردند اساساً برای رسیدن به آن جایگاه باید به هر حوزه ای ورود کنیم؟ افق دید ما باید در چه سطحی باشد؟ باید به حوزه فناوری نگاه کنیم و ببینیم چطور می توانیم از



شهید فخری زاده اعتقاد

داشتند که باید کار را

انجام داد و پروژه ها را تا

حدی که می شد ادامه

می دادند. اگر کمی پول

داشتیم نمی گفتند این

بحث را رها کنیم و تا حد

امکان با همان بودجه

کم کمک می کردند که

کارها طبق روال

انجام شود

نظامی دنیا و آزمایشگاه‌های ملی که پشتوانه نظامی دارند با افتخار بگویند در سپند کار می‌کنند و مثل همه جای دنیا برای دستیابی به این جایگاه در نوبت بایستند مثل این‌که اپلای می‌کنید و باید از یک گرید بالاتر باشید که فرصت فعالیت یکماهه در فلان آزمایشگاه را به شما بدهند. لذا باید ما به آنجا برسیم و سپند این طور شود و افراد نخبه از کشور نروند وقتی چنین جایی در کشور وجود دارد و می‌تواند در این سطح تحقیق کند چرا باید برای انجام فعالیت‌های تحقیقی به کشورهای دیگر بروند. افق دیدشان این بود که باید آزمایشگاه ملی و بین‌المللی در این سطح داشته باشیم تا اساتید و نخبگان مملکت بگویند ما از این سطح برخورداریم، چون عمده مهاجرت‌ها به همین دلیل است. کاری با فشار اقتصادی و سیاسی که اهمیت زیادی در این موضوع دارد و مهم است، ندارم. همان طور که می‌بینید مهاجرت در شرایط عادی هم اتفاق می‌افتد. مثلاً فکر کنید از شرایط مالی خوبی برخوردارید و همه چیز در این شرایط نرمال است اما فردی که نخبه، دانشمند یا محقق است یک جایی را می‌خواهد که جست‌وجوگر باشد، کار کند و دستاوردهای علمی و پیشرفت خود را ببیند. اگر کشور جایی را برای این اقدامات نداشته باشد ناچار به مهاجرت هستید چون می‌گویید کشور شتاب‌دهنده و فلان آزمایشگاه زیستی در این سطح ندارد و من می‌خواهم روی این موضوعات کار کنم پس برای ادامه تحقیقاتش به کشورهای دیگر می‌رود حتی اگر از نظر مالی خوب باشد و مشکل سیاسی خاصی نداشته باشد. یک محقق نیاز به تحقیقات دارد و باید جایی کار کند که از علم او استفاده کنند تا رشد کند. وقتی سطح علمی کشور پایین باشد و جایی برای رشد نداشته باشد فرد مهاجرت می‌کند. عمدتاً محققان ما برای پول درآوردن مهاجرت نمی‌کنند بیشتر آنها حاضر هستند با حقوق ۵۰۰ دلاری در کشور بمانند و کار کنند اما امکانات و آزمایشگاه در آن سطح نیست.

حفاظت از نخبگان

شهید فخری زاده دنبال این بود که به این سطح برسیم و با این شیوه از نخبگان حفاظت کنیم تا آنها رشد کنند. بنابراین دغدغه راه‌اندازی این محیط‌ها و جذب نخبگان را داشتند و برای شکار این افراد به دانشگاه‌ها و جاهای مختلف می‌رفتند و شرایط مختلفی را برای آنها فراهم می‌کردند و ایده‌های جدی برای شان داشتند. برپایی جشنواره‌های گوناگون با عنوان ایده‌پردازی به همین منظور انجام می‌شد تا کسانی که از سطح بالایی برخوردارند را شناسایی و جذب کنند و آنها را نگه داریم. دستیابی به این جایگاه نیازمند این است که مجموعه عوامل با هم هماهنگ باشند. من به این‌که یک دست صدا ندارد اعتقاد ندارم و می‌گویم گاهی با یک دست هم می‌توان کارهای جدی کرد اما وقتی عوامل

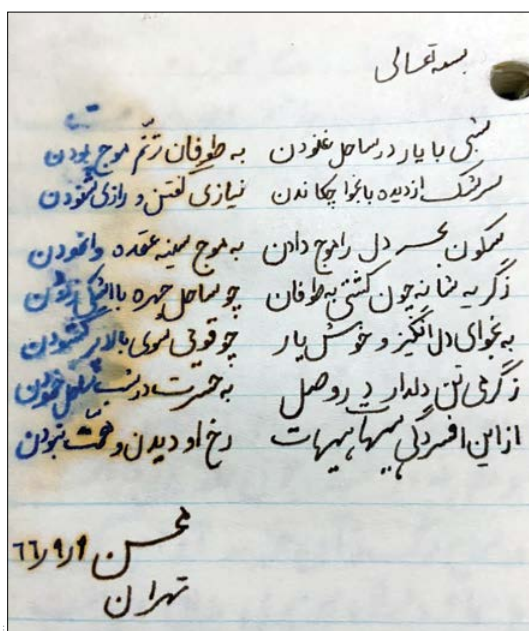
مختلف در کنار هم کمک کنند، این اتفاق به صورت جدی‌تر می‌افتد. بنابراین کار اصلی، فهم این موضوع مهم است. فهم موضوع سپند، نه اسم سپند بلکه اندیشه‌ای که ۲۰ و چند سال شهید فخری زاده دنبال آن بود و هنوز خیلی‌ها فلسفه وجودی آن را نفهمیدند و فکر می‌کنند که فهمیده‌اند یا پز آن را می‌دهند که می‌گویند فهمیده‌اند اما دقیقاً مخالف جهتی که شهید فخری زاده کار کردند، اقدام می‌کنند و می‌گویند که در راه شهید فخری زاده کار می‌کنیم. اما کسی که تفکر شهید فخری زاده را می‌شناسد، می‌داند که نه تنها در جهت عکس حرکت می‌کنند بلکه حرکت شان ۱۸۰ درجه با تفکرات شهید فخری زاده اختلاف دارد و بسیاری از مسائل را نفهمیدند.

ارادت به رهبری

ارادت به رهبری هم یک امر واضح در سیره رفتاری شهید فخری زاده بود. خیلی در این خصوص حرف نمی‌زدند از این جنبه‌ها که از رهبری بگویند. خیلی از مدیران در حرف زدن خود برای این‌که ارادت حرفی خود را نشان دهند از رهبری می‌گویند اما ارادت آنها حرفی است و با ارادت عملی فرق دارد. خیلی مواقع این موارد را علنی نمی‌گفتند، مثلاً در جمع بیان کنند که آقا این را گفتند یا آن را گفتند؛ اینها فقط حرف و بیان است. اگر حرف‌ها و سخنرانی‌های ضبط شده شهید فخری زاده را ببینید به ندرت در صحبت‌های خود به حضرت آقا اشاره کرده‌اند و در جاهایی که لازم بوده تأکید کرده‌اند که حضرت آقا این را خواسته و باید این کار را کنیم. جاهایی که لازم بود اشاره می‌کردند. قضیه این است که ما این ارادت را باید در عمل نشان دهیم و حرف فایده ندارد. وقتی می‌گوییم سرباز ولایت هستیم را باید در عمل نشان دهیم. این‌که همواره بگویید سرباز هستم اما هیچ کاری نکنید که فایده ندارد. شهید فخری زاده در این موضوع اصلاً شعاری نبودند و به جد اعتقاد داشتند که ارادت باید عملی باشد. نمی‌خواستند این را بیز بدهند و فقط ارادت‌شان را زبانی اعلام کنند. خیلی مواقع اصلاً نیازی نمی‌دیدند بگویند که این کار و آن کار را کردیم. برای شهید فخری زاده مهم این بود که عمل کنند و نمی‌خواستند شعار دهند. علاقه به ادبیات از ویژگی‌های شهید فخری زاده بود. امکان نداشت وقتی با شهید فخری زاده صحبت می‌کنید، دو شعر در کلام‌شان گفته نشود. درباره موضوعات مورد بحث، حرف‌های شان را با یک شعر و مثال بیان می‌کردند و بعضاً با همان شیوه جواب شما را می‌دادند. حتی گاهی اوقات پیش آمده بود که پای نامه‌ها با شعر پاسخ داده باشند.

طبع شاعرانه

اگر قرار بود چیزی به شما بگویم یا حرفی به شما بزنم با شعر بود، یعنی آن قدر روی شعرهای حافظ و دیگر شعرا مسلط بود و به نوعی حافظ‌شناس بود چون عمدتاً اگر لازم بود موضوع را تفسیر می‌کرد و این نشان از تسلطش روی این بحث داشت. در بحث عرفانی هم کار می‌کرد. از دوران جوانی مطالعات جدی در زمینه فلسفه داشت و در دوره‌های حوزه علمیه قم در این مباحث شرکت می‌کرد. این مسأله را در حرف‌هایی که پیش می‌آمد، بیان می‌کرد. از جوانی سابقه شرکت در مباحث ادبی، عرفان





موجب سوءاستفاده برخی شده بود. به ایشان می‌گفتیم فکر نکنید همه این گزارشاتی که برخی افراد به شما می‌دهند راست است. همه این آدم‌هایک جاهایی به واسطه جایگاه خود دروغ‌هایی به شما می‌گویند. آنها به این مسأله واقف بودند که اگر شهید فخری‌زاده موضوع را بفهمند هم چشم‌پوشی دارند و خیلی طرف را ضایع نمی‌کنند بنابراین در کوتاه مدت بهره می‌برند. اما بالاخره همه این دروغ‌ها روزی برملا می‌شود شاید در یک مقطع زمانی به هدف مورد نظرشان برسند اما امکان ندارد که دروغی گفته شود و افشا نشود چون بالاخره سیستم ناظر دارد و مطمئناً این اتفاق برای آنها هم می‌افتاد. شهید فخری‌زاده از مدیرانی بودند که حیف شدرفتند.

دغدغه حوزه فلسفه و علم

شهید فخری‌زاده از جوانی دغدغه حوزه فلسفه و علم را داشتند و همزمان روی سه، چهار موضوع کار کرده بودند یکی از این موضوعات مهم همین بحث فلسفه علم بود. فلسفه علم به معنای متعارف فلسفه، علم نیست و با مطالبی که در دانشگاه مطرح می‌شود و به وسیله آن تاریخ علم را مرور می‌کنید، فرق دارد. در فلسفه علم مباحث دیگری را مدنظر داشتند و چون فلسفه کار کرده بودند بحث‌شان این بود که چون فلسفه پایه علم است از آن می‌توان به علم و فناوری رسید و علاوه بر این فلسفه می‌تواند روی فناوری‌ای که تولید می‌کنیم هم تأثیر بگذارد. شهید فخری‌زاده بر همین مبنا معتقد بودند که فلسفه در نوع فناوری و کاربرد آن تأثیر دارد و در جهت دهی فناوری اثرگذار است این موضوع خیلی برای شهید فخری‌زاده مهم بود و از این منظر نو به مقوله فلسفه و فناوری نگاه می‌کردند. این نگرش در کشور ما و در حوزه مورد مطالعه فلسفه نگاه نوآورانه‌ای بود و شهید فخری‌زاده از این منظر به فلسفه علم می‌پرداختند و در همین راستا گروه فلسفه را تاسیس و فلسفه علوم بنیادین را مطرح کردند. یکی از کارهای ما هم این بود که فلسفیدن روی این موضوعات داشته باشیم و جلسات هفتگی را با این محوریت برگزار می‌کردیم این جلسات در ابتدا چند نفره برگزار می‌شد آن زمان که گروه کوچکی بود و پنجشنبه‌ها جلسه داشتند عضو گروه بودم و در نشست‌ها حضور داشتم و درباره این مبانی بحث می‌کردیم این گروه چند نفره به مرور گسترده شد و گروه فلسفه علوم بنیادین بر مبنای آن شکل گرفت. وقتی شهید فخری‌زاده این نوع نگاه به فلسفه علم را با افراد بزرگی مثل آقای گلشنی و دینانی مطرح می‌کردند. این نوع نگاه برای‌شان جدید و جذاب بود. جلساتی که با همه تلاش‌هایی که صورت گرفت پس از شهادت شهید فخری‌زاده تعطیل شد و جای تأسف دارد.

حیف بود شهید نشود

اگر شهید نمی‌شدند حیف بود. حیف است که این آدم‌ها این طور از این دنیا نروند چون تمام عمر و زندگی خود را در این مسیر گذاشتند. این آدم‌ها زندگی نکردند. نه اوقاتی که با خانواده سپری کردند برای‌شان معمول و درست و حسابی بود و نه سفر آنها. افرادی مثل شهید فخری‌زاده لذت‌های معمول و متعارف آدم‌های معمولی را نداشتند. چون می‌دانستم کتابخوان هستند و نمی‌توانند به دلایل امنیتی به نمایشگاه کتاب یا کتابفروشی بروند، خیلی مواقع با شناختی که داشتم کتابی برای شهید فخری‌زاده می‌خریدم و به ایشان هدیه می‌دادم. فکر کنید شخصیتی با این طراز علمی امکان این را نداشتند که بتواند به یک کتابفروشی بروند و ساعتی در آنجا به کتاب‌های مورد علاقه‌شان بپردازند، نمی‌گویم مرکز خرید حتی کتابفروشی هم نمی‌توانستند، بروند. این آدم‌ها عملاً از این منظر زندگی ندارند درست است از منظر خودشان زندگی رفیعی داشتند ولی در لذت‌های طبیعی زندگی نبودند.

و فلسفه را داشت و چون فیزیک خوانده بود، در این حوزه هم فعال بود. مبانی فیزیک را خوب خوانده بود و کمتر کسی را می‌توان دید که در ادبیات، فیزیک، عرفان و فلسفه کار کرده و به آن مسلط باشد. رسمی بود که هر سال عید نوروز بهاریه می‌خواند. اولین سخنرانی شهید فخری‌زاده بعد از سال جدید، بهاریه خوانی و تفسیر آن بود. قطعاً صوت این برنامه‌ها موجود است. در این زمینه صاحب نظر و تسلط ایشان به این حوزه‌ها در این سخنان کاملاً مشهود بود.

عشق به شهادت

عشق به شهادت در ایشان تا حدی بود که به شهادت رسیدند. باید به خدا نزدیک شوید تا چنین شهادتی نصیب‌تان شود. این‌که در جنگ می‌جنگید و شهید می‌شوید با این‌که در معرکه این چنینی شهید شوید، فرق دارد. شهادت در معرکه جنگی ارزشمند است ولی وقتی فردی این طور شهید می‌شود، یعنی در ارتباط با خدا به حدی بود که انتخاب شده است. این‌که در وسط شهر این طور شما را بزنند، یعنی اینجا انتخاب شدید که شهید شوید. ارتباطان با خدا آن قدر خوب بوده که به اینجا رسیدید. بحث‌های ارتباطی با خدا موضوع جداگانه‌ای است اما در مسأله امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) بسیار حساس بودند. یاد می‌آید مسافر بودیم و با ماشین جایی می‌رفتیم، آن موقع محرم مصادف با عید نوروز بود و بنا به مأموریتی با هم بودیم. ما دو نفر و یک راننده در ماشین بودیم و مداحی درباره حضرت زینب (س) پخش می‌شد و شهید فخری‌زاده زار زار گریه می‌کردند. این گریه عادی نبود، هق هق بود و بدن ایشان در حین گریه می‌لرزد. برای من خیلی جالب بود که من نشست‌ام و راننده هم حضور دارد و این طور گریه می‌کنند. درباره شهادت نیز تکه‌ای از سخنرانی ایشان وجود دارد که شعری را درباره شهادت می‌خوانند. همیشه می‌خواستند که عاقبت‌شان ختم به شهادت شود. این عبارتی بود که همواره به آن تاکید داشتند.

درستی و صداقت

درستی و صداقت از صفات بارز ایشان بود که زیانده همه بود. شهید فخری‌زاده به حدی خوب بودند و مبنا را بر حسن نیت آدم‌ها می‌گذاشتند که یکسری مدیران از شهید فخری‌زاده سوءاستفاده می‌کردند. شهید فخری‌زاده نمی‌خواستند آدم‌های خود را خراب کنند. حسن نیت داشتند که شما آدم راستگویی هستید و قرار نیست دروغی بگویید. اگر می‌فهمیدند که مسأله‌ای دروغ است باز هم آن را نمایان نمی‌کردند و این خصلت



شهید فخری‌زاده معتقد

بود که فلسفه در نوع

فناوری و کاربرد آن تأثیر

دارد و در جهت دهی

فناوری اثرگذار است

این موضوع خیلی برای

ایشان مهم بود و از

این منظر نو به مقوله

فلسفه و فناوری نگاه

می‌کردند

قالب‌های ماندگار از شهید محسن





«گنبد آهنین» رژیم صهیونیستی جایگاهی در اندیشه شهید فخری زاده نداشت

خلق دفاع بدیع و نو

✦ تقویت بنیان‌های مؤلفه اقتدار ملی توسط شهید فخری زاده

شهید فخری زاده در حقیقت بنیان‌های مؤلفه‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران را در برابر دشمن منطقه‌ای آن (یعنی رژیم صهیونیستی) تقویت نموده و آن را توسعه بخشید. توان هسته‌ای، قدرت موشکی و اقتدار پهلادی، سه مؤلفه اساسی هستند که با پیشرفت‌های درخشان در طول سال‌های اخیر، آسیب‌های مهلکی به دشمنان منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران وارد آورده‌اند. این هنر و پشتکار شهید فخری زاده بود که توانست با پرکردن دست جمهوری اسلامی ایران از این قابلیت‌های راهبردی برجسته، خواب را از چشمان صهیونیست‌ها ربوده و آنها را در هراسی دائمی و پایدار نگه دارد. از یک سو صنعت هسته‌ای ایران در طول دو دهه گذشته خار چشم دشمنان جمهوری اسلامی (و از جمله رژیم صهیونیستی) بوده است. تمام تکاپوهای ضدايراني نتانياهو در طول سال‌های اخیر عمدتاً با هراس از توسعه و تعمیق این قابلیت راهبردی تهران صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه از سیاست ثبات خود در زمینه حفظ ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای فاصله نگرفته است؛ اما صهیونیست‌ها با آگاهی از ابعاد پیشرفت این دانش قدرت‌ساز، با مظلوم‌نمایی پروژه هراسی را در پیش گرفته‌اند. صهیونیست‌ها به خوبی می‌دانند که خارج شدن انحصار آنها در حوزه هسته‌ای در سطح منطقه، و شکستن آن توسط تهدید درجه یک‌شان (یعنی جمهوری اسلامی ایران) چه مخاطرات و پیامدهای ویرانگری برای منافع آنها در پی دارد. از این رو شهید فخری زاده (یعنی مؤثرترین عنصر این قدرت راهبردی) را مورد هجوم خود قرار دادند. همچنین نقش آفرینی شهید فخری زاده در حوزه دفاع موشکی به صورتی مستقیم امنیت و بقای رژیم اشغالگر را تهدید می‌کند. آنچه که این روزها بر سر شهرک نشینان اشغالگر صهیونیستی آوار شده و گروه‌های مقاومت را به تهدید وجودی رژیم غاصب تبدیل کرده است، ریشه در همین ابتکار موشکی جمهوری اسلامی ایران دارد که زنجیره‌های محور مقاومت در سراسر منطقه به آن مجهز هستند و نگرانی فراگیری را برای اشغالگران متجاوز رقم زده‌اند. همین امر درباره صنایع پهلادی و قدرت فوق‌العاده آن در تهدید دائمی رژیم صهیونیستی نیز صادق است. پهلاد‌های ایرانی امروز به نقطه قوت محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی بدل شده‌اند و تأسیسات و اسرار این رژیم اشغالگر را رصد می‌کنند. اینها همه از افتخاراتی است که شهید فخری زاده برای ایران و اسلام آفرید و عمق راهبردی دشمن را هدف گرفت.

✦ نتایج معکوس ترور

نمی‌توان این واقعیت را منکر شد که شهادت فخری زاده، برای گنجینه علمی و ذخایر دانایی ایران، یک ضایعه بود؛ اما در عین حال دشمن صهیونیستی خود معترف است که این عملیات تروریستی و حذف فیزیکی فخری زاده نیز نتوانست مانعی در مسیر پیشرفت‌های ایران ایجاد نماید. انتظار صهیونیست‌ها آن بود که با این ترور، به طور مشخص فعالیت‌های هسته‌ای ایران محدود شده و چرخ آن از حرکت باز ایستد، اما ایران در اقدامی متقابل، پیشرفت‌های هسته‌ای خود را توسعه بخشید و غنی‌سازی ۶۰ درصدی را در دستور کار قرار داد. این یک قاعده بارها تجربه شده است که ایران تحت شرایط فشار، نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه به پیشروی‌های خود نیز شتاب می‌بخشد. از این رو شهادت فخری زاده (یعنی خار چشم صهیونیست‌ها) پیامدهای ویرانگر پسینی دیگری نیز خواهد داشت که دود آن تنها و تنها به چشم اشغالگران و متجاوزان صهیونیست خواهد رفت.



علیرضا نامی
کارشناس رسانه

هنوز هم با گذشت سه سال از حادثه ترور دانشمند شهید (دکتر محسن فخری زاده) می‌توان درباره اهداف این عملیات تروریستی جنایتکارانه سخن گفت. اگرچه رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه به صورت رسمی مسئولیت انجام این عملیات تروریستی را بر عهده نگرفت اما کیفیت انجام این ترور، دست‌های پلید سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) را آشکار می‌کند و به محض انجام آن، همگان متوجه میدان‌داری صهیونیست‌ها در این حادثه شده بودند. روشن است که صهیونیست‌ها زخمی عمیق و کاری از شهید فخری زاده متحمل شده بودند که دست به طراحی و اجرای پیچیده این عملیات تروریستی زدند. شهید فخری زاده از سال‌ها قبل مورد تمرکز سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بود. دلیل آن نیز خدمات و اقدامات بسیار مهم و بنیادینی بود که شخص آن شهید بزرگوار در مسیر تعمیق پیشرفت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران صورت داد. به طور مشخص صهیونیست‌ها از شهید فخری زاده به عنوان مغز متفکر فناوری هسته‌ای ایران یاد می‌کردند. صهیونیست‌ها از سال ۲۰۰۷ میلادی/۱۳۸۶ شمسی فخری زاده را در لیست ترور خود قرار داده بودند.

بنیامین نتانياهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در سال ۲۰۱۸ در مقابل دوربین تلویزیونی ظاهر شده و در سخنان خود درباره پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، از شهید فخری زاده نام برده بود. حتی براساس گزارش‌هایی، در سال ۲۰۰۹ موساد اقدام به طراحی یک عملیات تروریستی پیچیده برای ترور شهید فخری زاده در تهران کرده بود که عملیات در لحظه آخر، از بیم لورفتن و تله‌گذاری اطلاعاتی جمهوری اسلامی، لغو شد. اما این بار صهیونیست‌ها با حمایت رژیم آمریکا عزم خود را برای حذف فیزیکی این دانشمند برجسته ایرانی جزم کرده بودند. براساس گزارش نیویورک تایمز (که در سپتامبر ۲۰۲۱ منتشر شد) دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا شخصاً از این عملیات تروریستی اطلاع داشت. همین نکته به خوبی عمق تأثیرات آن شهید فرزانه و هراس دشمنان از وی را هویدا می‌سازد.

شهید فخری زاده در رشته فیزیک هسته‌ای علم را تبدیل به محصول کرده بود و در عداد پیشگامان صنعت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. شهید فخری زاده همچنین در بحث دفاع‌های نوظهور کشورمان نیز نقش و تأثیر فوق‌العاده مهمی داشت. در کنار آن باید از مجاهدت‌های علمی شهید فخری زاده در حوزه پدافند لیزری نام برد. نقش بی‌بدیل و منحصربه‌فرد فخری زاده در حوزه دفاع راهبردی چندوجهی که برآمده از علم بومی و اندیشه فلسفی ایشان داشت فراموش‌نشدنی است. وی در حالی قدم در عرصه‌های دفاع بدیع، تازه و نو می‌گذاشت که سیستم‌های پدافندی همچون «گنبد آهنین» رژیم صهیونیستی که امروز در نبرد با «محور مقاومت» اثر آن را می‌بینیم! در اندیشه والای شهید فخری زاده جایگاهی نداشت.

با این توضیحات روشن می‌شود که چرا رژیم صهیونیستی این حجم از کینه و نفرت را از آن شهید والا مقام و اثرگذار در دل داشت و به حذف فیزیکی وی در یک عملیات بسیار پیچیده و برنامه‌ریزی شده، مبادرت ورزید. نام بردن نخست‌وزیر جلال و شاید صهیونیست‌ها از شهید فخری زاده، حکایت از آن داشت که رژیم اشغالگر قدس ضربه‌ای ویرانگر از این دانشمند برجسته ایرانی دریافت کرده و در پی تلافی است.